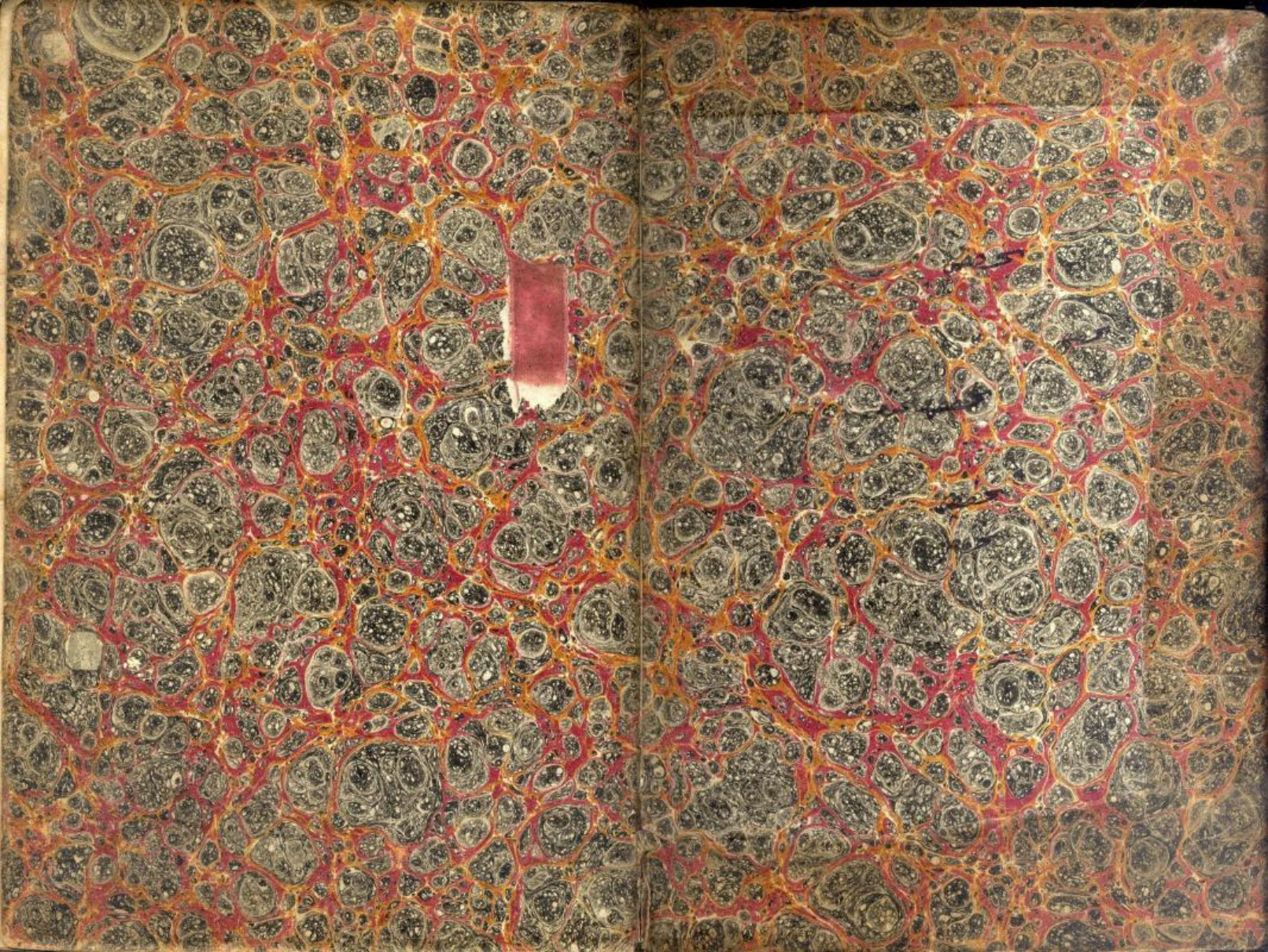




نمبر

۵۰۰
۱۰۰

با صد و پنجاه

۱۰۰۰
۱۰۰۰
۱۰۰۰

الرمحون

۱۰۰

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹
۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱
۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

تذکره عاقل و جاهل
 از پیری بجا بل ایام
 شیخ مرد اینچنین فرمود ای جا

مرویت که روزی معاویه بنزد امام حسن بن علی عم رفت بقصد الزام دادن آن حضرت معاویه بدو گفت که ای حسن حق تعالی در قرآن فرموده است که ولا تطیعوا ولا یابین الا فی کتاب مبین لحیة من تو در قرآن بجا ذکر کرده است و محاسن آن بسیار انبوه بانضارت و طراوت بود و معاویه کوسج بود پس آن حضرت در جواب معاویه فرمود که حق تعالی محاسن و لحیة ترا ذکر کرده که والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی ضربت لایخرج الا نكدا معاویه لعنت الله غضب الله علیه و علی انصاره چون اجتماع این آیت کرد منفعل و مجمل شد و حاضر مجلس همه او را نفرین کردند

نفرین کردند
 سوره درویشی این
 محال الدین خواهم

سین

بجمله آنکه اسلامه دلیلم مصطفی کلدی
 امیر و جبروت بهم علی المرتضی کلدی
 امام اول که کانی نجیب بن سویم آنی
 رسولک و قی العینی من خلق خدا کلدی
 خدا اولسون آکا جانم کیم اولدوبین و ایما
 ایکی عالمه سلطانم حسین کربلا کلدی
 آکا انی ملک بنده آکا اذ نابنده می بنده
 جبهک قطب عالم علی زین العبا کلدی
 محمد باقر اولش بهم امام جعفر در راهم
 بولردن موسی کاظم که اول نوید کلدی
 بوزنده قی و القآن عذاری کعبه عرفان
 جهانده رحمت رحمت علی موسی رضا کلدی
 تقی خ و لایند رقی نور هدایت
 بولار مقبول حضرت که بنده رها کلدی
 امام عسکری قبل اشیکلی جانشین کعبه
 بولنده جواد و میرسم بجا غایت رضا کلدی
 محمد مهدی آقا کلور بر کون اولو ظالم
 او وقتک خارجی فکر بود کاید جدا کلدی

سوره نین جگه می آده نشینی
 اولدور دو نیکینک هفتینی
 طریقت سولر آنده کورانی
 بیو خوش باش اوز انخن طلیک
 مرادی اوزره قول او فتن عوامه
 کور اول بدنا ملق اول نامنامه
 کوز لیکم دیو و شرک ایلر
 ایکن ملک لور خرد قدر ایلر
 کجوب قوشوسینه ایلر دعا لور
 قلور اولادینه مدح و ثنا لور
 ز غلام دار یلانچی یوزی قره
 کیر گشت صغار دینن دینار
 غزادر بو بنده اوردق غزادر
 نیمه زهر ایلک آکا سزادر
 الهی سن بزی آنلردن اینیم
 دینن دنیا به صد لردن اینیم

سوره نین جگه می آده نشینی
 اولدور دو نیکینک هفتینی
 طریقت سولر آنده کورانی
 بیو خوش باش اوز انخن طلیک
 مرادی اوزره قول او فتن عوامه
 کور اول بدنا ملق اول نامنامه
 کوز لیکم دیو و شرک ایلر
 ایکن ملک لور خرد قدر ایلر
 کجوب قوشوسینه ایلر دعا لور
 قلور اولادینه مدح و ثنا لور
 ز غلام دار یلانچی یوزی قره
 کیر گشت صغار دینن دینار
 غزادر بو بنده اوردق غزادر
 نیمه زهر ایلک آکا سزادر
 الهی سن بزی آنلردن اینیم
 دینن دنیا به صد لردن اینیم

تذکره عاقل و جاهل
 از پیری بجا بل ایام
 شیخ مرد اینچنین فرمود ای جا

نیازی

جغوب جی جگه که نه کوزلدر نه کوزلدر
بولنده جانی نه کوزلدر نه کوزلدر
او بود که ریاضاتی ارید بر لب خطیاتی
وصالک جی لذاتی نه کوزلدر نه کوزلدر
او بود که مغیلاً غفلت ک کلماتی
جی ک یولی کابانی نه کوزلدر نه کوزلدر
مدینه شهرینه وارم حبیبک روضه کورم
اشکنه یونم سورم نه کوزلدر نه کوزلدر
نیتیک نظر کاهی ولیک قوار کاهی
کورم عقبه الهی نه کوزلدر نه کوزلدر
سورب د کاهیکه یوزلر دو کوب پانی پیره
بر اول کیکو کوندوزلر نه کوزلدر نه کوزلدر
وصالک دردینه دوشمک یانوی عشق آودینم
صوکنده سکا ایشمک نه کوزلدر نه کوزلدر
نیازی نه فنیب اوس واروب مقصود اوس
صفاء ذوقله اوس نه کوزلدر نه کوزلدر

ولایضا

او غفلت ک غافل سنی الی اوسون دنیا
یقه فی آل الله کیم سنی صکو فلو سوا
نه عا کدن بوغدا کیم کیم باعوبه کانی سود
آنی هر کیمکه سورب دینی الیدی بیغا
علاوت فکیمکه کافک تیر دشمن
که اصلک اند آیرین عمر آفر اولجه نیا
آشک حق سولند کچه آیات و خبای
ولی نیدمکه کار اینمز یوا کندر کاه
بوطای کوزنی اوتب بکا دوش جانکوه کلک
که هر بر سوزک ایچنده دویان جوهر معنا
کلام مصطفی ذوقن و ما عله بود که کریم
معادل اولمنا اول ذوقه هزار من ایلک
حکمل دولت استرک اوقی آیات و خبای
که هر حرفک ایچنده واریازی بیکه دیکه

بیت

کل افقند کل آلی بلبل صبور اول غلام
قشیا کجوخند اولور کلشن کلور فصل ابار
فوقه بود که نیا ایشیا یارین

از دیو حجت الله

نذا آمد زادی آلی کشف نور شغال نیاهی
منادی دضاد کیم که باعوبه کانی سوا
سین حیدر کیم که کیم باعوبه کانی سوا
مکن تشکری و هم نیاهی کیم باعوبه کانی سوا
مکن امرو ز بزر که خورا جوادیم بیکه کاه
بیکه ذوالجلال خوشین باین کیم باعوبه کانی سوا
که دایم در روح یایی نیاهی

وله ایضا

با صلاح خدای ز من شغو بندری
برای مال خود تو دروغ سوگندی
که اهد و ولی حق بجز خود هرگز
خلاف امر خداوند سخن نگفتندی
شهر که حملش با غلام او بند
نزداده است ز مادر چو فرزند
شهرش شمس و دایم که از بر طمع
بوی حیفه فانی نظر نگفتندی
برو مجلس عالم و علم حاصل کن
مرو روی کین و ولی نرفتندی

میلین مجنخ ایند که احمد و حیدر
بجز جمال الهی دیگر ندیدندی
زجا و دل شغوارش در حقه الله را
بروز حیفه حذر کن بدوت پیوندی

رحمت الله در کت

نعت الفقیر حبیب کیم بود من
تا بشنوی تو صورت و معنی این سخن
درویش آن بود که کند کار کرد کار
از بهر حق بود نبود بهر خویش تن
درویش آن بود که باز دین نیستی
نه خلق و دلق جوید و نه کور و نه نقی
درویش آن بود که کند میل کرد کار
جو کار کرد کار نکند میل پایس حق
درویش آن بود که نباشد جوید بند
هر چه زحق رسد کند انبار هر بدن
درویش آن بود که جوید قبول بشود
هر دم نسیم یوخی کنگار زبیر من
درویش آن بود که جوید دایم دلا
دنیاوی و فاء فریبند مثل زن
درویش آن بود که بگوید حدیث حق
هر که جوید پسند نکوی ز ما و من
درویش آن بود که تواند دمان خوش
بر بندد و بکس نکش ید لب دهن
درویش آن بود که بداند که جای پاک
از حق کشد جدا بجای کند وطن
بشنو حدیث رحمت رحمت بکوش جان
درویش شو بعثی خداوند ذوالمان

حکیم خدام
ناگفته گناه در جهت کبت بگو
آنکس که گناه مکر و چون زینت بگو
من بکنم و تو بد مکافات کنی
پس فرق میان من و تو چیست بگو

خورشیدی اعتدال این دور

کند تا از خودی سهل شمار
که خمر منهای عالم دانه داشت
در دهم باره
زوال عقل خلط نقطه شغل بشمار
می تلخ گفته زادن خدایم انجا بشمار

یانی سلسله شکر لاله نامه
عوض آنکه سیرایم در مقام

بکاش میوه آنکه ترانجی بروم
اگر بهند بخاک کنی و گریه بتار
روایت او اینور که عفتک بویستی
دروغ او شنو آنچو دیو و فاند
صکوه بر هندی عفتک قبر بیجا
استخواندنی آتوب بخفته نقل ابرو
آنکه دفن ایلری

خدای که در کمال دوری موی

خان عبدالعزیز بی
کنونکه دامن صخره از لاله بر خفته
درون خانه نشسته ز عقل بیرون
جواب عید خان هم قندی
با بری روی اگر در خانه باشد کسی
میل بیرون کر کند دیوانه باشد کسی

نذار در وفا آسمان وزمین
چندان بوده و هست باشد چندان
ز دست ستم کس درین باغ نیست
که چون لاله بر سینه شین داغ نیست

طوفانی کعبه نک کبریه توانی بود قدری صلا
کو کله در فکر نیک او ای قلی طوفان اول
بدی کو کدن دخی اول کو کله ر با لاله ای غار
کو کله ایچنده بولایر روز سراسر او حاح

قال علی کرم الله وجهه یا رسول الله ای شئی اقل من السماء والارض و ای شئی اشد
من الجحور و ای شئی الطیب من الماء و ای شئی اذق من الصراط و ای شئی ابر من
الزمر یروی قال عم البهتان اقل من السماء والارض و قلب الکافر اشد من الجحور
و قلب المؤمن الطیب من الماء و قلب العالم اذق من الصراط و البخل ابر من

الزمر یروی صدق رسول الله

قال عم انامدینه الصدق و ابو بکر بابها = و انامدینه العدل و عمر بابها = و انامدینه الحیا
و عثمان بابها = و انامدینه العلم و علی بابها =

نعم

کس در نظر نیارد رخسار خوب مار
مایم درد و عالم سر چشمه الهی
ای پیچر معنی تا چند داری آخر
جامه ها نما ازین و آن چه جویی
کوی خدا نباشد در نشو و در غای
رندی و بی توانی بگرین که درد عالم
زیرا که کس نیارد اندر نظر خدا را
معلوم باشد این دم زندگیا بصفا
در خاکه فانی این جوهر بقا
از خوشتن طلب کن جامه ها نما
عین خدای میدار هم نشو و هم نما
کبر و معنی نباشد در ندان بی نورا
کبر بکذری نعی از خود بیخشم معنی
در هر شئی که باشد یعنی تو کبر یارا

ترم کردی و اسد الله العزیز

توان پیون آن لیکت کرد اندر میان افتد

برگشته زیارت وارد و غی زمان بود و چه بپایانیت ایده کرک انبیا کرک اولیا
 نیت ایلم که فلان نیتیک یا خود و لیکه فرا شریفین زیارت ایدوب یوزم قره سیه
 خاکپایانه یوز سوروب روحانیتلندن عنایت ایله صحت و نظر استمداد و بدم دیوتیه
 ایلیه فراه وارد قدہ السلام علیک یا نبی اللہ خود ولی اللہ دبیہ آندن صکره آغشی اوچند
 قبله قرشونما قبله هر کتعه بر فاخته و اوچ آیه الکرسی و اوچ هلاص شریفی اوچند
 صکره تسبیح او قیوب و توان فراه صحنه بخشلیه غیر نیت نه ایب حضرت حق
 دلیه دعاسی قبول اوله بامر اللہ تعالیٰ

روی عن عمر ابن عباس عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم انه قال فی الاذان عشر
 کلمات قالها فهو كاف باللہ العظیم الاول مدالانی الاولی من اللہ والثانی ان یقول
 اکبر بعد الباء والثالث ان یقول اشهد علیها والرابع ان یقول الی فی مقام
 والخامس ان یقول لا اله الا اللہ بلا تشدید والسادس ان یقول محمد عبد اللہ
 والابع ان یقول محمد عبد المیم والثامن ان یقول حی علی الصلوة بالغی الحاء
 والتاسع ان یقول کذا فی حی علی الفلاح والعشرون یقول لا اله الا اللہ بلا تشدید

از اعتقاد نام

حضرت علی به برنجه یهودی سؤال ایتدیکر که علم می افضلدر عالمی افضلدر اول سؤال
 ایدنه جواب ویردیکر که علم افضلدر آنکی چون کیم علم صحنی حقلار و مال هلاک ایدر
 و ثانیاً سؤال ایدنه جواب ویردیکر که علم افضلدر زیر که علم خرج اولد قجه زیاده اولور
 و مال خرج اولد قجه کسلور و ثالثاً جوابده بعیله دیدیکر که علم آفرته بیلکه کیدر و مال دنیاده
 قالور و سؤال رابعده جواب ویردیکر که علم میراث انبیادر و مال میراث فرعون
 و قاروند ریس بو جمیع و چه لری که حضرت امام المتقین و عالم البقیع بیومشدر
 پیس برنده بر نکته غلط و غیر واقع یوقدر

حضرت ابی یوسف در فاخته ارواحه ایو شوره و چه بپایانیت ایده کرک بر و چه بپایانیت
 اولد که ایتدیکر که مؤمنکر ارواحه ایو شول فاخته الکتا بدر که حور و علی و چه بپایانیت
 مسطور در که حضرت ابی یوسف اول مؤمنکر ارواحه و عد ایتدیکر که فاخته الکتا بدر
 جهل مرضه و ابولدر حضرت بنی امی بیومشدر و او کل مرض فاخته الکتا بدر و حضرت امیر
 المؤمنین دخی بیومشدر ریس مرض عیاضه الجمل صدق ولی اللہ و صدق رسول اللہ پس
 اول حینده که بر مؤمن روحیون فاخته الکتا بدر او فتنه حور و علی صورتین بغلیوب اول
 مؤمنکر روحه و اصل اولد که کلام صلات کلام ناطقک عینیدر و کلام
 از اعتقاد نامه حمزه بک استخراج شد



هذا ديوان اوصولی رحمه الله علیه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

آفرین اول پاک جان پاکدن	کیم بزی براندی مشت خاکدن
بر آفرین طیر اقدن انسان ایلدی	هم خلافت و بودی سلطان ایلدی
کند و کسر ارندن آگاه ایلدی	واصل و مقبول درگاه ایلدی
خاک ناپیزی توانا ایلدی	علم و بودی آفتی دانا ایلدی
آفتاب روحی تابان ایلدی	آدمک خاکنده پنهان ایلدی
قلدی اول سلطان پیداونهان	کند و نورندن زمین و آسمان
کسید اول اکاکمه بکفر	هر نه کیم قلب کسند لا دین
خدا شنیده نه فلک بردانه در	بوستانده ارم افسانه در
کلش حشمت جمالندن ورق	آتش دوزخ جلالتدن سبق
قطره دن لؤلؤی لالالور	نظم دن محبوب رعنا و قلوب
اون سکریک عالمی بنی برنج هم	شش جهت شش روزه قلدی هم
کاینانی یوغینکن وارا ایلدی	وارلغن بونله اظهار ایلدی
بر کتاب اولش در هر بر ورق	لیک کوز قانی کالاندن سبق

مذموم

هر نه کیم آشکارا و نهان
بی نشاندر کیم یوق آکانش
صورتی قو آج کوزک معنای بق
حقن ارتق یوقدر هر کوز وجود
ای موقد غیری اثبات ایلم
بودر بر بردن ارتق یوقدر
آنکی چون جمله مردان راه
ایکی کورن آراه احولد ر
کیم وجودک ظلمتی صندی وجود
ظل اسما در صورای بی خبر
اهل معنی صورت و برض وجود
بو اضافات و تعین ظلد ر
بولم عین الیقین غیب دن
صورتی قو ارببی اول ارببی
آتش عشقید یاق بغر و که داغ
پس مقرر اولدی حقدر وجود
وارلغن نه اید و ارنه ازل

وارلغن دن حکمی و بر رشت
لیک همزه آتی ایلر بیان
تاکه اشیای کوره سن عین حق
بونی بویله بولد یلر اهل شهود
شکر کدر زهار بونی سولم
وارب اول داجی عین حقدر
دیدیلر لاضدله لاندله
کند و کبی سوزی ده مهملدر
کند و جهلندن زنا بوده بود
کم مؤثر معنی در صورت اثر
یوقدر صورت زبر اعبین بود
لیک اهل حق معنی یکدر
قور لور کیمی شک و بیدن
کاب و کلهه قالمیه سن هر کبی
هی قره کونلو چراغ الغل چراغ
جان و دلک آکار در جمله سمود
اولدر پس لایزال و لم یزل

یوحنا بن زاوله از لدن وار ایدی
 حادث اولدن بوجو معوج زن
 عرش و فرش اولمادن قلم
 ذات بخت مطلقیدی اوله آله
 دیدی کیم یازه خط مختلف
 اولک شه حاسندن ایتدی تاج سر
 میم امدن کورنری کائینات
 مصحفی حسنی یازلدی باب باب
 چون قلم ناسنی املا ایلدی
 ایکی شقی اولدی قلم بی جا
 پس ظهور ایتدی مظاهر مریه
 سیر قلدی نقطه خط وجود
 کرمجه دور ایتدی خطوطک بینات
 آدمیش شاهد و مشهود اولان
 آدمیش حامل ستر خدا
 آدمه بونجه کرم بونجه عطا
 اول امام پاک و مادی سبل

پیشوای

پیشوای انبیاء و مرسلین
 چون ولایت تختنه بصیدی قدم
 یعنی کیم بنم صلاتم جمعه در
 نوزم حق بکار میر در
 یعنی بنون مظهر آیات ذات
 ذات انشا کومری عبیدر
 در انجا معارف در سوزک
 کومری سکه صقین قلم بدل
 شاه من بوخت تا وادرسکا
 امرک اولدوقده ایدر کرسختی
 کرمجه مقدر عالمی وار ایلین
 اوله آدم کور غمزدی صور
 وار در رهم شیده بریز لو هنر
 کل تماشا قل مشک نقدیرنی
 قنده کیدر چکلوب بوختم قطا
 نیره اولور بوسیر و بولوک
 معنیده هر ذره انجم در دمان

مقتدای اولین و آخرین
 دیدی کیم ادعوا الی اللہ ای ام
 دعوتم فرقه دکلدر جمعه در
 اقم بنم الهی لر در
 اقتدر جامع جمیع صفات
 منحه دیباجه لار بیدر
 بوطلمک کیم لو کنجیدر اوزک
 آدمیک فطره ویرمه سطل
 بادفرش ابرقادر سکا
 بربردن تا او کرده خدمتی
 آدمی معنیده اظهار ایلین
 هم بنمزدی بو اسما دن خبر
 اکا آینه دوشرا اهل نظر
 کور بو تقدیرک کوزل تبریزی
 قنقی اقلیمک قمشیدر بو بار
 هیچ وار ایلدیمی سن ای انک لوک
 وحدت اسرارینی ایلر لر بیان

تکیه ای که از این ایل
 دهه ۱۰۰۰ کیم کیم
 کیم کیم کیم کیم

هر تعین شرکی نفی ایلش
 و قنیدر که کشتی اوله نور بصر
 آتش عشق اوره کو کلده نفس
 هر شجود انشیده مویشی جان
 اینیادان اولکه اولدی اهل ستر
 خاکها بیدر بو خاکلی خالان
 ایزی نوزی ایکی عالم مایه سی
 کلدی برشب دیدی جبرئیل امین
 چو صف و ش بودی کوشی ایلدی
 اولدی خانه ام پانیدن روان
 جلکدیلر آکا برقی برق وار
 شویم سوردی اتنی اول شادین
 سبزه زارین قلدی افلاک کدر
 لذت ایلدی بو باغ وراغدن
 کند و کریمه سیراید افلاکده
 دیدی جبرئیل اولیوبن پایه کیم
 کندی تنها کند و چون آفتاب

این شعر
 در
 کتب
 قدسیه
 موجود
 است

لا اله الا هو الله سوبلش
 ایده سن بنه حوادندن گذر
 کورونه وادی ایمنده قبس
 نغزه اتی انا الله بیان
 رب جعل لی ان الصدق
 یوزی صوبینه بر اولدی جهن
 نه فلک معراجنک بر پایه سی
 دعوت ایلر سنی رب العالمین
 جانی دریا لکبی جوش ایلدی
 بار کا قریه عزم ایلدی بهمان
 اوستنه اولدی حوار اول شهسوار
 شاهماز قدس او قودی آفرین
 قلدی غنبله بر روشن نظر
 سرمه چکدی کوزینه مازاغدن
 جسمی خلوت خانه لولا کده
 لودنوت لا غفرقت وای امیر
 شویم کیم قلدی ذره جه حجاب

قودی

قودی هب استاری بی کبر و ریا
 چونکه کوردی بارینک دیدارینی
 میم احمد حوادلی اول زمان
 میم احمد چونکه کندی آرادن
 آه کیم قلدی بنی بو حال لال
 بو آرا ده کیم سخن کوتا هدر
 عجزین اظهار ایلوب اهل بیان
 هر کدا حدی دکلدربو حضور
 بولدیلر بونده اولوبن کنگه لال
 عاقبت کندویه کلدی مصطفی
 اولدی هر بر ذره سی بر آفتاب
 تحت اقدار که ایلر بر نظر
 آیدر چون ترک سیرین اول روح
 دیدی یارت هر نه کیم وارز و حوق
 حق تعالی دیدی بین عالم همین
 بونه دو لندر آیت شام کیم
 لامکا بوستان جای کدر سنک

قلدی الا ردای کبریا
 هیبت محفلت پتدی وارینی
 پس احد قلدی اول اورتاده
 واصل اولدی رولی بی ماومن
 خالدربو بکا صغیر قیل وقال
 قسمم بزم بهمان بر آه در
 بو آرا ده دیدیلر کل الک
 کوه قانی کوتره مزنگ مور
 عقل کل و نفس کل کل کل کلال
 کوزی کو کلی طبطلوص و صفا
 حضرت عزت ابرشدی خطاب
 کوز کورینور می طلاقدن اثر
 اینی الله کوردی شت خاک
 بر آویج طلاقدن ارتق سنه یوق
 راهک اوزره بر آویج خاک ای مهین
 بونه رفعتدر آیت سوروان
 جمله عالم خاک پای کدر سنک

منظر تکرده ای نور مبین چون تمام آتشی اوشه معراجی خلعت آتشی آکنه لولا کردن کلیدی رب العالمین اول رسول شرعی اولدی بنده سر جمل النین ای رسول حق و محمد انبیا حق بولنده کردا گوش هدر بن قراطی ای نور خدا وارخته درگاه حق بن فقیر آنکه اولادکم اصحابیکم بیک دعا و بیک لام و بیک شفا	نور پاکد کس عالم ما و طایف باشنه آوردی لعلک تابعتی اندی یوه کوسخی افلاکدن آیت رحمت کبی قلیدی نزول اولدی آنکچون رحمت للعالمین ای سراج آت و غیر النوری جمله کسی سندن شعاعت خواهد اومرم کیم ایدرسن غرق ضیا سندن آرتق مندم بوقای ای جمله ازواجکم احبابکم بن کدادن اولسون آنلردن یکا
--	---

یا الهی العالمین دلخسته یم بنده نمکینی شاد ایلکل نور احمد فرشتی ای احد آیریحی بوتنوی جاندن	بوقیود نفیله یابسته یم قید نفایندن آزاد ایلکل حبس ظلماینده قومه تا ابد جانغی آیرمغل ایماندن
---	--

بوتنیا

چونکه بو خاکی تنم خاک ایدرسن چون نری خاک ایلکن ایلک چونکه احسانکی کوردک بوقدر یولدی آوردی بنم نفس لئیم برغریم ره کزده قالمیشم غیوب غفلتدن بنی بیدار قل دری بقاکی ایت بنی بندک فنا آیچ دینلر زحمتکله ای غفور ظالم و می کنندله پاک قیل یا الهی ایلکل برفتح باب گند و زین زین قیلان چاقیل بو عناصردن وجودم ایلک پاک خاکه سور یوزک هوای سوزشک یولم اوزره قومه یارب پیچ پیچ	اومرم کیم شرکدن پاک ایدرسن بی نهایت برده همان ایلک ایلم آفرینا بیدن بتر بو بلاد بنی قورنار ای کریم عایم خوف و خطر ده قالمیشم رحمتک باغنده بر خوار دار قل ربنا فاغفر لنا وارحم لنا تا اولم بزدنی عبد اشکور باطنوی نیک نور پاک قیل کتب اور تاده بو تیش بیک حجاب کجه نیک زلف سیاهین چاک قیل ییل و ارسون قلم بر زده خاک قوی او جاغنه صواب آتشک تا که سندن غیری کور غیه پیچ
---	---

کل ای حق عشقنی دعوی قلند	همین دعوی بی معنی قلند
--------------------------	------------------------

دکله عاشق کار مجازی اولور می عاشق کند و رضا می بو یوله اولور مقصوده ایر اگرچه بود در عشق زبانی اشندم رازی فاش ایلمن سن اشیدلری ابراقن سوز سارک نذر من عاشق اولاقیل و قال فلکهار المن عشقک شان اولور جان ایچره عشقک سوزو صدف کر آغزنی یو تماسه مهربار اولور عاشق کرم غری کدالغ قنی شول عهد و قنی بونجه پیمان بو بزمه لاف و لوفیل وارلمز دیجه اوصلو ایک رازی مته نیچون مهربانلر سن یار اوک سن ایدن هر کوزکی شخصه نیازی کلنر نوز حقه قوشو و جهده	که صغیر عشق ایچنده لهو و بازی رضای یار اولور عشق اقتضای صقین بشتی مبدان کیمز ولی وار دور لودو رلو امتحانی اونه که غیره یولداش ایلمن سن بمحمد الله مله دو یلدی رازک نه یتمز در دمنده کندو حالی ملکدر دو یمن عشقک بیان عوام ایچره اکلر عشق رازی اولور می یوتدوغی لولوشه وار یر کشم عشق ایچنده خود خالق هی ایمان سربلا غیدر اول ایمان دیشدر سو یور لوستو و برلمز یقین اولم صقین شهنشیر کسته یر شمر پاک ایکن م دار اوک سن قبول اولدی دنیا دی نمازی ایدر می دکم بر محرابه سجده
---	---

صقین

صقین نادان و جاهل دن اوزکی رانه اولمز آهوی تنارے کمال دولته آقاده سن سن نقوش سنخه لاریب سن سن سنی نر عشق و صادق صانردق سنی جان در دینه م هم صانردق طش صاف ایچی قلا بختی سن	اگاسلیم قلم کندوز کی هم اولور می مریز انک شکاری آنک آدم خلیفه زاده سن سن بلورک کومری بی عیب سن سن نه بلدک نر سنی آدم صانردق سکامر دور لورازی اینا نردق یوری ای مدعی کذاب ایمن سن
هوی نغمه اوین عشق اولمز ار اول کیم اوک سن ییز مله یولداش کوکل سن بند عشقه پای بند اول صقین سن یار اول غبار اولم اریک پاک دامن پاکناز اول بیزه بوضو رنگ جانی کور کدر	بو یوله اگری وار ان منزل المز ارنلر اولمز عورتله یولداش همیشه در دمنده اول شمنده اول اولور اولمز کشیمه یار اولم همیشه سو دکی سو فر از اول بیزه لذات روحانی کور کدر
الا ای کندوی عاشق صندلر	اوصولی دار دنیا دن کدر قیل همان الجغه قوغه حذر قیل سراب خشکی صوصانوب قنلر

بو عشق ایشی قتی مشکل بلاد
 صفین من عشقی ایشی باز یحیتم
 اگر عشقی عالمین ملک تماشا
 بو عشق اسواری من لاف صتم
 بودر یاده نه دگر غرق اولدر
 شول عشقی کیم کوزه در اوز هوا
 قتی اهر دلر انا اوز نه
 نیاز ایل ای که ترک ایل نازی
 غاره دو عشق ایه عشق مستی
 فراقه دو میلان یارین اونودر
 بو صورت عالمین ترک اتمدک سن
 کیدر بو آرزوی جان و دل دن
 و مادم غشقه و در دیکش اول
 کیم او غلام غلط ایدر سلوی تود
 مراوه کرجه ایرمه تیز یکدر
 غدا کسی عاشقک در دو المدر
 مصاب اهر یک در ده یار اول

کوزل

کوزک یاشندک آرتق اهدم اتم
 بودر دک صلی غمخواره لغدر
 بو صورت عالمی باقی دکدر
 کوروب ایلین سن آدم صانرسن
 قوبو صورته اول قیل و قالی
 کوکل چو صاف اول کیده کدورت
 هوادن جان اوینی ایل خالی
 او یوب معنی به صورندن بچرک
 نه یرده اهر یک حاضر مین
 بولینور مرنه یرده اهر یک عشق
 بزوی سن استه بول فرقت دمنده
 قرار اتمز بو قوش دکه یواده
 او صولی و از کل سن بویاندن
 بو بچرک حدی و پایانی یوقدر

اگر م اهر یک عشق او ندن طشوه چوقه اتحاد درک کوکل شهرینه
 کیم با نایقه که زیر عاشقی عاشق کونیک شهره و عشوقی معشوقی

خلعت علی مغرور ایدن عقد **۵** بودیاده پنجم شهر و شهرستان اوله که سنگ
وجود که ان عجایب اوله **۵** و بو عالمده پنجم باغ و بوستان اوله که سنگ رو شکله
غریب اوله **۵** سلطنت پنجه پاوش اوله که سنگ رو شکله عزیز اوله **۵** و شکله
پنجه و زیو اوله که عقل که کامل و اهل غیر اوله **۵** و پنجه زیرک اوله که سنگ فکری
آنی عجیب **۵** و پنجه محبوب اوله که نفس ناطقه تک حسنی آکا کوز تک خلعت ان عجیب
و کوز زیرک کبی پنجه شب چراغ اوله که او تور دوغی بردن فکله قبه سن روشن
ایلیه **۵** و پنجه قیملو کور اوله که قلاغ کبی مکلر عبادت خانه سن کلن ایلیه
۵ زبانه کبی بر بلبل می اولور که چاباغی مزین ایلیه **۵** و ده تک شلی کبی
برغنی و ار که جهان اسرارین مبدل ایلیه **۵** ذاتک بر دیادر که جواهر له مال
مال **۵** و صفاتک بر خوار که شقایق حفا بقیل برغنی و دلال اویش **۵**

مناجات

سمیع دعوت و تواب بنان
قیامی ہم بوجہ تری ستونک
طقوز آبا ئیل دورت امہاتے
ادرس نظف دن محبوب رعنا
نظر قاصر سنک عبرت لکدن
خلاص ایلہ زبانخی زیادن

خدا یا قادر و تائب بن سن
که سمنذر بقای کافی و نوک
برادر سن جمادی و نبای
قلوس قطر دلاؤلو لا
بصر عاج بنک حکمت کرد
بنی لطف امل قور تران و آند

الهی بن قولک فتح باب ایت
 شیع ایل حبیب مصطفائی
 جو خانگی جسمی جانن آیمه
 کج ای دل نقد شوک لذت زن
 که لذت دولتی دیناریدر نار
 بو او ده دائم اولموشی حرم
 ملی بر لطفه نیک تهری وارد
 شو فانی نعمتک اولم زبونی
 آله اول کل اولم هوا دار
 جهانک حالی خود جمله خیلدر
 پنجه سوری سون چیقردی
 جهانک حاصلی غنواره لقدر
 دیکر بو کس غدن رطایی
 دل و جانکی قیل عشقلم حرم
 و عاشق بن فقرک مستجاب ایت
 خدا بین الکل بو خود نمائی
 که یعنی نور ایمانن آیمه
 فراغت قیل بو دنیا دولتدن
 اولدر نوشی نیشی مالی هم مار
 که حالی که دو کندر کاه مام
 که ترباتی ایچنده زهری وارد
 که آلوده اولور زهریله عونی
 کیم آنک دوش اولد دامن خاک
 بوزالک غدر و دستانی مثلدر
 پنجه سوری سون چیقردی
 همانا چاره سی بیچاره لقدر
 کو کلن عاق اول ترک ایت بولای
 بو درین بلدوغم واللہ اعلم

قوله سيرت محمد روم و شامی
یکم شهر در وادار الدیزه

بکنند لیک بر عالی مقامی
که مثل زین خطا ده وار نه حسنه

ایچ طوسیا پیلو اولولار نظر تاش خدا اهنه آنک ایچنده عالم وکاملری چوق درون زین اولش عو بلبل ویروب عاشقده حالت کوزلر کرک عارف کرکه اهل صفت کیی عشوق وکیی عاشق اولش قولک دخی سوب بر پاشامی بهاری سنفه دیوانه اولدم آنک عشقی غمیل خوش دم وار مدام عشقی شراب نوش ایدرم کیوبن آرقیه بر کهنه شال یورک یخندک اوز که محرم یوق نه کوکلم آکلایا جک بولد اشم وار یورکن ناکهان غوغایه دوشدم دو کندی قلدی سیر و قوارم یوز اوروب یره دایم اغلقدن	قوبک زاده لری یوزی صولولار توسیی فیلسوفید زهنگ قوا اهل منبر بر جا اهل یوق پری پیکر کوزل محبوب بلبل دینلر شعر او قینور تو غزلر قوصعتلری عشق و محبت کیی عذر اکیمسی و امق اولش ایدردم در دیله دون و کون آهی جمالی شمعنه پروانه اولدم بجد آلدک عجایب عالم وار درون غم فروشی و جوش ایدرم یورردم شهر ایچنده لا و باج کوزم یخندک آرتق همدم یوق نه عالم سولیبیکه حالداشم وار عجب در دو عجب سودایه دوشدم بکلی کندی الدن اختیام صورتی آقوبن چقلقدن
--	--

دولر

ایکار یاشمک عثانه دوندی یولنده صبح کی صادق اولدم سحر کونده قلوردم غازی فلک فرقنه دکلو راه ایدرم که بنمایه فلک لوطا قی ناکاه الوردم لطف و مهر نیک کوزیم قوا کو اولوردی عالم کوز آبرو زیدیم ایزی توز نیک خیالی خیالی ایله اکلنوردم بقوب عالم طکلودی خلافت همما اوز کندور درمله قلوردم ادر دم قوا کوروی زهنگانی قیلوردم در دو غم کو کل شاد	کوزمک چشم ساری قانه دوندی اومره جان و دلک عاشق اولدم کیک عرض ایدوب دلک نیازی تجنا اول مایه کوروب آه ایدرم دمادم قور قورم ایتمک آه ایدجک جانم ناکاه تجلی کوز آجوب کورسم اول مایه بر یوزم دوندی ایدم کون بوز نیک یولنده بلکیم دکلفوردم یورردم کامت و کامت کیک بو خلدن غلت قلوردم بو یانوب کو کلره آهم دغانی ایدردم صبحه دکلو آه و فریاد
---	---

قوا کیمشدی دو غمشدی ماتم
کداوشن آننه آلدی بلا
قوا یازیلو فرقت نامه

مکر بر کیم کیم بوزال عالم
چقرو بینه آلتونر لبا
اقوردم خلقه خست نامه

بعضی خلافتی تعجب ایدرم

بزرگ عالم بومش کلماتی
 که بطلاب پر شک کندوزنک
 بنجومک مهره نخی و زدی جالاک
 توروب بر چادر کلمی شتابان
 او یونی مهره مهرک دولش
 دل و جان کیفیتی قلوب زار
 عاشا ایدرک بونقش ورنکی
 بوجا آینه سن ترک غم المی
 قره بچم اکوب فریاد قلدیم
 اکوب بوقلب خاکید مکایت
 شب غده بکون مختلردن
 که اغلدم براد قندو پاشمدن
 که جسم تاب و بخیلی آب دودی
 مصور اولدی ناکا صورت یار
 خیالم طبطلو کوزده قویقده
 جمال جانی قلدر تجلی
 جمال آیتی بدر الدجا نیل

دو کلش غالباً پر شک دوانی
 شهاب آیدر آقدردی کوزدنک
 صاناس حقه باز ایدی بواضاک
 او یونکو سردی لعبت باز دور
 قتی جوقا اوینش صکره اوغش
 اوینلار اویندی بوچرخ غدار
 که کاغ کورینور برکاه زنگی
 کوکل حیرتد اکا باقه قلش
 قره کوکوندر و می یاد قلدیم
 که شکر ایدیم که شکایت
 تب فروقده کی در دسردن
 که یاندم با قلدیم انشمدن
 ینه بچم کوزنی خواب دودی
 دیدی بچمک کوز اوچو دوا
 نیچون تورسن دل و جانی قویقده
 نیچون آینه سن آندن
 خیالم مهرنی شمس الضحی بیل

دولت

دوشمده چونکه اول دلدار ایدم
 که شو قدن دل و جان اوده یاندی

همانا دولت بیداره ایدم
 چراغ محبت خواب آلود یاندی

صبح اولدی جوهر اولدی هویر
 بو نطعه مهره لر دوز مشکون اختر
 دوزرک بویله بیک مهره یازدی
 اوینجیدی نطعک ماه محضار
 کورندی آفتاب عالم آرا
 چو کوردی کیم بزدی بزم روی
 اولیدر کیمیا کرمهر کردون
 ینه کل کبی آخلدی زمانه
 جهانک بوزنی کلدی کلش اولدی
 بنم اول کیم بکیم برچ قدردن
 طلوع ایددی کوکله مهر روشن
 کوکل جیغاش دلق مهرنی کوردی
 اولوب هر ذره سی بر مهر رخسار
 بنگاه کلدی بر یار سخندان

ینه انوار حق قلدی تجلا
 طغندی ایندی بو طاش شش در
 ایده بر مهره کور بو حقه بازی
 قمر قلدی آتی بو طاش کثر باز
 بو بزم ایچره اولوب پیمانه بیجا
 کتوردی زهره اور تاده قیوزی
 که خاکی بر نظر دن ایدی آلتون
 عجوز دهر دودی نوجوانه
 فرخ بولدی کوکل روشن اولدی
 بوجانم جسم صغری فرودن
 خلاص ایددی بنی غم ظلمتدن
 وجودی ذره ذره چرخ اوردی
 ایدردی عالم علویه سیران
 کوروب بوجان قوی قالدی سیران

بیت
 کوردم قیصا اوغوش ناز باره قوشه
 بر جیغون کیم اول بکله زور قوشه

دیدنی بکام ای سلطان عالم
حقایق نورانی کوردم بوزکرده
سورسک نطع معیند انکرت
اکرافانه افوسک افوسک
چووزده طوب هم چوکان سنگدر
نمودن آب طبعک چونکه اوکدر
یکیم شهرنیک دلبر لورسنه
اوکوب اهلایینی بکلرینی
اگر مدح ایده بیلرک کوزلدر
بکون برطوطی شیرین سخن سن
چوبلیل سن سوزک اوازه لندر
چوشهر در بولا که مدح ایلد
که مرزاده کایشیدن قول اولسون
اوکوب مدح ایلد هر سرور وانی
جهانده او قوافسون وفانه
بلندایا تلم بر خوش کتابت
سوزی مرغوب لطفی خوب او

معانی ملکیدر کامسلم
دقایق کومرمن سر دم سوزکرده
ایدر سن بنیچه فوزانه مات
بنیچه لیلیدلر اولور آنده مجنون
اورا کورکیم بکون میدان سنگدر
کیر اور تپانه که میدان بوکوکدر
سر بر حسینه سرور لورسنه
فوز لکده نمودن بکلرینی
قتی بر بنیچه در غایت محلد
که بوکومر لک مرانی سن سن
در وانی اهل دردی تازه لندر
بوکولر وصفی شوقیکه سولم
دل و جانندن بلالو بلبل اولسون
که شهر خضک اقا صوکی جاننی
بولارده آراوه اولسون بهانه
بوشهر انکیره کل بر فتح بابت
بوده باشینه بر محبوب اولسون

ملفوظ

محقق نسخ ایدوب ریحانی زاری
الفعلر ایلوندر عرض قاحت
چکونورالری آیدر اولسون
کرک کیم سینه لر عرض ایدر سنگدر
بنه بر بت مثال ایت دیر دله
کتور بوکومر سوز صور تنده
دیدم اول یاره کیم ای یار جاننی
سوزن صیباغه اولدی بحالم
وجودده قره طراق مثالی
اوله بیلر می بر کیم قطره غواص
کوکل اولقی کرک وسعته دریا
کومر می اولور بر آرزو آب کله
ولی بود جها ایچنده مشهور
که سوز کومر در اولر صبیق آنی
دیشلر نسخ لاریب در سوز
دل و جانندن چون انکرت کما ابرام
ولی قدم بود در صواب کماله

نور سوزون دلری خط غباری
بنه بو عرصده قوبسون قیامت
اوزا السودال ولامی مولر اولسون
دطانی مالرک اولسون سخن در
که مثلی اولیه چایده و چکله
دکه جان قیمتیله بیلن قنده
بومر ده جسمک روح روانی
ولی اول دکلو یوقدر قاله حالم
ایقده بیل می آب زلاسه
که سوز مجرنده آلا کومر خاص
که کومر کبی سوزلر قلم پیدا
هنرمی بولنور بن تنک دله
دیشلر در که الما مور سعز
نفس صیم که وار آنکده جاننی
بنورمه کومر جاننی عبیدر سوز
کرکدر کیم اولام بدن امر وکرام
عیوبی ستر ایدر بی اهل حاله

خط واقع اولور بوزن الحق	قلموشی بصیرت فنه پارمق
جهان اچره بیلور هر کشی آنی	حقیر اولور فقیرک آرمغانی

الهی بنی نور ترغل ذللدن	سوزمک کو هرین مصفا حلدن
طریق اوزره یارب قویور فنه	بوسوزکیم سولیم یازوغه یزیمه
دلومی نقش ورنکه قلم مفتون	بو بازار اچره جانی اتمه مغبون
قربان اولوقلمه خامه کبی	قور و سودایه صالمه نامه کبی
بو خاکلی جسمی نور کلمه پاک ایت	مکان جان اوجو لامکان ایت
طریقدن کیدر غول زجیمی	میت قلم صراط مستقیم
شاه شرمه شاه مصطفی	ایریمه انبیا اولیاد

کل امید ای سخن پرداز عالم	دعای کشفی قل برار مبهتم
روانه قل بنه برجام بر نور	دو کفایه می ایتیمه محور
کونور شول کلارین کلزار جانک	کالی ایر شمیمه باد صراک
دمیدر پرده دن ینه صد اقل	بکون عشاقی زاری بی نواقل
سوزوکی سوزناک جانلدار ایت	بوزیم اچره ینه بوز و ساز ایت
کایشیدک کشینک جاننی یقون	کو کلر ملکنه آتشی بر قون

نور

کونور صبح اندک کیدر کوره لم	یولنه ممکن ایل جان ویره لم
-----------------------------	----------------------------

سر آمد بری تری مصطفادر	جمالی مطلع صبح صفادر
کو کلر کعبه سیدر خاک رای	اشکی اهل دل لر سجده کای
کل ای سیرانیم نور خدای	تماشا ایل یاری مصطفای
اکا نور خدای برسم محلد	که غایتده کوزلدر بے بدلدر
کوزمه نور و نوره جانم اولدر	سورم دینم و ایمانم اولدر
برآینده آنک کویازی در لر	یوزن کورمه مسلم اولور آرد
بودر طغری می کیم اول سروفت	قیامت قدر قیامت قدر قیامت
دیکور رحیمی یوق بر پاشادر	ایشی بن قولنه جور و جفا در
یکبار بنه خلک قاف تا قاف	یا بکابر و یوا آکا انصاف

نه خدم کالم اول شاه جهانی
خدایا من کونور انصافم آنی

بری قول شاه عالم مصطفی در	یوزی آینه شمس کشفی در
یوزی موه حق نور خدادر	جمالی قبله اهل صفادر
ایشکنده اولور هر فتح بابم	بنم شاه بنم عالی بنام
دوشری بو خیلون بر عیار	که قول اوله بیکه شمشیر یاره

سپاهی زاده و یک زاده بوی	حسین آدمی حسن خلق و ضمیمی
اگر در دو بلا و کرمی در	حسین شاه در جمله حسن
سخت نازیکه اندک جولا	بزیاد اولو یولنده ویر جان

اشهدم باره لواوش او یاری	اوپاره خسته جانده اوله باری
--------------------------	-----------------------------

شو بکلر کم سپاهی زاده لرد	جان و دل آغچه آماده لرد
بری ما و برسی مهر افور	ایکیمی بوی برینه برادر
برسی حفر و برسی سلیمان	اولو ملوسمی بولا کس آنجیوان
بو کون بو موردن کیم ذره نیم	سلیمانی نیجه مدح ایلم بون
یولنده یل کیم یلیم نیجه بیل	اولیمانم اینی نوزینه واصل
اوز لول کل تاننده دکنده	ابراخ اولو کون قنندک امر خیلر
دکز او چشمی ک آقن یاش	غیم یوق حفر اولورسه بکا یولدا

فلویدر بچو جیرن بو جانم	یشن حفر اول غم روح روانم
-------------------------	--------------------------

بری و بوده زاده مصطفادر	کوکل ملکنده بکدر پادشاهدر
جهان دلبز لرنک یکرکی در	کوز لدر اچوه بر بکلر بکدر

افندی

افندی تچمخل شیدا لردن	مپورمه یوزکی پاش لردن
در یخانیم طفلدر دخی اولشاه	دکدر قولدری حالندن آگاه

سپاهیدر بوی بری بد لدر	دل آلق حاصلی آکا محمدر
مبارک نامن ابراهیم در لدر	یوزین کور مسلمان اولور ازر
اکرچه واره اول صورت پاک	ایده بیک پرده کعبه جبهه سن جا
ایشیک کعبه نی چونکه بولدک	سوشاد اول کوکل کیم اود اولد

بری در آنک ک فیروزه زاده	کونی فیروز اوله عمری زیاده
ایشیکند غمی مهانیم بون	خلیلک قولیم قربانیم بون
اگر بیک طاش ابره باشم سندن	ایشیکک کعبه سندن دو غم بون

یقوب عاتق لک جاننده ناری	خلیل ایدنه هر غمودی باری
--------------------------	--------------------------

بری زر کرمی اول حسن کبخی	مهیل مهر اول کبخی دیلخی
اینیه یوز سورلدن مهر کوردن	سعاد بولدی اولدی ایشی التون
ایشیکیدر یوجانه باب دولت	آیاغی نوزی اکسیر سعادت
دل عشتاقی یققی عاد تیدر	جهانه آتش اورتق صنعتیدر

اصولی که به کیم یازدی یا کلدی
نه قدری وارجهان ایچره کدنگ
عرض بوش لره بزود دعا در
بولار در بوبانگ آب روی
جهان کلزاری ایچره غنجه لور
جمالی مصطفی حق الهی
پریش نلق قومه سنبقرینه
کوزی بلبلرک کر یا اوسون
چو غلر غنجه عشا تک نیازی

روزگار
ای کوکل اولوق دوشک پادشاهی
کیم هلاکیش کلای قبا ایشی فنا
جانه نوشی نیشدر بالی بلایاز هر زهر
ایچو دی زهر و مار و شکره ای عشق نکاح
صفای بونیکو بجو ایچره اولوق بونیک
دار و دیوارینه دایمه دکدر بایدار

بوبرقچ پادشاهی مدح قلدی
کیم آدین اکلایله پادشانگ
ایراقده عشقیله بوبرم جبار در
بولار در بوبانگ یوزی صوی
دل دیوانه اکلنجی لور
کوکلرده صفاحقی الهی
ایرشد رمه یاوزیل کولترینه
اولارک کلشنی خندان اولسون
بولارک ارته دورسون عوزناری

کل کلدی روزگار اول کل کلدی روزگار
دولتی لیتیم عفا ایشی غنای روزگار
اکلدی کلکی دادر دوا ی روزگار
وارمه یا نغی دادر بواز دمای روزگار
دورمه یو دار خلقی بوم دم بای روزگار
دیوار آب اوزره اورشدربنای روزگار

قله

قلی زایلدر بقای وارصانم ای کوکل
عمر فرغانی داسی هلا لیل بچوب
مخ زیکلکده فاغ بال اوتومسکی صفای
بروکل بوبرکده ویرمزد رخت عمرکه
ای نیم رستمی کوره قیوب عالمده
دور لوم اخیل آفردم خایه اولدر
جور ایله قلمونه ال اوزمقدر همان
صوت احوالی کراهل بپر شکسکا
مهر خود دلال اولوب سویلر باخالله
کر بوشاک کبکولعل ایدره بک عقده
عمر باقی دیلک یوغ ایلم ای دل واری
صیق قمر لیم آت دلی صاف ایدنه
فقو میدانده حق بولم قباد واری
اولمیان آینه وشی زنک حسد دسینه صفا
بر اولو کدابه دوشمشین کناری یاد قیل
بیز مقصودی دخی برکزنش کورده
لوح دله آیماک حرف حکمدن سبعا

کو بقالک ایرشد رختی روزگار
کندومزی اوکودربو ایشای روزگار
طلو در دام قضایله فضای روزگار
لیک دوینجه اورسنگ جغای روزگار
ایلدی دشان بوزالی بیوفای روزگار
خی ایشل لغمان اوکودربو لغمهای روزگار
عیدش دیده بزمه مریبای روزگار
کوتر آینه لیتی غای روزگار
کیم بیلک برقلش احمدر بهای روزگار
اولیما دکی کوکل شکل کشی روزگار
بولغور حوینکیم فنا شده بقای روزگار
یکدر اطلال ای صوفی عبای روزگار
بونجه شوکتله شه زینت قبای روزگار
مروه حق صوفیا بولر صفای روزگار
ای قتلان کشتی جانان آغهای روزگار
قامشک یا قلدی ای بیر دوشای روزگار
کرافق قدری دال ایتدک برای روزگار

طلب

کشته زار و مرده بر جبهه حاصل قتل
 بی نشانی آید تنوعی تیغ محنت آه کیم
 کجی نمونده هلاک اولدی اسود درو
 از مدی کلز اسود و قدی قلدی
 کیده بو خود بین حکم اخذ بدین اوله
 پر لره موردیم بوزم هر مو افتدیم بنامی
 تحت دریا بکا دولت بوزیم کو ستر مین
 باق غیبی دیدی ناگاه کوش جانم کم
 مطلع صبح سعادتم طلع اشدر
 یعنی بفر دار غیب آکند زانی کاتک
 ذابدر انوار غیبی ببول روشن دلیل
 یوزنی کو ستر کورم دین کشته روی
 ای که مرده دلره شوق کلامک روغن
 عطر لطفک معطر درشام جاودل
 پایدار عدلک تنویدله بو طایب سون
 بولدی عدلک بنای جانم غنم عدلک
 عقد اشکالده قلور دی طبع خاص

فکر

فکر که خواصی بود والدی حقایق بحرینه
 ان که جو دجهها سلکته قلدقه نزول
 بر نور و شایری ایام ایکه عدلکده
 هر طرف فاق بود که ایلر تو جه خالی عام
 استانکده بولور خاک کو طکر فیض جود
 هر نفس باور نظر و مقبله یاری دیو
 رحمت آناری اربوب باغ جهان نته کیم
 در که هر کس کل امیددی لطفک قیوس
 کلش عمر کو حق باد فدا و مقفلو

هر ملاک اولدی درمی بهای روزگار
 وسعت کلی بولور بو تنگنای روزگار
 اهلته دار السور اولدی ساری روزگار
 کاینکه کله قبله حاجت روی روزگار
 بر بوزنی پرورش ایلمک های روزگار
 آینه کله طراغنه بود ردعای روزگار
 نوبهار یله اولار بیت بهای روزگار
 آینه بچو بهار دلکش ای روزگار
 هر بهار آردجه ابرو کیم شای روزگار

کون بکون عیب
 غیب عیب کون عطا قلدی خدای روزگار

صبحدم شرق دیار ندن چکوت کشی
 زنگبار کله سن فتح آیددی التوت
 تاج رزین او رنوب کجی زمره غنمه
 ما بولور سر بچلو مرکوزل محبوبدر
 شمع دلیندی صردی کیدی آتقور قبا
 تخمه زیند تلر حقیقار دور میوب

غارت آیددی واری شام کیم کشی
 ان کور بولر بیجا قلدی سراسر کشی
 حکم قلدی شرق و غربی بچو کیم کشی
 منکلو صولوغره لردا دافتر بچو کشی
 کوسره تا کیم چها خلقنه زیت و کشی
 سیم کشدر چار سوی چرخد بمر کشی

شیخ ابو خدیج زانغ شہی اور کتک
بکری صا ر ض شہی دتو رعصایہ دانو
ایلی زریں دو آنور د قلش فلم
ای نورک نور الہی نورک انور کنش

بر عجب شهباز در کم آبدی ازین پر کنش
دور درین پیچش املش در ریز کنش
چرخک اورا قه صابو مطلعی باز کنش
طلعتک نوزی قند و ذره در کم کنش

پیرمندی کورینور اول طلعتک غلغلاب
کوریلر بوزکده اعلاک سلیل دیلیلر
مصطفی کده حنک بوزکوزون طبعله
داغلوکم سینه شوکلده اوردم ای بری
دیرم ای مقلده بولرکم بو قدر حنک
دیری بوز سوردم ایغی نوزینه بر سوردم
چوخ مسند یعنی عیدلی بکم اولمدر
اولدی کب قدرته اولک شهسوار عالمک
ای کتابچه فعتوکه بروق بونه طبق
کامکار ایتقه انوار ایتکدن چراغ
یر بوزینه اولدر چور ای فیعلک
هم حورک بر عجب دیارد کافوش

جمع چشیدن صافه سنگ جگر دی کنش
بارک اللہ یکم کور بر کا فیدہ کوثر کنش
سورۃ النبی قلند رہیل از کوثر کنش
مہر بر علی رو یکدن اولدی پرا نور کنش
یکم کور نیور علی زخلدن جہانیکو کنش
کا ولیہ قدری کا بن او یکمہ قاد کنش
آفتاب نور آئیند جہانیکو کنش
چرخ جوہر دار زین طبلبار ز رکنش
وی کہ وصف حسنکہ برد فتر ابر کنش
ظلمت شبنم خدای او غروی تاخیر کنش
الیکر سیر بر روی زمیند کنش
مہر جہانی اسماء مہر قطر می انور کنش

تر بیدار طای لعل اولز گشت اما سنگ
کوه به دوشه آفتاب کند یلک بر بر تو
نظاره کرد که هر هنر منور و زجه
کر اما خلق به صور زده ظل آفتاب
شرق و غریب را به سحر و معجزه ایلدک
خضم حک جانانه تیر تیر ازلدک و تر
ش عادت سنگ آتاکه قایم در جهان
نور گشت لیک کوی جلالک بخش آید
چشم نه چشمک تیر غمک جلدک
خوف تیر کردن فلک در سوطا تیر بدو کو
رزمه بک چیلک اور سنگ بر بند
ایلن طوب هوای کن حواله کو بیا
بر قلعه بر باشم وار دیو دعو الرقلو
طالعی خدا اولدی ایندی باشی کلور
گشت ایدردی در بدر بفریدی کوی زینه
دین ایلدوغوئی در غوش ایلدک
سدره وصف که به بی اصولی بندک

فَرّه ناپنجری ایلر هتک اقد کُش
 سنکی لعل اولوق دکل اولوردی سنا
 ظلم طماننه داندکد روی بهتر کُش
 لیک رای عبدالله معینه ده اظهر کُش
 سکا درسه شهابدره خاور کُش
 داندک تیغ قضا دفعی ایچو سپر کُش
 فیض انعامکد ایلر کاسن پرور
 ناز قمر کد اوله فرمالی خاک کُش
 ابد غیو چار طایر خند منظر کُش
 زخم تبر کد خزان برکی کبی دتر کُش
 بزمه انک مجل ک اچنده زرغ
 عمر خصمک قلعه سن قطع ایلک شهر کُش
 بر بهادر بنده که بکزر آبا سو کُش
 استناک آسماننه قویلدن کُش
 بولدی طایر لاجرم اولغدی بلند
 اوله یار شو کمالین قمر پُش
 کو بیاطو بابو داغندر کوردی بر

بوزیر سپهسالار لطفک آتیده پناه
 ثانیاً بودیر اینجده بوزیر کوثر خواجه
 روشن اول آت کون کونده بوزیر کوثر
 تازی بدست اوله حکمیل زمین و آسمان
 زیر دست حکمک اوله ایکی بوزیر کوثر
 تاناکه بر آتقونیل بازار دهری کوم اید

خاک ایدر دوزخ فلک بشم اودیا قونش
 بوزیر جیدل تاقیدیل زراعت کونش
 اقتباس نور کیکل کورنه انور کونش
 تاناکه بوزیر جیدل اوزره اولم کونش
 بوزیر قیوب ایشکلده اوله چاک کونش
 سکه نام شریفیکه بولم زبور کونش

ایشکلک بش قیوب قدریل اوسون کوکله
 آسمان دولته اولسون ضیا کونش

محمد لکیم ایشدی کلدی ایام بهار
 صور اسرافیل اور سنم دم باد صبا
 دوزی ایام بهار یله جنانه بر بوزی
 لطفک عیسی دمی کلدی کلا ریش و
 ش نوروزی شکیل یله قلوب و شریک
 بر آتایغ اوزره در دوز آله قلدرو قیلدی
 اوینوب خواب عدله هر چو یک قالدردی

تازه جا و پردی نینه دنیا لطفی کردگار
 کیم بنا اموال بر بوقدی بود اشکار
 انجم از نار یله نینه کوکله اولدی سبز زار
 کاندلی ناد صبا ارضک کفوزک اشکار
 هر شمع و آینه ایکن بولدی شعار یله دنار
 بر قدم نوروزی سلطان قیود منه حیار
 چین بخود یوز نینه سوپردی جوار بهار

آلدی بولک یوغی بیر ایندک اولم کیم
 هر یکا دن بش بقدر مندر بنفشه سیر ایدر
 نوزک کورری کوزی کونش کومش نینه
 بغلای خط بنفشه زلف نبل بر بوزی
 روم اینجده چین آیدن آتقونیل در کام
 قوروی صحرای صحنه جبر پهایون کونش
 سیر کل به صفا کلدک دیو هر بردر خست
 خنک ایشک قوغیل الدن صفا جانم
 بنقرار اولدی کور و بوز جیدل زلف
 صوبی دیوانه کولم آق دی کلشندن
 یکم ایچک عطا اولدی دیک بودی
 عیدیل نوروز دشا اولدور خلق
 آسمان غوغت آفتاب معدت
 عبدی کیم اور نوس اوغلندر دن
 دیون دولت خلعت آتیده کور و بوز
 صور تابکس ولی درویشکدر رتیک
 جانه موحیل زینت ذاتک حجت و کل

نرکس اعی ایکن آچلدی کوزی یعقوب
 لاله لر خود بر آتیش دانمش کهار
 دستنه زربن قنچ بنفشه تاج زر نکار
 شو یلکیم کور غر او شدر جیدل نور و مار
 هر کناره رایگان اولم شدر مشک تبار
 عیش ایدر هر بر کد اصحاب و شاد روزگار
 دور و آباغ او شند سیم او شند تون
 صنف هر شک کاسه سی قلبه کونم
 کوز لر باشی کیمی کلاره آق دی جویبار
 بغلک زنجار کیم چیدنیکه و قلندر قرار
 ایکی شاد بر بوقی عید و بوی اولی بهار
 ال و بر و بر دست بوس حضرت میر کبار
 هر چو دگر کونش کان شاکوه وقار
 کاندلی آبا و اجدادک طریقت اختیار
 عیدیل نوروزی بر کونده کونش
 زی سعادت دولت دنیا و عقبایند در
 کامل دوز عار و در کیمک لباس متعار

الهی بولک

سوس و خلق خلق ظاهر در نه لازم بود
بزرگ او از صفات بزرگ بر فنی بر عقل کل
ابتدا عالم خلقه لطف شک و لطفی
ابر بعد از مریزه خلقه اول دلو مطر
کنج مقصوده الی ایندی بولدی حیاط
کور دی آنگده وار عدل عمر جود علی
هر بر ایندی کم آفری رادیده هر که عالمی
شویله و بوردی اعتراض هنداده لطف علی
مار و نه و بر شمعده اولوبد منتفیان
بر نفس لطف نسبی ابر سر سوه بر دخی
دو ننگده او مر غم کس آرت فرج
نامن حیا ایلر که ایل ملک او فر و شلی
او و نوس اولاد ننگه ننگه مباد و لو
دور دی طبع ششم عالمه کور کور لورین
کو قوق دوست که دو کم نیم نصیحت در وین
دار و دنیا ننگ در و باغی یاب عدل کم
بعضی کماله کلام اید و بیو شریک

قنده اراکم خود کند وی ایلر آشکار
چک بیکه بیل صفحه عالمه ملک افکار
وقت کله ایلدی خاک سایه نو بهار
شویله کم دستبل اهل فقره سیم ایلر آشکار
هر که لطفک او موبین اوز نری است افتخار
قلدی عثمان او علی بن شاه امیر اعدار
یوقا آکا ملک عدل غیر بر بریده قرار
شعبدید نصکره عدل الی ترک ایدوب آکا
شیر و او بر مقام ایچنده قلوب نر قرار
روزگار کشتند قند کور میه فیل دوار
کیم فرزند کیم دوقت بهار ایچره نهار
کیشیدک غیر الخلفی قلب صو کنده یادگار
بعد ازین کس میر علی غریب و خوشن
تا آیاغک طراغنه اید و غنبله تقار
سفر هم بو کو خواره دکم برده کوش قرار
قلیبا خلقی و قاله آتا رنیک یادگار
عادل اول بکله بگز درخت حیوه دار

خلق

خلق عالم سایه خنده خوش بکوب بر نعلین
شویله عبت کوزنی آخدی بقدری عالمه
نوبهار ایاغنی سیه ایلدی کور دیم کرب
بو طویل الذیل لطفک کس صو ختم قیل
عید تر طلع فرج بولدی خلق کائنات
هر کونک نور و عید او کونک قی قدر
هرم اراکم اولم کلو آیاغ سایه و ش

دارم بسیم کایت ازین دور کینه دار
یکدم درخت عمر ابر نر ادا لیک
در کلن زمانه زوید کل مراد
ریزم سرنگ خود که شد از روزگار
عالم خراب و دیده بر آب جلگو کباب
باید بستان کسی التجا برم
میکن برای طینت خاک نهاد
خلق تو حیوان و حیوان وجود تو حیوان علی
شاهان پیاده روح زمین کور و حیوان

کند و به دخی آتله لطفی محرم ایلر آشکار
آکلدی کیم رحمت دنیا دکلدر پایدار
یوزینه کلدی برای کونک ایلنجی روزگار
تا مباد که خاطر نه قوغنه ناکا غبار
روز نور و زین اولدی ایام بها
دو ننگه بهجت و شادیل اول نیل و نه
کلبدن عمرک نهالی سر و کبی پایدار

که کاسه زهر غم داد چند بار
چندان بدست جور و جفا کرد شک
در خار غم مجبور اکو صد هزار زار
چشم امید دیده محتم بر از غبار
دل بیقرار و شیشه خاطر بانکار
زین ظلم بیقیال که دیدم ز روزگار
از کار را که خاک سیه را کند بهار
نامت بنزد خلق از ان یا اشتها
در نطق دهر کب کمر انوی سوار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

سازد ز صد پسر و سطرلاب آفتاب داوی با نو چو یکی شمشکله زر خلق تو با خلق ستود چه جفت چون ذات او بوضعی نیاید اصولیا هر شب که پزگوشه خود بوستان جرخ	تا می کنند رفعت قدر شما شمار زان شد و تا به پیش تو کرد عتدار خود شک بوی خویش کند بیشک میکن دعای دولت او با صد اقتدار هر صبح که بشکفتد ای که نه مر غزار
کلزار دولت تو عباد امان پذیر باد اناهال عمر تو چون سو پایدار	یا کل کلزار جنت یا سحر یا سحر یا نهال سو یا نخل روان یا نارون یا که رشته عمر یا مرغول یا شک خنق یا طراز غنچه یا شک پشکین سن یا جمال احمد مختار یا وجه حسن یا که ما بدر پیشانی یا سحرین ذوق یا ای که زار و زاری را می مکر و فتن یا مکر مریخ قلش قوس بر بند و وطن یا جامع حسن ایچره یا منبر یا بر زمین یا کلستارم نشوین چو دشت ترین

خاله میدار

خاله میدار یوز که نمود طحال جیش صنعت حسن ایچره قوش نقطه مو میوید لعنک آفتاده که زنده اند می بوی خود میوه طوب یا سحرین طوب یا طوب آینه یا علی بر نخل کلزار فاشک شفت دی کیم یا قیو قیو آینه کلزار او را شدر آنگ تنی بر نظر و جادول ملکینی بیجا ایلدک شکلا او سفیده دلیندن کوز نلر دیلر دست شوقیلر نیجه جاقنه سنی اولور قبا دست را و ستور که باوزیلر سدر کینی آغز ای اصولی آغی طایری کوزلر نوریدر اگر کیمی فنونش دود که قیو قیو قیو بن اولان ساید و ش خاکسپرده یا مال آه عاشقند باوزیلر اسحق خاشاک	هنام سلطان ملک روم صالین خندان یا که ترغیب نمود جوهر جانیادین درج لعلین ایچره درج او شدر یا به و یا سب و یا آب معلق یا ذوق یا ندان آینه مرید برک ناز و شیوه یا جادول درج یار دلش در وجودی جملدن یا کونکلی بر دانی عرض حسن آیدر وانی یا بنده بر دست کل قوش او سویم تن یا کنکی ای سو سیمین تن قباله ذوق یا الفشل جاضع بفریم اولمیدین یا صقلو آنی یاوز کوز دغا افروالین یا کلش حسن ایچره کل کبی او کل شادو یا بو جهاد دور دخی دورای سویم انلام یا یغن اولو ملک ملک باد مراندن می درن
یا دشت کللی نیمه برای دو کینه دار در دو غمیله اغده حسن بزی زار زار	یا دشت کللی نیمه برای دو کینه دار در دو غمیله اغده حسن بزی زار زار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بودم درخت عمره بر و بر مدولی باش نیجه دو یکم که غم روزگار دن حالم حرات دیده بر آب جگر کباب باغ زمانه ده یوز کلر کل مراد بو ملک ایچنده بیچ کشی کل منی بودی در داکه سنگ حادثه روزگار دن بیت الخرنزه در قوی عقیوب کل خلق یرده شود کل و حقیدی کو که دود آیم اول آفتاب قاره یره کردی عجب قولنده صادق ایدی صادق وقت قلدی قبایلکس حیاتی بلدی یکم انفاس قطب دایره لاجور دایدی تنها کونلری کونلکی کندی سوزنده	اندک دو نیجه دست جفا بینک چشم امیند و دیده مجتم طلوع غبار دل بیقرار و شیشه خاطر ده انگار خار بلاده اول بنم کبی صد هزار کوش کا مبدین واکو میر کا حکار آینه سکندره ابرشندی انگار قیدی ملکر که کوشی بو کرک جان کار ابراولدی کو کده اهل زمین اوزره یا قبر تنکه ضعیفی در بای بی کنار اولدی ملکر که احمد مختاره بار غار عارف قنده عار اولور سبب استعار من اولدی بو فلک کار کار استوار قالدی ایقده سایه کبی خوار و بیقرار
ای خاک رو سیاه قفی کلشنی قفی اول معرفت کهر لرنک معدنی قفی	اول بی نشانی بلدی که نشانی ایدی بو قران ایچنده حاصلی صاب قران ایدی

درج امتشیدی نقطه واحد عالمی جمله محیط و مرکز دگ فیض بخش ایدی کون و مکانی دو عشیدی جند بقعی آنک وجودی بایکی که جا ایدی جمله کرسوزه کلک نطقی کلام خدا ایدی وسعتده بحر قلمی صبردی قطره یه اثبات ایدردی ظاهر و باطن کهر لرنی روحی بهما کبی یره انخودی بر نفس خاک اوزره جسمی سایه کبی یر ایدردی یرده کزدی سایه کبی جسمی صبوردی ال اول بر بهما ایدی که احو قو لک دانی	ستر قلوبه عار ایدی نکته دان ایدی ذاتی که قطب دایره کشفکار ایدی کند واکو به پاژت لامکان ایدی اشیا ایچنده جان کبی حکمی روان ایدی قولی بر یغ و منطق معجز بیان ایدی در یاد دل ایدی و دی کو معرفت ایدی دست و دی که طایفه بحری و کان ایدی جسمی ریاضتده بهمان انخوان ایدی کون کبی جانی سایه هفت کما ایدی سیرغ روحی طایر قدس شیان ایدی اقبال سایه سنده شکر اماران ایدی
یارب غلام حشرده نور دلیل اولم هم اهل فقر خرقه ظال ظلیل اولم	یارب غلام حشرده نور دلیل اولم هم اهل فقر خرقه ظال ظلیل اولم
تخلص	
یا آللهی وادی عصیانده قالدی می مدد شعری شئی الله کلام قلمی بدی درویشی	عبد عاصیم صبحم بجد و جرم بی عدد فضلکم بل بعلم یا واحد و فرد و احد
مجله تک معبودی کنش دایما حتی الابد	

محمد قد بولدی نام عظم قلب سلیم	سالك رابع عينا اولدی هر اط المستقیم
بعد ازین کاریده فرو و سولین یلاریم	او قزم اعلیٰ بسم الله الرحمن الرحیم
ای صفاتک صفا تک قل هو الله احد	
چار اعلیٰ نبوتی بوقیه بولموشه نبوت	پایدار اولموشه نبوتی بمجوبیت عنک نبوت
فیض جود کدره ایتر سر بوقیه جان نبوت	اول و آخر هو الحق الذی من لا یموت
ظاهر و باطن هو الباقی من الله الصمد	
ای هریم در کهک خانیق کو کلامی معنی	کبریا که او کندی کیم قلامی معنی
وصفی ذاتک در صفت ذات پاک کلامی	لم یلد من او تو لاری ولم یولد منی
لم یکن ذات صفاتک در کلام کفو احد	
نکته سر نفی در بیخ او در ک بر دمی	نقطه و هده دج اندک او اعلیٰ
یعنی قلک کیم کبری وجود آدمی	کافله نوزد برانکه او کیم کبریا علی
قدر تکمل اربعان کونده تمام اولدی بل	
عالم و محدوده کثرت دینی و دوش رفق	بر برنده صندج صنم نوات انجوه حجر
ظاهر او مختلر خلق ملک حسن بشر	اولی زما نیکم لطیفه بر کومه قلک نظر
ظاهر اولی کور در دا اولدی بونیم خیمایی عدد	
ای اصولی سردایم حق در آرتق سنه بوق	دلره ذکر ملایم حق در آرتق سنه بوق
ظاهر و باطنه قایم حق در آرتق سنه بوق	سیدک کو کلنده دایم حق در آرتق سنه بوق

اولی نوزد

اول فقیرک هم دلنده هر دم ایدر یا احد	
کیر کو کل ملکنی سیر ایل اولودر کاه کور	دیکر تحسین
ذره نازیم دوشیده وار اراهی کور	ششجهاته برتون صندر راول مایه کور
قنجر و کیم غم قلک تم وجهه الهی کور	بر نیک کیم بقدر کیم آنده من الهی کور
نقش تندرجا نجا لیلک نقابی رفع قل	هر عالم تاب و جهند کجایه رفع قل
چشم دلک غفلتی ترک ایل خوار رفع قل	بویا لیلک پرده سنک کجایه رفع قل
کل یو برک روز نندن بق بوسر الهی کور	
صورت حق طواف انک در ک رو بر	صورت باقوب کیر و قل قدم بصیرت
ظاهر حق عالمی معنایه کل کیر ایجو	تج کبر خلقی هر ک زاهد برو
مؤمنک قلبی ایچنده من نبوت الهی کور	
غم کل طفل کشفند دل دیوانه قل	و هنک شمعنه جانات کند کی پروانه قل
عشق جانم ک دلی لا یعقل و مثانه قل	کچ انانیت سوزند کولکلی و برانه قل
نیم سیم تیزیک بولور سن کنت کثر الهی کور	
راضی اول شوق مناده باز لوق قسمک	یوقلوق ارقامنی چک عالمده اسمک
تا تجلی الیه ترستما اسمک	اولدیک نفس اولدرک نبی طورک اسمک
نغمه روح اقدس و روح محض روح الهی کور	

و جب بالذات و وطنی مکناتک عیننه	بومظاہر دن ظہور ابد صفاتک عیننه
بر نظر قل اولاد و صفدک ذاک عیننه	جائگوزیم بقدر کس کائیناتک عیننه
آنندک آرتقائنه وارحی سببہ الہی کور	
ذکر الالہیلہ و یروک جانہ رونقی	نفس ظلماتن قویو بولدک نور مطلق
سیر ایدوب معراج روحانند کور	لوح خدایں ایلدک کوکلکی ای متقی
کرستی رحمانہ آغدک آندہ عرض الہی کور	
اعمال تحقیقہ ایش حق محقق کور	حالت منصورہ بق راز انانی کوک
مبطل ایت مرآة قلبی تو خلق کور	منکر رویت دکلک صورت حق کور
بقدر عجب ہر نظردہ عین ذات الہی کور	
ای اصولی رفعا و حی بلزمر الیم	کیم کلام اللہ سترن اکلن دیور جم
خوش بوشد سببہ الاراہ مستقیم	علم حکمدن بلورسک کل بود کلار حکیم
سین سیمی منطقدن دکلک فضل الہی کور	
یا الہی روضہ عفت میدر بوشون مقام	
یا ربی اینی بخود روضہ غیر الانام	یا کہ بیت الہدر یا سجود کافان عام
جانم ایدوی نذر غیبدن بوشون پیام	کاشکنہ یوزور رحیل ملاک صبح و شام
السلام ای حضرت شافریک السلام	

نامہ اقبالہ نامی علی موسی الترضا	کندوش اولیا جدی علی المرتضا
اولری لامع صفحہ و چہندہ نور مصطفی	ذات پاکندہ تجلی ایلدی سرتی انا
السلام	
بولدی قوت لاجرم سونجی ال عبا	کومر عیان یثرب خواجہ ملک عجم
ای محیط قلمم جو دوشی کان کرم	دری برج ولایت در دریای قدم
السلام	
اصل پاکت زبدہ ارکان دل محترم	کوجر شک پریدر ابصار اصحابہ قدم
مصطفی و مر تصانک نقدی ناز ارباب	ہم حسینک ہم شایزین العابدین
باقر و صادق دخی کاظم امام شہدین	ہم تقی و بانقی ہم سکری سن غیاب
السلام	
مہدی صاحب زامن مادی روی	ماورای عالم نصیب اولدی رباب
پایہ عرش ایزدی پای مرقاتک سنک	کنت کنزک کومر شک کیندر ذاتک
السلام	
ظاهر اولدی کوکلی آفاقہ آباتک سنک	ظاہر اولدی نقش اقدامک سنک فخر الحق
اون سکریک عالمی کو سرتدی مرآتک	ام کہ رام انی جہن حکمہ تابعہ محروبو
السلام	
برفردہ چوہ خشکی ایلدک نہ شجر	لطیف ایدوب براولیت جائ بودک اصبا
بولدر انعام شفا بخش کلمہ صحت کور و کر	مطلع جانند کشف کی تجلی ایلدک
السلام	
زی کرامت زی ہنری میخو شقی القمر	
طلعتک انوار نبی سمدہ پیدا ایلدک	
بواصول لال ایدر مد حکم کویا ایلدک	

بر نظره کور از زادی بنیا ایلک	السلام	السلام
شکر حقیم ینہ بر مہلقا در سودو کم	نور در بندن ہائے شعی افھی در سودو کم	
سایہ منہ یاد شایہم بر ہمار در سودو کم	سرو قد مجلو بلورہ منتہا در سودو کم	
جسہم بنود حیلان کر بلا در سودو کم	لمحک لمج علی المرتضا در سودو کم	
صنور الرحمن علی العرش ہوا در سودو کم	قبلہ حق کعبہ اہل صفاد در سودو کم	
دیو دلہ بر پتہ لعبت فاد در سودو کم	حاشا لہد و ستلو نور خد در سودو کم	
بن محمد اقیم مصطفیٰ در سودو کم		
عشق او دزدن دود آیم چرخ منار کج	چشمی کم در دملری بجوی و دریای کج	
صور تک نقشیلہ طبعم بو بیولای کج	بود لو کو کم لوندا و لدی و شیدای کج	
ہائے عشق ہوا کی دوشد ہوا کج	عالم فکرہ عقلم کریمہ خود رای کج	
عشق بازار دزدہ جانم خیلای روای کج	بر پتہ یوز اور دی کو کلک عدای توسای کج	
جاوید رعلک شرابنہ مسجای کج	کیمی عیبای بو فلق کیمی ہوسای کج	
بن محمد اقیم مصطفیٰ در سودو کم		
بر کرای بی خوابیم تا بحسوسو فرم	کویلی دو درم وطن ملک اکندر سو فرم	
آیفک طراغی بسد آب کوثر سو فرم	خاک کبابیک خوش کلو عینہ عین سو فرم	
بلبل باغ جمال ورد احمر سو فرم	کو کدک اینرہ بکون ماہ منور سو فرم	

السلام

کو کلو رس قیوم نور شنید خاور سو فرم	آفتاب اولور سہ ذہ بر غیر دلی سو فرم
اولدر رر رسہ بنی ہر جایی کا فر سو فرم	بکا او شایہم کرک دخی کوز لدر سو فرم
بن محمد اقیم مصطفیٰ در سودو کم	
حمد لہد کیم ینہ حسنک تجلا سندہ ہم	اون کمزیک عالمک دایم تماشا سندہ ہم
حق تعالیٰ تک بکون خود رس عکاسندہ ہم	سین بنی بازار دہرک سنہ غوغا سندہ ہم
اشنای در بایک عشق دریا سندہ ہم	سہم اعلا کوز لرم قدح معلّا سندہ ہم
کعبہ مقصودہ ایو دم شوق حق کندہ ہم	کو کلک بولدم مراد بنی تسلّا سندہ ہم
بر کوز لقرش ہائے دایم غنا سندہ ہم	بوچہ ہانک نہ وزیر نوہ نہ پاشا سندہ ہم
بن محمد اقیم مصطفیٰ در سودو کم	
مرغ جانہ عشق او دزدن آسناک ایتدیم ینہ	اول جنانی باغشک یرد جنان ایتدیم ینہ
بود لو کو کلی روای ہر جا ایتدیم ینہ	کیمہ کونر و ز ہمدم آہ و فغا ایتدیم ینہ
روز محنتلہ بو کوہ قدم کما ایتدیم ینہ	آینجی طبلہ اعنہ روحی روان ایتدیم ینہ
صولد رب باغ وجودی ہر جا ایتدیم ینہ	یتغہ حسرتلہ یوز کم طلوقان ایتدیم ینہ
ای اصولی اول شاکہ سون بیا ایتدیم ینہ	کون بکی فاش ایلوہ سترم عیا ایتدیم ینہ
بن محمد اقیم مصطفیٰ در سودو کم	
ہر دخی یہ ای کو کلر روحک روا او برک نرد	یو فاجانانہ عجمی جاودہ او برک نرد

تدری مجزوه جان و جان و بر مک نزن	برو فاسو نرخی بوق نامده جان و بر مک نزن	نذر
اقیده کو که بنی دمدم محو ایلیه	کنده دو آنچه اوله اشک سنگ زهر ایلیه	نذر
ایلمده لطف ایلمده نجم سکا قهر ایلیه	برو فاسو نامده	نذر
بی نوا بنغم مقاصده قوا رایت اکر کل	باری وار عزت بوجان اختیار ایت اکر کل	نذر
صبر طاقت قلدری ترک دیار ایت اکر کل	برو فاسو نامده	نذر
فارغ و آزاره بور کن قول اوله وار کل	یریزه کلن کلن بلیل اوله وار کل	نذر
آتش چرا نیلم یایوب کل اوله وار کل	برو فاسو نامده	نذر
اعل عفا قدین اکر صبر وفا اوله	قنده لبو یقینی کو هر ک نام اوله	نذر
خود بلور کوج کتور کنده وین ^{اوله}	برو فاسو نامده	نذر
نامه عشاقه نامک سنگ عنوان یکین	طبع نقادک کون سود فقر عرفان یکین	نذر
ملک استغاده شایه شکم سلطان ^{ایلم}	برو فاسو نامده	نذر
ای صو جانک مرانی نور غمیدر	چون وجودک صفی سی مجموعه لاریب در	نذر
محمد قدوات پاکک کو هر جان غمیدر	برو فاسو نامده	نذر
آتش بمرانیلم یاندی بورک دوشدی جان	بغله جیشم یوان جوش ایلیه ^{نذر}	نذر
قاله کیل حنت ایچنده بوجان ناتون	الاما ای شکون ظالم الکدن ^{الاما}	نذر
آتش چرا نیلم بغروی بریان ابلک	تینه محنته یوره کم طوطو قوا ابلک	نذر

ادامه دارد

اولدر و بیهخته خاکیل یک ابلک	الاما	الاما
کلدری خوشی بلا جان دن فراغت قلدری	نیغله ز جان و دل سختی و رخت قلدری	الاما
بجا مجال اولدری کو کل پیچ صبره طاقت قلدری	الاما	الاما
یاد و سلیتن بنی برک یوقدر یاد ایدر	غفقه و غم دن دلو کو کلی بر دشم یاد ایدر	الاما
خسته جانم صبح دکلور چاغوب فریا ایدر	الاما	الاما
غایتی درد و بلا به جانی معناد ایلم	شو فکیده مورد و کم عالمی یاد ایلم	الاما
چاغوب و درگاه خفه دکلور فریا ایلم	الاما	الاما
عشق دوشدم بن پرش روزگار ابلک	نغم بوجاننده بیان ز روزنرای ابلک	الاما
بنجه در سکیون دیو بر کره باری ابلک	الاما	الاما
فور قرم بودر داود دن جملم عالم دوشه	دود آیمدن فکلمه طاقده آتش دوشه	الاما
بقی بو آتش آسینده دوشن آتش	الاما	الاما
ای اصولی عاقلک اطلعی سسی دلدار عشق	کشیده یازدنک ایر طوق نه مشکل کار عشق	الاما
عشق بن است صانور دم نهی مشکل کار عشق	الاما	الاما
نازه بکون دوشتم کل المعینل آهم بنم	یازش سن قولک ظلم ایلمه شایم بنم	نذر
کر غریب ایسم نه وار یوقمیدر اللهم بنم	همی فندم خودم عزم همیش ایسم بنم	نذر
آه کیم غیای او ش کنده یه یار ایلمدی	بن کدر کشی عجب دروه گرفتار ایلمدی	نذر

یافتی وقت آری قیاق جانم کار ایدلی	همی افندم سودم عرم	محبت هم نیم
کیم لری چلاکم پشاید قورقمین	ای قشای یا یوسه تیر امدن قورقمین	محبت هم نیم
ظلم ایدرین بوق بزه ایلد قورقمین	همی افندم	محبت هم نیم
دیویم کیم بودل بیچاره بر چاره قیل	یوره کی تیغ مختلرله پاره پاره قیل	محبت هم نیم
دوغمزم سندن کرکه بغری بیکیا قیل	همی افندم	محبت هم نیم
اشیکه طای بنم فسر دوستر	ایتلر که یولداش اولدوغم بکاعره تیر	محبت هم نیم
قولکه قول اولدوغم بن بده که دست تیر	همی افندم	محبت هم نیم
بن اصولیم دار فرتده صلک کنی	کوکلمک دایم جهنم اودی اولدی کنی	محبت هم نیم
کافر اولدی نه وار بیچاره سودی	همی افندم سودم عرم	محبت هم نیم

وجودی مطلق بوی نه جویم ایدرید	انامنی سرتنی سوبلر اگر مخفی اگر پیدا
معاوند قنوشیا ایدر اوز کینود ایتد	کیم سیم و خطا هر کی سنگ مدر پیدا
بواغک که حقینده صوبی یارغبانی بر	ولی اولشی چقا بقده یوز بیک شوم پیدا
نظر قل نوع ان کی زهر و کیمی شکر	عجب حکمت بر عیون اولور دو لوغم پیدا
دوزیلو نجه بیک شلم یوزیلو نجه عینلر	نه کاری مولو عبیدر بو که اولور کار کیر پیدا

دولفور

بولقوز قبه نشن سواجینه کدک و کدک	نه کدک کدک بولطا مر نه کدک کدک
شور و لر که طاعلر کی پش اکر دی افلاک	یتور لر پرده پست اولشی نه تیغ و نه کیر پیدا
یولوز بر بیابانه ایرشدی ناکها کاند	کیر بیک کار با اولمز بزرگ بر اثر پیدا
نجه شوریده عاشق کز لر محله تا بهلر	بو قیده بی نهایتده نه نه را جبر پیدا
نجه کوند ز کیم اولدی نجه بیک کی ویدیل	دریغ افندی کند کی شب بجمه کیم پیدا
نجه زحمت چک کب کمال ایدوغم بر عارف	بلی جوق قایدور کار ایلینم بر کیر پیدا
نجه بیک آدم اوغلانی کمال اولق کرک کیم	بیلاخی قاری دنیا ده اولر بر کور پیدا

قونظاره ایکار معنی منتظر بودر
اصولی کبی تا کم اولر بر حسب نظر پیدا

ای نجه انی ویدیل کیم لیل و نههار اولا	شول کونزنگ ایچنده تنک خاک اولا
صغرای عمره شو	ایل او کیمه عیار اولا
ای سینه لوده کل	خانک ایچی مور و مار اولا
تجلی نوره طورک و جودی و دیویدی	پتن قفسی تار مار اولا
قورقم بودر که ع	رخ در دینی اهل در داولا اهل در د
یارب حال نره ا	ارم و خطا فر شمار اولا
ستر ایله عفا	اوکلن یاری کور و دیشی بر اهل حکمت
یار انی قیوب کیم	کل جفت ربا فندک بومر کوزو که اشکار اولا
بو غوغیل او کرک	اصولی کیم شرازه سید شیه یار غار اولا
	بله تازه بهار اولا

کوکله کونز کوزن کوزن بوسر نه
جهانه سر کلن سن تاشا کاکل افند

سکه فانی

بعدی وقت آبرلق جاق جانم کار ایلدی
 کیم لر یا چاکم پناهدن قورقمین
 ظلم ایدرسن بوقیره الله قورقمین
 دیزم کیم بول بیچاره بر چاره قیل
 دوغرم سندن کرسه بغری بیچاره قیل
 ایشیک طای بنیم فرسودت بتر
 قولک قول اولدوغم بننده کرمستیر
 بن اصولیم دار فرقتده صلک بنی
 کافر اولدی نه وار بیچاره سودیسی

هی افندم سودم عرم محبت ایم بنیم
 ای قشای یا خوش تیر امدن قورقمین
 هی افندم محبت ایم بنیم
 یوره کی تیغ مختلرله پاره پاره قیل
 هی افندم محبت ایم بنیم
 ایتلر که بولدر ایل اولدوغم بکاعره تیر
 هی افندم محبت ایم بنیم
 کوکلک دایم جهنم اودی اولدی کسکی
 هی افندم سودم عرم محبت ایم بنیم



وجودی طالعک بخوی نه موجیم ایدر بیدا
 معادن قورقوشیا ایدر اوز کند و داند
 بو باغک حقیقته صوبی یوغنیانی بر
 نظر قل نوح انسانه کی زهر و کیمی شکور
 دوز یلو نجبه یک شکر یوز یلو نجبه شکر

اکلوشما ایدر قلو دلا دور زما ایچره
 دیری یونک کبی کورم بولما کدک ایچره
 اصولی هم عاشق بولمینه چک ایچره
 کل کور بردم آرادن برده پندار کس
 ظاهر اتک بولمیش آینه رخسار کس
 کرسید ایش بوی زلفی عنبر بار کس
 کورما دوز زاده عرض ایچمه یکم دبدار کس

بو طغوز قبه شش سواجینه کلک و کتک
 شور و لرک طاعن کبی بشن اگزودی افلاک
 یولور برسیا بانه ایرشدی ناکه کانه
 بجه شور یوده عاشق کز لر محله تا بهلر
 بجه کوند زکی اولدی بجه بیک ای ویدیل چید
 بجه زحمت چک کس کمال ایدر بجه بر عارف
 بجه بیک آدم اوغلانی کمال اولق کز کالیم

نه کلک کلک قبوظا مرنه کدک محرم بیدا
 یولور لر برده پست اولقش نه تیغ و نه کمر بیدا
 کیر بیک کار با اولور بزرگ بر اثر بیدا
 بویتنه بی نهایتده نه نه راجه بیدا
 در رخا قلدی کندیش باجمه سحر بیدا
 بلی یوق قاتی بودر کمال ایلیم بر کور بیدا
 بلا نچی قاری دنیا ده اولر بر کور بیک آت

تحو نظاره ایکا معنی منتظر لور در
 اصولی کبی تا کم اولر بر حسب نظر بیدا

ای نجبه ای ویدیل کیم لیل و نه ار اولا
 صحرای عمره شوک باد قهر کیم
 ای سیزه لرده کل دوشوب سنبل اوتن
 قورقم بودر که علایقه قالد و ز
 یارب حالمنه اولر روز شمار ده
 ستر ایل عفاک ایله آبا ستر العیوب
 یارب آغنی قیوب کیدر یک غار کورده
 بو شو قیل او کسک او مارم اصولی کم

شول کور تنک ایچده تنک خاک اولا
 هر ذره خاکم لیل او کیمه عیار اولا
 بر کون اولر که خاک ایچ مور و مار اولا
 جان قوشی اوچم تن قفسی تار مار اولا
 چویش شمارم و خطا فر شمار اولا
 چو کیز لو عیلم کوز که اشکار اولا
 لطف و کرم ملک یتش یار غار اولا
 قبر کده کلدر آجیل تازنه بهار اولا

بسمه قافی

هر دزد خالک آینه غیب بدن اولو	هر استخوانک اهل دله یاد کار اولو
صوفیا صافی دل او کز کس صفا کلز کز لایضایه کرای هوا به ایر مر به الیک ای مریض القلب بوسه صافی صافی لعمریه لایضایه طبعک الشیخ ای حکیم نجم بر آلوده دام او کز دنیا ابله بوصوا بچند و عجب کردیم و شوقش قایم بر یار دولت نشاند کوی جانم نویله بلی و دیگر طریقی عشقه کیم	خود من ذوق بیخام خدا کلز فرصه دنیا بی همه است غنا کلز مسم اینم ستم قانده شفا کلز آینک جو خون کلز خدا کلز تجربه زند خود بپور سنگ و فاکلر نولدی حالک صور غم بر شفا کلز عزت این صده بچو راند خطا کلز هر طردن بیک بلا کلز بلا کلز
ای اصولی عرق اولوب عیال الی و مدته دایم و باقی هو الی حسن فنا کلز	دل کو کلز کی یوق وادی غده تنها زلف زنجیر فی دیر ندی کی باوصیا بلزوم قنده قرار اعلیه بود کلو بلا بوی بلا لوله اگر قالو رسم وای بکا جنت وصله اگر ایر مزایه و او بلا
کرچه زنجیر سر زلفه جو قدر شیدا بینه دیوانه لکم دوستی کو کس شیدا دور مدد شکر غم بود ویرانه کلو کلیخ خنده یا نور اولی بر خسته غم قالدی بجزیره جفته اصولی سکین	مهر و مهر کوی بچشم خوب جسم کلز جو مهر فردا نکلز نهان اسرار غیب بیدرین هیچ کوز لایقه نظر کلز یوق سطونک میداننه حجاب سفلی خاک روشن اولور مهر خیار کلز بر کون نور لوم آب کو تر شفته دل غش فکله نار غدا هر هوادان تو کی قلم قبول ای شیخ هر عشق کلز طوقی کدی علا بقدر غنی

ال او صیقل بزه ایر اقدار دیگر بر حبا بود خلی قانز کجور روح روانم مصطفی باری اولدن نولیدی اولیغید قاشنا بیک بلایه او غم کما اولدن مبتلا دوستلر بر یوق او دم نینه یارق بکا آنلره ذوق و صفا ویرلدی و نیره بلا سکا اولور یار کس نین بر کله اولی پا	ال اهل طلو طلو طلو سولتور اول یوق فی الخلل اقریبو در طایفه منک بچاقه چو دوش و کس غایت بیزی بلا کردانه پادشاه وقت ایدم بر شخصه دیگر دم بلی آنرا بچو دم کم و فاسد یاری هر کس بوم عاشقه زهر بلا صولدی طلقه عشق و نون یولدی بیک خدا قلم اصولی اولی پری
نام پاک اهل دله انیوه محبوبه آچیش اولی پرده بر فزده عظام انیوه دیده هموله در کمر و ارب عیب عیب قدر نک چو کانه ابرام علوی جمیل کو کب طالع اگر ناکا قلم غروب خاک راک وصله عشاقه تا غروب لیک محبوب شربانه یا شالا اتوب ای اصولی حقیقی السیف محی الذنوب	ای که منک خوب بچشم خوب جسم کلز جو مهر فردا نکلز نهان اسرار غیب بیدرین هیچ کوز لایقه نظر کلز یوق سطونک میداننه حجاب سفلی خاک روشن اولور مهر خیار کلز بر کون نور لوم آب کو تر شفته دل غش فکله نار غدا هر هوادان تو کی قلم قبول ای شیخ هر عشق کلز طوقی کدی علا بقدر غنی

عرب خلدو
عرب خلدو
عرب خلدو

شوقه شرح ایتمک آیت عشق باب باب آچیلور کوزار سینگل معارف کلاری آچیلور کوک چوقوی بخورده در لاجرم چخته اولوب اهل دل بزمنده آلمز چاقی فیصل و قالم عقل دو شادی دل زاهدینه فقر کفنده بولان کف قناعتده نصیب کوبوغولانی قیوت ناکام او کوک یازار ای اصولی نوبتی کلاری عت او کو در	فضل کله بلبله اوراق کل بر کتاب اهل عرفان آغی القنده او کوک تراب تیر باران بلا دندر بوجانه فتح باب دونه دونه اولم یون خفت او یکننده کباب عنکبوتک تارینه دوشش سناسل بر ذباب مالک ملک اولدر اولدر منع کامل نقاب ناغمه اقباله نامک کامیل و کامیاب چخبیک افراسیابک حرفین بولاسیاب
بوترابی او مرمر نارعطشه قوسیه یارین آتده ساقی کوز اولیجی بوتراب لعل یاره بلم قلاج اوشقینه بکر رشوا دل کسوال ایلر لیکه دالاقفا سندر یخشا قا او کیمی کوزنک ایلون کتوردی تاشیم عشق او دندن دندم کوکلم دو کو کوزیا ای دینغا یقادی و یاقری وجودم عالمین سخته جانم بولدی تیغ آبلر کدنه حیاتب	جوهر جانم صفالری و پردی اول باقوش اولدر و ایشرد حیفه برونش فی جواب خانه تبسم بقیلدی دوستلر عالم مراب آتش سوزاندن ننگه قان اغلر کباب تند تاب دیدم آب کو کلرک اضطراب در لکه در لکه سید بوجها ایچنده آب

نذر

بدر زمان بلاده قالدی بیک در دیلم آه اولدی قالدی اهلوی بندر که بر فتح باب دیلر یک که ساکوتره یوز شاد ذات باندی کوب حوادنده وجودک کسی عصم دکن دینا جاشنه نیل خلک ظلمت آباد فنا ده بولور عید بقا مدعی شاد بوجیده شهو دایلم عرض او کتوب عقل رخسار یل فصول اولم فقیه	عمر و زیده بوری صرف اینه اصولی عمری نحوی قوعا فیک ایلیمی کور محوصفا ایده مرقع قوی رای عشق سلطانیک جادو کسه ای کو کل تسلیم قلاتم اعتراف فقره تسلیم در دینا ده بزم مخمزه اهل عقل عشق با بندن سوال نام کو کل جوشه کلمه جوشی اولم معارض کنگا در عشق عاشق غمخواره صور مر لقمه خوار الده یار بر تیغ حافر قل با بر کسلیم بجای
صوبه یاسینکی صاف ایلنه کم مرآت عشره وقتیه ایشوب بولمز ایک راه نجاب سیر کورمت آتق یخسه اولور شین سینج اجمیات اولدی نغم کم ظلمات دعویه کیم کیم بود عوی قلم انشا یعنی اسانه فضلت می ورش فضل کر چه کیم موصیفا عشق سلیمانیک قلیه بر نایز ایلو با لاله جانا نیل بخت اتخرزای خواجیه بز مال فراوانیل بخت ایلمه دانا ایک عالمه نایانیل بخت ایده مرقه قوتده بر کم قطره عیانیل بخت ایده مرقه حکمت مقالاننده لغمانیل بخت ایده مرقه حکمت مقالاننده لغمانیل بخت یغوا تهمه وار کل شول بر آتق یانیل بخت	نحوی قوعا فیک ایلیمی کور محوصفا کر چه کیم موصیفا عشق سلیمانیک قلیه بر نایز ایلو با لاله جانا نیل بخت اتخرزای خواجیه بز مال فراوانیل بخت ایلمه دانا ایک عالمه نایانیل بخت ایده مرقه قوتده بر کم قطره عیانیل بخت ایده مرقه حکمت مقالاننده لغمانیل بخت ایده مرقه حکمت مقالاننده لغمانیل بخت یغوا تهمه وار کل شول بر آتق یانیل بخت

نحوی قوعا فیک ایلیمی کور محوصفا

اول مهلبا لر زنده در دیوانه دل نغزانه خاک اولدی غزل طاقیم قالمدی کندی راحتم باقک بواه سر دمه باقک بوروی زرق	تن بوزنه جانم آنده درین جانند آیرلرم مدد آیرلری نبد دولتم اول جانند آیرلرم مدد برجاء املک در دمه درانند آیرلرم مدد
اولم اصولی فتح باب نیل اولدی بو چشم بر آب قلدی کوکل معررب سلطانند آیرلرم مدد	
سندک ملائیم کلورای پس لر زید سندک نکل طعلو کلور غشع جاننه دید که نظاره درای جانغدی روح سنتی اودی کوکلده یاماء الحیا عتی عشق یغمی لذت احوال و صولیا	سندک بکانه کلر کلور سیر لر زید پیکانک اولدی تنگ دمای تر لر زید کورم نعیم لذت اهل نظر لر زید کاب بهادان اولدی دله هر شر لر زید کور غشع عاقله خون جگر لر زید
چو قالب جسمی کور سن که کا اولور صورتی که بجه اغت و آخر در ولی کل شول کرایه عور دیو نور بقیم ای پنج مؤمن درین کشت صوفی چو ظاهر اوله اول ملک شجر غیب مردم اول که نطقه کل ماه بر ضیا	قلبش بر بنی قیل کی سجد کا اولور معنی یوزنده اینه مهر و ما اولور دار بقایه ایش جگ پادش اولور ایمانی که و طاعتی یک کنا اولور قلب و قلب بیکسیده رویا اولور دزد لیمک اول کیجه کاری بنا اولور

غشع
نارینگی

نطقه کل

اولم

ای خواجهم بویل دوت و جابه طابنیم کیم نه غم اصولی خادنه روز کار دوت	بود و لنگ صوکی لت و بوجا جان اولور شول کشیده کھف غنایت بنا اولور
کون کبی انک کامل نظر آیات اولور هر نه برده کیم کشت بولنه عین نور در شول وجوده آفرین اوجها مملکده کیم قطره کیم مستغرق دریای وحدت در آکا لم یلد ولم یولد اولوش شهودی عارفک عاشق کیم پیشه سی جانن صوب درد در نطق معینده فرس اوینا دیر مهر بویا دعوت کیم کجکدر اهل شهودی قدی اهل اقرار کس سجودی و نیازی حق در	اون کز بیک عالمک تصور برینه زات اولور ظلمتک شانی ولی که محو و که اغیبات اولور اسم و سحری ترک اید و اوصاف محو ذات اولور نه نهایت بولور نه غایت غایات اولور صفت و محد برینه ذرات دریات اولور زاهدیک اندیشه سی که شط و که طام اولور ای نجم جلالج بوضو بر لوده مات اولور شاهد بر نور لم بودی و حق ایتبا اولور منکرک معبودی مسجودی دایم لات اولور
ای اصولی عینک غیب ابدک عیان انکیم کسکا غیبتات عینیا اولور	
پداس غم کیم دانا سب ای دل کجایکدر دکس کون ای غشی دلی تفصیل اولور نه یا شمش کوزک بکله یوزنده اولور	یوز بیکه دو دوزمه یار کدن انکیم چونک دکس بغنی دوت کانه دلک شک کدر هانا اولی قرا کونم کوز لکله بحر بر بکدر

قبلکدر

اگر کسی کتب بخندد او تو مردن طراک	کوکل کل عشق کو بنده سنگ در ک کل کلدر
معا صید کا بنده شکار آلاخه عا فلر	بکون محنت دوزاغنده هوئی نیم بیکدر
سجوی آدمی حیوان اولنلار	نبلسون کومری نادان اولنلار
جهانگه ملک مالک بیجه صیغ	وجودی ملکنه سلطان اولنلار
بها بخت کدالر درجه سنده	معانی کشورینه خان اولنلار
کوکوز دولت دینای نیلر	حقایق کومرینه کان اولنلار
بوکهنه نیکه نیکه اسرار انکلر	بومیدان واله وحیران اولنلار
بولور یول کعبه مقصوده اوک	بووادیلر کور کوردان اولنلار
اوکودک دوزخ اهل عشق و غظ	که او نیز جابله عرفان اولنلار
یولک کیت او تو رقیق قصید انتم	بوآودن نیز کویچر مهمن اولنلار
مسلم دوزخ شکره او صو	اصول نظرده سلمان اولنلار
شول کوکل که صورتی نقشی تشا سنده	اون کوریک عالمک دایم تشا سنده
یغیر روشن او طو آینه وشن کوکلم کوکوم	پودا دم طلعتک مهری تجلا سنده
هر نقده عالم سنکدر سیرا غمز	حمد لکد بودو کوکلم تشا سنده
برکوز لکوشا همنیک جانیله قول اولدر	بوجها نکه وزیر نده نه پاشا سنده

عکس

شول دل و جان کیم مقام عشق در سنده در	طکیدر کور کور مقصوده اوله آشنا
حق تعالی نیک بکون فردوس هک سنده	هر نه عشق کیم کور کوبده دوشدر مکان
چا او صو قات تو سینگ او ادا سنده	جا ایلدر قشکر کیم سینه قریب اولمغه
هر کون چشمد اول کل بدیغی نیم اولور	خا غده در دیله دل بلبل نالان اولور
بانغ بخت عشق بیچاره نیم زندان اولور	حق بلور دنیا کل اول حور بیکر اولور
مذهب عشق قد قاندر اولمز خا اولور	عشقیله جابوچه بیکدر چند عادت قیلدر
اقت بر مهر و وفا عالمه در شا اولور	کمه بلور جانم حور و جفالر قلد غلدر
برایک کیم پادشاهی اولمچه دیر اولور	ظلم غم دل ملکی نقدی اصولی بارسو
هر نه دکلو کیم بلا بیلور ک اول بالاده در	فتنه سی دوزمانک اول ایکی شهاده در
سن بوغا استخاک کور که عکس ماده در	اوج استغاده اولن شوقی کوکله طبطلو
ظاهری لیلا در اما باطنی مولاده در	صور نکره دل صفای کورر مجنونی
احمد کسل بیلور شول سیری کیم خیا در	اصل مایهائی هر بوچه اهل جامل آکلر
آستر یک اول کرامت دیده بیناده در	حسن معینه خبر دار اولیزو کور طبع
حالت مجنونه کل بلبل شیدا در	نوبها که حسن فهم ایلمز باغ سبا
دیده مجنونه صور شول سیری کیم لیلا در	عاشق شوریده آکلر زلفی و خالک خالقی

شکر که در حق غیر درک لوح درون ساده قنده ای که در دوزخ است حق تعالی در جسمی دوزخ است بجای جنت الیاده ای اصفی چون بولفر دم بر ریاده در بومقر معدن در تخمین در ریاده در	شکر که در حق غیر درک لوح درون ساده قنده ای که در دوزخ است حق تعالی در جسمی دوزخ است بجای جنت الیاده ای اصفی چون بولفر دم بر ریاده در بومقر معدن در تخمین در ریاده در	شکر که در حق غیر درک لوح درون ساده قنده ای که در دوزخ است حق تعالی در جسمی دوزخ است بجای جنت الیاده ای اصفی چون بولفر دم بر ریاده در بومقر معدن در تخمین در ریاده در
بلکه شکر جاننده کی در بای عرفانده در مغنی و مستغنی جمیع ایلین آنکه در کونکلی اللہ نوک رمزی بر آنکه در کوز که در حق کلام اللہ قرآنکه در کائنا سزای خود در جمله و بر آنکه در نخبیک اسکندر و دارا فرمانده در دو شتم عاشق که به بهی میبد آنکه در اول بر بند کحل یوم هونی ش آنکه در	بلکه شکر جاننده کی در بای عرفانده در مغنی و مستغنی جمیع ایلین آنکه در کونکلی اللہ نوک رمزی بر آنکه در کوز که در حق کلام اللہ قرآنکه در کائنا سزای خود در جمله و بر آنکه در نخبیک اسکندر و دارا فرمانده در دو شتم عاشق که به بهی میبد آنکه در اول بر بند کحل یوم هونی ش آنکه در	بلکه شکر جاننده کی در بای عرفانده در مغنی و مستغنی جمیع ایلین آنکه در کونکلی اللہ نوک رمزی بر آنکه در کوز که در حق کلام اللہ قرآنکه در کائنا سزای خود در جمله و بر آنکه در نخبیک اسکندر و دارا فرمانده در دو شتم عاشق که به بهی میبد آنکه در اول بر بند کحل یوم هونی ش آنکه در
ای اصولی بجه صای کون و مکانک حاصل معدن کنت کنز که کوهی کانده در	ای اصولی بجه صای کون و مکانک حاصل معدن کنت کنز که کوهی کانده در	ای اصولی بجه صای کون و مکانک حاصل معدن کنت کنز که کوهی کانده در
چو شهودک یوقدر بر بوانید و غوغا نذر	چو شهودک یوقدر بر بوانید و غوغا نذر	چو شهودک یوقدر بر بوانید و غوغا نذر

ذکر

نه حکم که در کجده ایلدیلر آدمه ای که آدم زاده مع آدم نذر بلدر بکا چونکه سرب دکلن اسیم اول از غلیظ اکلکه باد و خاک آب آتش آملین کوه قافک بند و کون بلدر ارشیتنا کون شوق نفی ایل و یون بولف خود چو فقه اکبر در بونی فهم اندک ای فقیه مارائیت شینا والا آیت رب فیه حق حیوانی چو اعاد در دیر و جینه حق ای اصفی که بلز بو معافده مع	نه حکم که در کجده ایلدیلر آدمه ای که آدم زاده مع آدم نذر بلدر بکا چونکه سرب دکلن اسیم اول از غلیظ اکلکه باد و خاک آب آتش آملین کوه قافک بند و کون بلدر ارشیتنا کون شوق نفی ایل و یون بولف خود چو فقه اکبر در بونی فهم اندک ای فقیه مارائیت شینا والا آیت رب فیه حق حیوانی چو اعاد در دیر و جینه حق ای اصفی که بلز بو معافده مع	نه حکم که در کجده ایلدیلر آدمه ای که آدم زاده مع آدم نذر بلدر بکا چونکه سرب دکلن اسیم اول از غلیظ اکلکه باد و خاک آب آتش آملین کوه قافک بند و کون بلدر ارشیتنا کون شوق نفی ایل و یون بولف خود چو فقه اکبر در بونی فهم اندک ای فقیه مارائیت شینا والا آیت رب فیه حق حیوانی چو اعاد در دیر و جینه حق ای اصفی که بلز بو معافده مع
ای بهر شکر و زایم غبار به یاری کور باغچه لیکو کائنا تک حیه و دستارینه بو کجا اینجده مخف دیده اغیار دن وایم کله یوقدر حق ایا طالب بهما اون کونک عالمی دور ایلین پر کاده اژدگای بهشت سر در نفس خود کام ای غلام	ای بهر شکر و زایم غبار به یاری کور باغچه لیکو کائنا تک حیه و دستارینه بو کجا اینجده مخف دیده اغیار دن وایم کله یوقدر حق ایا طالب بهما اون کونک عالمی دور ایلین پر کاده اژدگای بهشت سر در نفس خود کام ای غلام	ای بهر شکر و زایم غبار به یاری کور باغچه لیکو کائنا تک حیه و دستارینه بو کجا اینجده مخف دیده اغیار دن وایم کله یوقدر حق ایا طالب بهما اون کونک عالمی دور ایلین پر کاده اژدگای بهشت سر در نفس خود کام ای غلام

خود بین

جوهری اول قلم اعظم خطوطه نظر	بخطوطی سیر قل اول نقطه ستیاری کو
ای اصولی پرده پنداره محبوب ایک	سکاسری بلدرن اول کا اسراری کو
ورسک جانی جانان سنگدر	دوشوک در دند در مان سنگدر
بیک چوکان عشقه طوب ایدرک	کوکل بوعصده میدان سنگدر
جوهریان ایلرک ملک وجودی	دلا اول کنج بی پایان سنگدر
نه حالت اکل کلزار دن زاغ	بکام بلبل کل خندان سنگدر
سخت طبعه کجی بکنلمو	اصولی شمدیک میدان سنگدر
تنگ کفر دن یکم کابینه سحر کرد اولو	ذره ناپیزه ایک خورشید عالم کرد اولو
و آری خواجہ بزه لعل وزک عشق کم	عشق نیر زده شک سحر و روی زرد اولو
کار بسته دن شکسته جان خسته تن ضعیفی	بر کوکل خوشنخی بوقی ای اوکل در اولو
اکلمو لطافت عشق آدینی هر خار جی	شاهه لایق خدمت اخوانید پنه قنبر داولو
ناز پرورده بوی عشقه اوغز کار ساز	یازوقیش آنده دم کجیل آه سر داولو
عشق در پسته دوشوی کوزم اوغز دن کوکل	جوهر عیده نکل شک آب آورد اولو
کسب بیفت اولم فردا اول ای اصولی مرد ایک	
کیم بهر بودم برده نزل بیفت اولم نام اولو	

چیلن سخر دن پنه انفاک صبا خوشبو کلو	یند سحر ای غنبدن بر کوزل آهو کلو
بردم ای اتوب محنت دیده قالد ریشکی	در دکه دارا غنبدن دارو کلو
دمنت ایدوب باشی کوب دیدر دول چوخ	اوتیم بر کون نیم آفر بو قنلو صو کلو
دیر دله ای صم یاد اولشم برفض	هر بو جقدن شوقه بیک نغمه یا هو کلو
طولو در کوکل کوزم مهر کل ما هم صم کیم	قلیم غفلت کربوب چشم او بکو کلو
جناودله حشک انواری کوزم طلمی کیم	قره پردن کل بتر شک سیه صو کلو
کروارم سیرانده دیدر کسری جان طم	مقا بیلور کلزار غنبدن بکا فینعو کلو
محبت رندان ایرنلر ادب تحصیل ایدر	اول اولو نمخانیه وارن کس اولو
آدم اولو سراسما غفر بلبل نوله	کاندن کومر جعفر عا ندن لو لو کلو
بوکلننا جها ندن هر کشی حظه انور	عاشق حسن و جمال اطفاله رنگ بو کلو
چون بلا بازش از لده کاتب حقیق القلم	باشکله آفر اصولی یازیلن یازو کلو
مهر حشک شمدیق سلطان بوقا مالیدر	جانیل اول خواجہ حشک قوی اولمالیدر
اغز کیده قاشک زلفک نیم بوق سودکم	آینک طراغی عشق بکا دنیا مالیدر
قانیله دولدری اغزن یارک بکونیه	سولیشترک غم کل جهنم قنالیدر
سویلن دلدوده شمدی لیلی محبونه کل	زلفکیده بولد دیوانک احوالیدر
کیمدر رویش احو ^{دیر} کیم شام کیم	تیکه کا محنتک بر اختیار آیدالیدر

بر ملک و دم کور این حق هر اولور کوشه بجا نده اولور یا تو درق در دلم سوزم عرض اینست که تو یاره سوزنم بلنم کیفیت غم نیجه شرح ایلم اتحاد ایدوب غم عشق ایدوب کور حضور جان و دل و دوتلو قوی آغی تو زید	القدر اول بری بیکر نه خوب است اولور صبح خنده روحم ایشک نه خوشیم جان اولور او دجوب منتظر قفس کج بریان اولور هر کیم غم ایلم سراری حیران اولور شادی و غم عاشقک یانده هب یک شول کد انک کیم چمانده بنده سلطان اولور
ای اصولی نینه حقه حقد ر روشن دلیل کافنامه آفتابک نوری هم بر تان اولور	
بولدی عاشق جذبه عشق ایدوب حقد و حال شوق دیدار کل ای نور جمال مصفا دار دنیا ده نیک شغل کورل کل بکا کندی مهر و کندی طاق کندی مهر و کندی کمد اولو شتری سبک و سبک بن بن بولا آدم اولور سراسما دجبر و دوغوشی معرفت اهل نه چو کیمجه عرفان یتر آلد اولور دل متاع کوز نرند صفا	آفر اولدی ای واعظ بوقیل و قال بر جماع ایشدم که جوشه کل یلو آیدالکر کریمه نقاش ازل یازدی کوزل متاعلکر عشق ایچنده بنیم کلدی عجایب حال عشق بازار نده بویله جعفر دلا لکر زاهد ترک اولیمجه بوقیل افغانلکر ای اصولی غم دکل اولور نه ملک و مال حسن بازار نده کلن اول ایکی قنابلکر

یکون

یکون این سخن بکلی بکاسطام مصفا نیز اولور و غم ایشی و شک مدد ایشی کل الله کرم ایشی و ندر کدای طراوت کتورین خاکبایی عشق کیم غم دولوری ایچین اولور جانیم کدرن	خبر و بر او ندر غم ندر کدای طراوت بکاسطام مصفا بر علیک ایشی و شک مدد ایشی کل الله کرم ایشی و ندر کدای طراوت کتورین خاکبایی عشق کیم غم دولوری ایچین اولور جانیم کدرن
یا یلو جانم هم اور یلوری او صولتیک حال ذن صور یلوری قر شونده دیوانی صور یلوری بکاسطام مصفا خبر و بر	
کل کوی کل رنگ غمی لاله زار اولور سنبلمری کل کل یوزینه تار و مار اولور خال و خط کل کون یوزی دوتدی کویا بیک عاشق او حسی غم کورم دو ستم سینمه چکدی تر غم شغلنی کورک بغلری یولی نیکم غم ایشی سودم	بر زده ایچره ایکی هلال اشکار اولور جان و کول میل کده بر تاری مار اولور شعر سیاه کشت برده دار اولور بر کل تانده بلبل ایدامزار اولور کورن دیدی کافج نکوزل یاد کار اولور قنلو یاشم که قطره ای بیک بیک قطار
دایم اصولی طعنه طاشن برسم غم دکل کیم سنک اولان مجربوه دار اولور	
او غم از او ستم بون خاک دردن انجنور ای کول آه ایلم یوزنه قر شوال مهک	یوزنه بصر قدم تو بیدردن انجنور تاره کل بیدر عیدر باور مخودن انجنور

تقصه سخن بودل بر حقیقه یک باره دیک	کوهلی نازک در بونک کی ضرردن انجنور
یونگراوزه فروش راه او کور یونگراوزه	کیم مبارک آباغی خاکست حدردن انجنور
یونگراوزه ویرمه در ذوق اصولینک	پادشاه هم صمیمی آتی ضرردن انجنور

بشم اینک دخی افندی تاج دولتر	اینک فتنده غور اولحق بکاده بکاده
آیا غلبه طراغین قیوب جهانیه یاد اولحق	سنگ دولنلو بچو بکادولت دکل اندر
کوزل کوزلم کوزم انجنوده صمیم کوزل	نظره انتظار کردن قولش دایع حسرت
بکاد خفا و عشق بکاد کوهله کوه غم سنگ	بکاد غم و شرمین دهن طاعنه برینتر
نظری یونگراوزه اول سرور و انک طغری یونگراوزه	کوزل در چشم و ابروی ولی قوی قیامت
ز کلو غمت اترک بولغور خوار غمت	ولیکن غمتک اندن نصیب در دو محنت

دخشن بزی سولک مادی نه اصولینک
مادم سولک ای مهر و پناه مهر و محبتدر

غمتک ای جهاد غمخواره غمخوار بتر	شب محنتده بکاد در و بدایار بتر
طعن غبار بکایتمه می یار اسنده	سینمی تیغ جفائیله تیر یار بتر
عشق بیهوش و بانیلیه سوار لغی	رفعت و مرتبه منصوره سوار بتر
واری ترک اینک ایرشدی بقا محفله	بکی سر بکوترل مقصوده بکبار بتر
کل هلاک انهم خرافله اصولی قولکی	آتی اولدر غمه اول غمخواره غمخوار بتر

ظلم

ظلم ایدر صفاتی جلوه حسن ذاتم	ذاتم کی کماله زینت ایدر صفاتم
حسن بجا کین آیت لوح و حوده بارغمه	نور از لمداد منون و قلم دواتم
حق حقیقت اهل یوز وار بکیم بصیرتک	کونکمی روشن او صفور آیت بیضاتم
بزه جوان صالحی پیر انکفی دوغشتر	بچه بوجو درده حفر لیه در جاتم
خون نظر قلم بزه قدر مز اولودر بزم	پادشاه دود کوزلن باز بلودر براتم
بونک همای رومر صیفیه طاب اولدی	ذره قدر جبهانته دوشمادی طبعاتم
صورتله بوجو صده بل کی بیلور و زلی	عالم معنیله کوره طاع کبیر شباتم
زهر بلایله نری بسلری دهر ماذری	در دبله در دکمر شو قیلدر در جیاتم

ظلم اصولی بویله نجه سواشکار اولور
کینر لودر نینی اگر سولر بیه رواتم

عشقیل نفور دلک جوش ایدر طوفانم	بو کوزلک یغری دریا بچه پانم
شاه شغفک تحت دله حکم ایدری جاکلی	مهر الله یوسف او فاشیدری سلطنتم
از بر او نور در کوهل شغفک کتابن حرف	انجمنی حضرت پیغمبره قرآن هونم
ای دل و جاکلی کوشل و آب آتق اورا	ظلم ویداده عجب املدی اورا هونم
فرقتک بنشی جیا اوق کیم اور در کانه	چغوری قالدی قوا بفرمده اول بیکانم
حمله عالم کام آشتلک قوا بل ملک	خانه دل ظلم در دکله بتور ویرانم

عمر از شدی آفره بولدی نهایت روزگار قبه چرخه علم بر چکری آیم آشی	ای در بغا بولدی غایت شب بزم آهونز آلدی اوز دروغدن خبر نادان هونز
کعبه مقصوده بول بولدی اصولی هر گشت بنه کوکلم در دواد سنده سرگردان هونز	
قنی شول کون کیم جمال یار ایدی اکلیمز مغ و لقا آیتن او قور دی بیلکیمز سلر ایدی فتلود لکله دلی طوطی کیمی پنا دول موئی عرق آندی تجملی نورینه صحنه بنده یوغندی غباردن خوش و ملا	دولتنده هر بختله وار ایدی اکلیمز حسن بنده کل و کلزار ایدی اکلیمز مهر جانده بشکر گفتار ایدی اکلیمز طور ایدی سیرانغ دیدار ایدی اکلیمز ای اصولی بر کل بی خار ایدی اکلیمز
متصل صنم نری جوهر و جفانک قولیوز ش حسن اولدیک دولت مغرور اولم کاشک اکثر ازاده یوزای فرخ آقا چو بیغای یوغیش تاج و قبای بنده لم بریت چینه کوکل و پر کبک اراهد	دویم کا و فاکاه جفانک قولیوز هی بکم بز دخی سیری برادانک قولیوز طهر وین دییم لم اول سرور وانک بو فنادیناده بر کهنه عیانک قولیوز بره کافر دیم ز داخی خدا نک قولیوز
کیمی شاه و کمی بکم می پشاکینور ای اصولی مله بز داخی خدا نک قولیوز	

آواره

آواره لر فلک زده لر بی نوار لر آبدال پیر منه مجتود قلندر لر آلداغدن بو مملکتک تاج و تختنه هر بر فنده حقه یوز حقه اویار لر فضیلک کرچه کون کبی مشهور عالمز بیگانه اولسه جمله جهان بنده غم دکل شیرانه غار و حدقه کل سنگ اولم سر رشته مراد الکر مرز درز درز حبل المینا حق بولوب سخن افروزی	عالمده بو محبت اسیری کدالرز تجهه کجه نه بقیچی پارسالرز بو تخت انجده بزده عجب پادشالرز ای خواجه صغمه تابع نفس هوالر لر برده در برینه یوز مرز خاکبار لرز شکر خدا که در و کله آشتالرز بور و نه فنائی بجه بریوا لرز نن جامه سنی غم مفر اضیله بارالرز دو بدق اصولی صغمه خدا دن جدالرز
عالمده عی غنیکه ستانه لرز بنر دینا او بی کج مر ایا نه دکلشک آلداغش منصبه جا منه کجه انک چون وار لغز مر معنی آتش اوردک یر یوغیه سجده بزده غم کل ای دل بیک زینت ایدرس اوزنی پیره زن عشق آتشنه یانچی پروانه دکلک	طعن ایله زاهد بزده دیوانه لر بز بر کج فضا طالبی و پروانه لر بز درویش لرز سنگ صحنه لر بز بو مر عجمه دمده پروانه لر بز چون معنکی کوشه کاشانه لر بز باش اکثر اول تچه به مروانه لر بز بالدا اصولی بکادی یانه لر بز

بر دانه

اولی بجای آوردن قوی و بی نقص مراد اولی
بوفانی دارد و بنیاده خلاص اولی مراد اولی
طریق عقده چنگ کرد و در دو غم باران
کسر خیم یک بشمار صور فرزند کنگ فانی
بیلتغز بر لکه کفر به شک و بنگلک
شماره نعت عشق نه بیست و قیامت شکم

قویوب بوز نام و ناموسکی اصولی رند و بدنام اول
بیلرک اهل عشق ایچینده بونزه بخش می آدا اولمز

اولیومش بوجان جانان
کندی اول یار کنج محنته
کوز مزه ابردی شمع رخن
آن و حسنک و وردی جان فروغ
بلبلیم کلشنم جمالکدر
بارسنقیدی غم کوکل ملکن

ای اصولی محالشی در لک
پارسونته که بدک جانسز

بقلم

دوون قودی کندی بنو قولن اولن یار
حسرت او باغی ایچو کبلا اولدر جان اول
یار ندر بو آتش جان سوز دله کم
اول شاه اهرم که وارم عرض حال ایدم
ایکی جهانده مطلوب غیر عشق دوستدر
قونطق کلامک معنی زمان

حقا که کلیدی کیچی اول بار جانم
و اهرس تا که کلیدی اول مها نم
آه ایلدی که کوکلره آغز
یا نینه وار ییق دوتلور بوز بانم
صدغمر کتاب عقله بنم دستانم
بلجزمعانی سون که بدیع در میانم

اولیق بلا او قنه اصولی نشانه کائنات
باری جهاننده اولی نام و نشانه

صورتا کر چه نکا که روی زیبا کند یو
جمله آید آنک که ای اکلوق ما میدان
ما یوزر صورتو آینه اجملا مثال
اهل حالو عزو ماضی و مستقبل
مست عشق کوشش لڑات فانیله تمام

ای اصولی عارف عارفانز بکون
نه جرقه نه خود فردوس علامه یوز

ایک چارچوک اور فناء فناء فناء
برعذر رشائے کمال کمال

معاینہ

از کف قلم کل شود کند و حاملز بنشوز حاملز بنشوز یا را دان بکشوز باغ و قوه دان فلا بوی در دینز که خط من یوز قوش اولو کو کند او چر ز حاملز که کو حق نوز بر دان اولش هر بر در ده اولش بر زبک حاملز حیلز از نل از نون حاملز	اولز دن اول اولشوز فنا لوز فنا لوز دو غز میج بر نور اول فنا لوز فنا لوز ایشی فردایه قومز فنا لوز فنا لوز در ک صوبی ایچوز فنا لوز فنا لوز جانلر ایچده بکه اولش فنا لوز فنا لوز معن دکن سولوز فنا لوز فنا لوز
---	--

اصولیم دیو کلش کو کل کلش بولش تجه فلک دن اوچ اولش فنا لوز فنا لوز	
--	--

چکله کند و م کویک ایلو بی بر نفس اولا جان فدا قلم بلالز تیر نه باغ صفت شاخته دیر اسودوزخ کلوز یا قه یا قه عشق اودی کل کل ایلد جانی خسته یم در دکل جانا بر نفس مار کلوز	یار اشوانلاره قلم شخت جان دن من عشق میدانده شول فارس کم او پنا دوز بلبل خوریده کله سیه کلش چه نفس آتش اوردی من سوی به آفر تو من کل یش رویم که کورم باری منی نفس
--	---

ای اصولی کار بان جان و دل جلده در وقتید رسنه فغان و ناله کی فلسک جرس	
---	--

دست قدرت کنت کنه کجی اظهار ایلش نقری رفع غمی غمی اولش هر وجود	کونکی ذرات کونی غرق انوار ایلش شاه و حد کج غمی من چو اینار ایلش
--	--

مطلق

المن

المن صانع ینه کند و ینه کند و صنعت نیم یوز میک کوز کورن بر صورت انش کیمی کنت حیا لاندن حیران ایلوب نیش منخل اندازن دن حفظ در انجی غای	کند و مکند ینه کند و ینه کند و کار ایلش ینه کند و ینه کند و طلبکار ایلش کیمین ابر و حشدر خبر دار ایلش سیر قلش نقطه کس دورنده بر کار ایلش
--	---

ای اصولی جذب من صانع محیط لم نزل قطره ایلن جانکی دریای در بار ایلش	
---	--

دلده خیلدن خیال زلف دلبر وار عشق اولمک لوج و قلم داغی خط معنوق قلم کافر ایتدیلر منی فریاد بوی بتیانه ده یا قه ی آه آتیشله بوج بهان خلقن کو کل ای در یغایچه صاندم قیمتی بلدم سجده لرایک کلک آید الله کم نوبده بر	جانم ایچده یئور میک شیلوز در وار عشق لوج دلده باز یلوز دیو و دفتر وار عشق دین و دل غارتگری ایمان صعلو وار عشق نیلو بیجا نکه کو کلده خکرو وار عشق آب و خاکله بنم بر پاک کورم وار عشق تکیه خلدن نزل اولش قلندر وار عشق
--	---

زال دنیا به کو کل و یرمه اصولی وار عشق کلشنی دیو لر ولایت ایچه بر وار عشق	
--	--

قیدی کو کل یوسف کرک بلا جانم یش شاهخت هر طردن صلدی غم اشکر لرن خسته یاز غم بوی غمت منی اوز کو کل	قوتارانی کل علی کس ایلد اسلام یش جاء و دل ملکی ابراهیم وار دی سلطان یش انظار ایلد بهلا اولدم مدو خانم یش
--	--

کل یوزگرستم مرا نغزه ملاو بیلک آب انک طراغی چوین اصولی بنده کی	کو کلی آجلو کل ای تازه کلت نامیش غمدن آزا دایلم ای سرو فرامم یش
خاک بملک دلیمل اولدوغ غرت ایش صفت بیخون کوز ایدم کوروب اعلی یا آتش غنقه دولدا برود بدم بونی کم ای کوکل یوز سوزی قولنرت اغالی قوش عشق اولانی کوکل اولدی غمدن خالی	ایتلرک قولوغون ایتلرک بر اولدو دولت دوی بی یار کورک عشق بیخون حالت ایش واغظک ناچشم دید کی قوت ایش کیم غلده او تورقانه کوزک و حد ایش به اصولی بو حقیقت دیو کل محنت ایش
آینک طراغی نور دیده حور ایش سیره واردم دوسر کوکله خواب لوتی عار قلیم بن کداون کم نهایت دیبه لر صید اولور سر بیخونش بدین غنقه بیلو ای فدا باز ای ایچمه بیاضوب دردمالیا داینور دغم آتق بقدری عوایتدی بیخی ای اصولی ن قره طراغدن الحقق ولی غیر اول خلله صالم کوکل شهبازنی	ایشیک هر با بله فردودک اعلای ایش دوشده کوردم یاندوغ حقیقت الماوا ایش برش عالی بیجا بله قوی برادنا ایش قاف قدر تده دو تالم کوکل عفا ایش عمرک سرمای بی بی سودو بی سود ایش بن عصا صفور دم آتی اول خود اوزدو بارک الله سوزرک کور هر دنگ دریا ایش مرغ دوشینک قهای عالم بالا ایش

بازم
بازم
بازم

بازم

حق تیغ حسنکی بر تازه کلزار ایش صورتک آتانی یکلش او قورمش قدی قامتک سدره سن طوباسوش ایده کل کل ابرویم که اوش سنر ملا اولدی	ای نجه بیلملری اول کلت نزار ایش هسن تعویم کورشیطانی انکار ایش جانی سن سو هوا نجه هوا دار ایش ایرلیق بیجا رنگ چا جاننه کار ایش
کور هر مقصودال ویری اصولی بدینه نقد جانی آیتک تورنینه ایتار ایش	
شرارنا غنقلان طولید جسم جانا ایش بر آتوچ طراغم قیلم میان آب آتده یفر بر کون یفر قاسمانک برجه بارو اگر مشاق دیدرک جمانک کوریه یارو دیر لدم سوز غنقلک جیست جاودا بولدم سبند عودوش بقدری یوکیم عشق اودی بن اول شمع جها سوزم چراغ عالم افروم کرایم اولم شمع حباب ایلدی دینا	خس حاش که ایش یفر ویرم ایتار ایش ارندی صوبی بغوم یورکدا اولد ایتار ایش شرارنا ایتیم کم ایدندی نروب ایتار ایش بر آه ایده کور سوزنک دولاباغ جانا ایش ملک بر شمع جاندرد و غنقه بنان ایش نفس و ردی فیض ایدر جهان بوی جانا ایش سوزم سوزنک اول غنقدن دنا غنقدن ایتار ایش یاشم اولم آیتک دولار دی جسم و جانا ایش
اصولی وحدت غنقلک محالی اعند الذین نذرق اتری جهانی صونه خود قلدر ایتار ایش	

بازم

بازم

به بوزار جهانک قوی دکانه یوف اولیسریل فنادن چو اب آف کار دوریلوریتو قودن قری طومارکی اولیسریلوریتو شیفون اجلد مانع چونکه مهانه برتوقه بیک زهرور بوجها بکرنیک اهل کماله دایم در دو مختله هلال اولدی اصلو چونک	چنبره چنبره و کنبند کرداننه یوف کنبند چنبره و قصرله ایواننه یوف دهر سلطانرینک دفر و دیوانه یوف ثابنه بویینه و شکر سلطاننه یوف فلکک کاسه چینی سده و خواننه یوف قوری تحسینه و ایندوکی اسانده یوف شمدیه نیکره طیبیک دخی و داننه یوف
چو قیام ایندی از لزل قبالا عشق چرخه کیدی چرخ و شید و ندر بر کز دانه دل نغمت فیه مزوجی و دندل جابو لور سیلون کز کجوبه قالدرد آتشد علم یا آتشی بن بر آفوج طیارغه سند سمد پای اقداسله بیل پشته وارلر کوه درد مینه دولدی مرطوقن عالم ایچره های و در دیش در عاشق درده در غایت خاک جسم ذره ذره قصه کیر در شوقن	بر برین قوی صدی رقی الی عشق چونکه چالندی ازل بر منزه بر دم نای عشق صور اسرافیل و شصا صلا صلا عشق یغدی باقادی دبار کولک دار عشق آقادی کلدی اوتمه خوش الطیب و دریای قطع اولمق قوه باز و ایله صغری عشق واریس کیدی ملا شهنشینه رسوای عشق درد در دما اینش بود درده بود دلای جوتجلی الیدی مهر جهان آرای عشق

یمنه صالو کیم سیر دولت و کمالی انجم
 یمنه قلدی کولک کاف و قاف و افغان عشق

وار در عالمده هر صورتیه بر معنی عشق قطره دن دریای ذرات ایچره مهر عالمی کعبه یقانه دن فرق ایلمه و جهی وار بز فقیر کم غنا فر و اغنا دکم بزی قصد ایچیک کعبه مقصوده کوی و حدیه	لیک صوت عالمده صغری مینای عشق سیر ایدر کویده عرفانله دانیای عشق دوست دیدار کور مرمر برده چو بینای ایندی مستغنی ایکی عالمده استغنائی عشق بر قدمه ایر شور پای جهایم عشق
یمنه دل آینه سنگ غباری و آرنج زمانه صمنه تور قرم که آتشی اوره تنده ذره قدر قالدی حیات اثری بقا مینی کورت باقم جام کردونه اصولی بالی بلاد بود مهر میره نیک	ای اصولی حادثات اطفالی بر بر یوک و شور واریس کردی ملا شهنشینه بجای عشق
خاظم بمحبت ایندی برین آیرلیق ننه کم عاشقانه محبت جمالی یار اولور ای نجه در صدقون آبرو قلدی نیم آیر و بجا یوسفن فردا یخچند ایلدی	شکسته خاطر ملک انکسری و آرنج دکان آهملک اودی شزاری و آرنج بهما بخسته دلک آه و زاری و آرنج بوغم خرنیک ازل غماری و آرنج کلنده خاری و گنجده ماری و آرنج
آیرلیق قلدی بکادینای زیند آیرلیق آیرلیق اهل درده ناسوز آیرلیق ای بجه کوز بنین ایندی محو عا آیرلیق سکا اندوکن بکار بیر کنع آیرلیق	

ای یوزی کل قاصی سرو فراما آریلیق	باغ عشق منی اشدی کوم قهر لیل
شول فران یراغی کی اشدی نر آریلیق	نوبهارم بویه کم دندن آغین برکین
ای دریغا آریه دوشردی بوجان آریلیق	نقد عری فرج ایدم دردم متاع وصلکم
کوره یین تیز کونده اوکوبولم ویر آریلیق	بقدری ویر ایلدی کور کوره کوکلم
ایلیوب شمع شمشادین جدا پروانه وار	
اودله یاقک اصولی اوده مان آریلیق	
سینه سئلرک صیفی کوکل مرغه آغ آغاق	سینه سئلرک صیفی کوکل مرغه آغ آغاق
هلبو کوکلم ارفاغ بورکان یراغ ایل	هلبو کوکلم ارفاغ بورکان یراغ ایل
فنا اقلیمه عرملک اودور بولور جوغ	فنا اقلیمه عرملک اودور بولور جوغ
دشمن تلخ عین اولوغ غم غمده یوق	دشمن تلخ عین اولوغ غم غمده یوق
اولور کن تاره جان بولوم که کوروب خسته سن دوش	
اصولی درمندی کور دایمی بی صناع آغاق	
هر کیمک کیم سخلان بوق کفغانی یوق	هر کیمک کیم سخلان بوق کفغانی یوق
حالمه کافر اشدی رحیم سن رحم ایلدک	حالمه کافر اشدی رحیم سن رحم ایلدک
عشق بازارنده میل اتم وصال دلبره	عشق بازارنده میل اتم وصال دلبره
بیان آلدی غم دل بی تانک فریاد کیم	بیان آلدی غم دل بی تانک فریاد کیم
بردم اینش روز و صلت اصولی ک	بردم اینش روز و صلت اصولی ک
کوکل بریم سکیدر کیم آنک سقا یوق	کوکل بریم سکیدر کیم آنک سقا یوق
بولیم مدی عهد فرای دینی وایا یوق	بولیم مدی عهد فرای دینی وایا یوق
برمتاع وصل کور دکی کانک بچ آریق	برمتاع وصل کور دکی کانک بچ آریق
عرض حال اتمک اول شجهانه سقا یوق	عرض حال اتمک اول شجهانه سقا یوق
آه کیم وقت شبنک حدری دیابانی یوق	آه کیم وقت شبنک حدری دیابانی یوق

یوز بوردار فنادن جسم بوجانه بقا	و شیدر کی کلای حیوان بتر بیانه بقا
عارف اول بر ذره یوزیک مته بانی	قطره تابیز انجیده حبش عثمان بقا
کراولوا ایلار ایک لوح وجود کوره	مانی وار ازنگ توفیق نکاستانه بقا
آغاق سترک اگرد حقایق کد خبر	شول کوکلمه موجه اور ادریا بیانه بقا
وجه یاکلمه حق اظهار کمالات ایلش	ینجه کوکترش صفات آیه رحمان بقا
خوباقچه هر غمده حقایق ای خشم	هر کدی هم کور هر شخصه درویشان بقا
عشق میدانده عاشق و عاشق طوب ایلش	
ای اصولی مردانیک سندان بومیدان بقا	
دیار غمته دوشدم بویا و ایلده یارم یوق	بنی غم خاک اشدی مدد برنگ م یوق
بلکش اوسوزم در ذیل محنت در قنداقم	غیمده عقد دنا آرق داغی خوشی تبارم یوق
بوما علوده اوستومه کوزمز آغلیا آغاق	اولوسم نارنج ایلده آرق برینارم یوق
بلکم نیما جانک کوکلرک عاشق عاشق	کوک اولور کوک دوکدر عرم شتایم
هینت سیکیمی بایک دوشمک دیکر کوکلم	نجدم سخرای سو روانم بیع قوام یوق
بنی بر کورمه ای ایللی خرام غیر یلرک	باشمی کاسه مجنون کیمی می آنک یوق
نه ایشم وار نیم تقوی ایل زهد لیل ازاهد	
اصولیم بنم بیکار اهدن اوز که کارم یوق	

بسم الله الرحمن الرحيم

سلا اول بنم روم که بن خاکه سلام آیدک	ینه بوجی دنیا یکا دار السلام آیدک
ایر شایسته جانم سلامک سلا متلر	بهمنش داول اش بنم غنیشا دوکالم آیدک
جوابه قادر اولادم که عظم کندهی خالک	بود کلو آکدم اتخی که بر شوخی کلام آیدک
دنا کنده چیتا سوزلر مکر کوز شرا ایدر	که بر بر عید جاننی بنه مت مدام آیدک
آچار که کوکلی خلقه تو برود فتنه بر بر	قیامت قاتلکایه بنم روم قیامت آیدک
قیوکه خوروز ایدم اینم دیو اولو لاد	بویین بدنای خلق ایوه بونا میل بنام
نه سحر آیدک نه خوش طبعو دلک واریا شایتم کم	
ینه برسوزیلر کندو که اصولی غلام آیدک	
یوق بره کلر که بکوز بنیز ملر غوغا ایلدک	واریه اولور و مک بیزه مدار ایلدک
ظلمتله اولرک جفا داشنی نهدک کوکلی	خیره کیردک بر صواب آبادی ایلدک
بر نفس چو غم عشق کولکلر دوشم	صنکی اول سودای کولکلر بهور ایلدک
اولدی صحن سوسلر ایچنده بر مقام	چونکه چشمه خیا لک خیلنه جا ایلدک
ای کوزم نوری کولکلر سوزی ننگم	که کوزمده جا و که کولکلر ناوا ایلدک
عید وصله ایرمه جاننی قربا اعدین	قصه قلر که کولکلر اولموشنا ایلدک
صوکی مریمه آقم ای نهال سوزم	بواصونک کوزی پاشنی دریا ایلدک
کوزل اولم کونکی عالیجناب اولوق کرک	به نظر و بی بدل بر افتا اولوق کرک

بدری

لبدری عیای عیسی خبر لکشی ایدوب	خسته جانم هر روزی شایه جواب اولوق کرک
بیگنا عاقل اولور مکده بتر غمزه سسی	هر خطلم شلیه عیون صوفا اولوق کرک
هر دیراه کم ایرش روی موندک اثر	طراغی مک صوکی آنک کلا اولوق کرک
حاصلی محبوبده کونکی مئناز اولوب	انجم اولر محبوب اولر افتا اولوق کرک
ای کولکلر صبر و قرار اولور می راه عشقه	هر نقده عاشقانه ای شایه اولوق کرک
عشق کز ذوق ایلدک بر لذه آشنای	دونه دونه غم تنور زده کباب اولوق کرک
مسکن کنج قدیم اولمعه کولکلر خانه سسی	دایما سنک حوادندن غراب اولوق کرک
قدر یلمه ننگ کور که ایر سو دیر و کونکی	شوقیله یوزک انقلده تراب اولوق کرک
منطقه کون کر بیان ایتک معانی کشی اولور	
ای اصولی هر کلا حکم بر کتاب اولوق کرک	
باغ شادینر دل ای بند غم باغک سنک	اویهر رحمتیم چو اغن سینده ده داغک سنک
داغ دردی بو وجود کوهی کاهه صیدی	خوش دویار دل کلنک محنته داغک سنک
کشتا کوی دلبر دلا ایرمه ای ششم	کم بوکلر ارا ایرمه لازم کلر ایرمک سنک
قور تلوب خاک قفسه ایرشور که کونینه	اولدر رای مرغ دل عالمده اوچماغک سنک
خوش بودار سن زهر قهر یلمه بلالرحمانی	ای اصولی چکیده بر که آباغک سنک
کوزک آیدین بنه ای دل که کلر کانا بانک	هواک اولمشیک غلغله کلر بنه جانک

ایستخیر خیر کمال اول مایه نذر بوی فغان دل	الک آویستی کو که بچشم خود بخواهنگ
ایستخیر وصالک بچند دل ارکان ابو	اشکله اگر یک جانله اولوس قربانک
کله تا جانک کم کتاب حسن و باجند	قوامی رونق ای دل بهارستان کوستان
محمد الله صفا بود یک جهانی کعبه کوردک	
اصولی کرم فرقه دیک زخم معیلاک	
تو غباری کل اهل در دلم یار اولوق استر	جفا یک عقید یار وفادار اولوق استر
بلا از دنا سده یوزک دوزمه ارط	جهان نه کنه مقصودین طلبکار اولوق استر
غم عقید بیار اول بلا اختیار ایل	اگر غول یار او کو کلو که تیمار اولوق استر
کو کلدن در دکل دوشا بو کای جمله ترک است	بنم دیوانه کو کلم کبی بیکار اولوق استر
صنوبر مانلی در دال علا شیری انجید	دلو کو کلم کبی سوا ی بازار اولوق استر
سوزن آتیم هر دیو که کل او کون اول دره	سیل غنق الطیر نه عی راولوق استر
بلا یک زهر لر بو کسید هر کز بر و برمه	
اصولی کبی بو سوزن خبر دار اولوق استر	
تو لقمه دیز دیو یوج جا کوی یاد ایلد	نیزه کوردک کویا بر بنده آزاد ایلد
یغیشید کو کل یار یک نه رحم ایلدک	ای غلیل حق بیلور بر کعبه بنیاد ایلدک
در دلا اولوشی مقور دم کله ارشاه عالم	لطف ایدوب بر اولوشک روح من بنه
مزرع جانرت کو کل بر حصه جمل خلدک	یوق هواده خرم عنی بر باد ایلدک

غم بیابانه

غم بیابانی مقام آنرک کای پیر عشق	بواصولی عجب وادی پیرش دایلدک
حالی تا عشق زار اولینجه بلدک	در دمی در ده گرفتار اولینجه بلدک
خار غیله یون بلا اولوبلدک چلدکلرین	سده بر سرو هوادار اولینجه بلدک
کوشه خنده بن کلوب حقیرک حالنی	صبیج دکر در دلم بیدار اولینجه بلدک
غره دنا کربلوس شهر و دیلایت یغیه	بو کو کل خنده خونکار اولینجه بلدک
عشق اولینجه ازل شوق دوقی دویدک	حالت منصوره بر دار اولینجه بلدک
عشق شهر زده ملا اهلنک شیدالغن	سده بی ناموش بی عار اولینجه بلدک
جای دیک بر بر اریولدانه معقول اولد	چاقم دلدار ایل یار اولینجه بلدک
طلوع دربارک اصولی بحر غفان اولدوغن	
سوزرک نولوشه هوادار اولینجه بلدک	
کوزم نیشاندی نه همت ایلک همت ایلک	دوشدم بلا دکر نه همت ایلک همت ایلک
جو خدی دلی کو کل جهوشدی در پاره دوزنی	غم دکر یی نیشاندی همت ایلک همت ایلک
بیتقد ریغمده پشدر سیل اولد کوز دکی یا	انکینه صالدم بولدا شلم همت ایلک همت ایلک
بو فو سوز کلم آلد دوزون بر لره خالدا	کو کل خنده قالدی همت ایلک همت ایلک
طغری یولنه وار انرقی دیدارنی کوزلر	هی مدد کو چیک ار نه همت ایلک همت ایلک
هی دیدلر قورقلر اوچلر عاف غایب اولان پیر	چاغرد وکم کوچک لر همت ایلک همت ایلک

خجند
ملک اشغ

عبدالکریم

آبرویم یارون اصولی مدد دلی اولدم دلی
آبریم محمد علی بهمت ایلمک بهمت ایلمک

ای یو یک طوبی و خاک شاکت سبیل
آئی و کون جمله ملک و ملک سبیل او قو
قائمه حسن تقوی و یاران صحیح
دیده دجوش ایلیم و موج اوشم کلیم
جانی ترک ایلیم اکه بوشهر شکر
یور باط کهنه سالک غم قلم قور
کعبه مقصود و یار ایلیم کوسری دو
یایل اولور شکره طوطی انجاسه کلاغ
ایا غلب طیر اغنه جانم قزاقانم سبیل
بارک اللہ زی جمال حسن حسن و جمیل
صورتک اللہ نور آتانه روشن دلیل
ات دمی قد غلت فی القلب من النقیل
قائمه بونده عادت و دیت ویر قنیل
دو قنور کون کوشنه آواز کوسر جمیل
هرکس بر مقصد و هر شخصه بر در کوسیل
لاغ صنفه یوزی الجنس الی الجنس یعیل

ایر کول قافله عشق ای حقایق قل شکار
ای اصولی دام ترویر و یار قال و قیل

بیر مهر یار ای دل سوسور و یار اول
ایر کبی آغوش و چشم قور کون کوسون
جانی یک سن قلم و سن محنته ای دلی
ای کول دیوانه سن ترک ایلیم جان و تنی
نیکه عشقه کیر ای آبدل دل تو کعبه
دایما ای خانه تباریک آنکله روشن اول
ای کال باغ الفتیک جهانده سن سن اول
دوبه فرس نار بهر آنکه کرسه آهین اول
سکایا شمع قضا و یار و یی پیر اهن اول
هی بیاد دیوانه سنی سندی جیهیت او دو

چون فنا اندی قبای عمری دست اجل
کردلر سکه غمندن آزاد او کین بو غمندن
اسب دولتمند خوشن خاک کوره شکون

ای کفن بن خسته مرغانه کل پیر اهن اول
ای کول کل کل صدر بنا و لال بهر کون
ای شه دورا کرک دارا کرک بهر اهن اول

یونلکی قونیلکی ترک ایلیم یون اول شکر
ایلمدنک اولمعه سحی ایت اصولی سن اول

کول کل کچ اولور مواد کل غر بنده کیده لم
کونم لم شام قونیا بی حد اللہ دینی دینی
ترک ایلیم یاری یولده نمی کوزمه حال حاله شام
قیالم یایل جانم یا شمر بو نیوب قانه
عبدلیم بیجا کورسن طلس غولر بودارسن
بود کیم دقندای او در دم او کوشی محنته قو
غم بطوطو جانده ننه عضو قالدی طینه
دوینجه کوردم فرقی حالم یایی در دم قی
کل کوره لم طغری یولی بر پیره دیدم لم یلی
اوچر قوشی بو یو دکن کل غر بنده کیده لم
قو بود قانز دنیا بی کل غر بنده کیده لم کل
کوز لود اقدوب شیمی کل غر بنده کیده لم کل
در داودنه پانه پانه کل غر بنده کیده لم کل
بروق قوشی نیندرن کل غر بنده کیده لم کل
بزی نونده هر کویو کل غر بنده کیده لم کل
کولر اکلمر بونده کل غر بنده کیده لم کل
چیکم زبون حق کل غر بنده کیده لم کل
بوند نیندرن اصول کل غر بنده کیده لم کل

بو کور و جسمی محواید و بر سر سج اولم
عالم ایتار ایدیم بر بحر بی پایان اولم

سج

ایلیوب جان نری چا هستند خلا
درین ایدم کشا کلید ملائک غنینه
چون مراب اولق مقرر طلسم کائنات
رحلت این جانم سلک طغر و قنیر
یا الهی مغفل مقصوده ایرکور رانی
ای طیب جان و دل عالمه در و واک
نامه عالمه خط چکلم وجودم نانه

بوجودم مصرینه یوسف کبی سلطان اولم
موقوفوب اوصاف حیوانیتی است اولم
باری یکدر شمع در شعله کینچ ابرو بران
بوسه فغانه غده بچون مهتاب اولم
چنه بر بودادی حیرته سرگردان اولم
نخاش لعلکم دارم بون طاب دریا اولم
بریدر کور دفتر عشا قده عنوا اولم

اره نوسه یولنه سینه عشق کومری
گردوشوب باد فغان خاکید یک است اولم

ای اصولی وصل اتندی نیم خدمت دکل
بکاسد کروارم شول عید ایچون قربا اولم

آرزوی وصل جانانه ایله جانانه بقیع
دار عقباوه بنی بودار ایدر کوسه اگر
یا الهی بول بیچاره مه بر دیده ویر
چشمی کل بصیرتله بجلایله کم
بر تو نور جمال کله بکابر شوق ویر
بنده کی کین قضا عتله غنی قل کم وارم

بر نظر کوسه یوزن ایکی جهانانه بقیع
دولت دیدار سرباغ جهانانه بقیع
کم رضا کی کوزلیم آبرق بیانانه بقیع
کنده نقصانم کورم عیب فلانانه بقیع
بولکه اینا ایدم بکابر جهانانه بقیع
کینغ غلظه یاتم میر زمانه بقیع

جوهر عشقه دارم نقدی حرف ایلانو
صدق نیت ویر که بودنای دوستکار نیک

بودنایا کونده سود و زیانه بقیع
مکنه آلدانیم کذب و میلانه بقیع

ایچ اصولی و شونیم عین انیقینده کدیده می
شک و طلق ترک ایدوب و بهم و کمانه بقیع

کوکلی اکلنجیه سی کندی مدد غلظه ملاک اولم
نه کسب کلام وارنه الله اختیارم وار
اگر کینه وارم رسم ایزی تونیزی کورم
بنی آدی غم بچو آلودر ده یوقی برور
ال عالم مدده عالمه بکابر بون بنده مانده
یننه بچو بلم بر بنجم وصاله ایرمدی بنجم
بر اولدی آغلم کولم بقیع اولدر نیم اولم
کوکلی کوبنه وارم رسم کوزم یوزنی کورم
کوکلی ایرمدی فغانم غلظه بقیع جانم

اولم
اولن آفت نری اوزندی مدد غلظه ملاک
دربارست قوام وار مدد غلظه ملاک اولم
وصاله بکابر ایرم مدد غلظه ملاک اولم
بنجه دویو بوکان مدد غلظه ملاک اولم
کوکلی غلظه کوزم غلظه مدد غلظه ملاک اولم
بکابر در اولد اکلنج مدد غلظه ملاک اولم
بنجیدم نیلیم بلم مدد غلظه ملاک اولم
بکابر بر هم ایرم مدد غلظه ملاک اولم
ایزشی دوللو سلطان مدد غلظه ملاک اولم

اصولی کندی اول ما یلم ایرشدی کوکله انیم
بکابر چاره اللهم مدد غلظه ملاک اولم

یا ازل اهل کلین کوز طراف دولدین
دو کوب حشر و شیل بغیر ظلونیا شیل

فلک بزد اوج المین بلم بر دودر سولم
ایله قنلویشیل بلم بر دودر سولم

قره طراق دوشمن قفسی او شمن
دینا کسیمی قالوریش خود باز کل
بر عیای دور آنجی جمله عالم جراتی

اصولی ترک اندی وارن قومدی اهل زارن

کم سیلور نیچ اولور یارن حاله بر مدد سورلم

کوکلم خوشی سنگ غالب هوای دلم
یاد یار یار دن باد صبا و پردی خبر
نولدی شمع آغلم دید کلر نیچ یارن دو کمر
بیج سوزی عاشق اولام محبت کیز لیم
نیچیمی انکار ایدرس عشق ای عاشق سنگ
حیف و شب ایلوم صالح عمل نزلن دریغ
کوکلم خوشی سنگ غالب هوای دلم
یا ائمه ناکهار قیامت اوردی دم
نولدی کوکلم کم ایل دیدر کجه اولور دلم
وارکن بودیده پر شک جهان مضطرب
عشق خودش بد عالمی تر نیچ و غم
کلدی قوندی اوتنه دو قدم آتی محشم

اول مکرتم نبض چون حقیقه تعظیم ایلدی

باری یکدر ایلسم ترک کنگم

ساقیا خولی قتال کتور خوش ایدرم
قللم جنگ چغانیل بر خوش خوش
هدم ناطقه منطق الطیر او قیدالم
مدد ایل بزه نول ندایی ساقی
برایک کون غم ایامی فراموش ایدرم
نیچ بر دوا عظم فسانه سنی خوش ایدرم
بلبلای لال قلوب طوطی خوش ایدرم
دل مجروح اولور شربتله خوش ایدرم

چاک ایدوب جامه سالومی و عیال اولم
صللم فقر و فنا کیکنه شهباز ولی
کسر ایدوب نفی جا ملکنی فتح ایلیم
فتی عاقل کچنور آنجی آیا بیر مغان
لا داشتی اوره کور بزم شراب ایچره کلو

شوقیله هد مقصودی درغوش ایدرم
نیچ بغضم کلکینه آوش اوش ایدرم
نیز داغی نامز کسم کسب اوش ایدرم
آلم عقلن اصولنک بهوش ایدرم
آلم عقلن اصولنک مدوش ایدرم

باشمی سیر روان اتم بنم بکجکرم
کوزمک حوی کنارنده یار کور و کس
سندن ایدرو اولیجی عالمه شوقم دو یلور
دیرن سن اکا شمدن کیم و جور ایلیم
بی ریابنده لمر جو یل اغلیم بری
کل یوزک کشنده قوشو کلور جا دین
بنی ایتدک برینه بغلم کم بری دکل
شیر خوشنوار درر کرک بلای سیلور
اوق کی طغر و اولاق قوندک فاشنی
یو کجه جان روان ایلنم صاشنی سن
قورک بلور فوج اتم سوزک کورنه
ایشی آه و فغا ایتیم بنم بکجکرم
دیدن آتی روان ایتیم بنم بکجکرم
بنی رسوای جهان ایتیم بنم بکجکرم
دیدک سوزی اتم ایتیم بنم بکجکرم
یوقا بره آراهه قا ایتیم بنم بکجکرم
باغ عیشی خزان ایتیم بنم بکجکرم
بر قوی عالمه قا ایتیم بنم بکجکرم
بکا اول بری پیا ایتیم بنم بکجکرم
دست جو یل کمان ایتیم بنم بکجکرم
کرم ایت بو یل کمان ایتیم بنم بکجکرم
یوقا بره بو یل زیا ایتیم بنم بکجکرم

کلو اول یار فراتیل تو فریزی دیش	کل اصولی بلا ایتیم بکیم	بکیم
برو کل جاک کوزنی عشقیل بینا قللم تاکه یوز کوسره اوصا تجلی قدیم طوطی ناطقه هند عدداک جفر و چونکه مردار در ما و منی کند و منی تا تعلق بوله سرشته تو خیده و آتش عشقیل پروانه بکی دوشلم طولو طولو صونم جام شراب عشقی	یار دیدارینی مهر شیده تماشا قللم کو کل آینه سخی پاک و مجلا قللم ینه مژات تجلی ایله کویا قللم جمله دن ال یویم لم بی من و بجا قللم ایکیلک کچلم واحد و یکتا قللم یار دیدارینه قوشونیا لم یا قللم بوا اصولی ینه واله و شیدا قللم	یار دیدارینی مهر شیده تماشا قللم کو کل آینه سخی پاک و مجلا قللم ینه مژات تجلی ایله کویا قللم جمله دن ال یویم لم بی من و بجا قللم ایکیلک کچلم واحد و یکتا قللم یار دیدارینه قوشونیا لم یا قللم بوا اصولی ینه واله و شیدا قللم
صورتک آینه نور خدا رسود غم یولک انیار قلعه نه جز ویدر جهنم کو کلر ایلکه غم یک غذای روحدر عشق در یانده به بندگی و کد و کفی ایشک طراغک مهر دخی آدم شیدا سن بنی ترسای قویوب غیری باره غموک اینجه برک یا کلو سودم دیدم	طلعتک انوار ذات مصطفی رسود غم آیاغک طراغنه جانلر خدا رسود غم کعبه کو یکله جا وریک صفادر غم سویلمک ممکن دکل جوقا جادر رسود غم کو یکله مهر کوسه سی بر کر بلا رسود غم کافو عشق اولدی اولدرک غادر رسود غم قائم قولک انشی دائم خطا رسود غم	طلعتک انوار ذات مصطفی رسود غم آیاغک طراغنه جانلر خدا رسود غم کعبه کو یکله جا وریک صفادر غم سویلمک ممکن دکل جوقا جادر رسود غم کو یکله مهر کوسه سی بر کر بلا رسود غم کافو عشق اولدی اولدرک غادر رسود غم قائم قولک انشی دائم خطا رسود غم

دلک

یا کلو سودم دیدم لطف ایدوب اولدور	کم قولک انشی خطا شک عطا رسود غم	کم قولک انشی خطا شک عطا رسود غم
لطف ایدوب انجمن سوکدم اصولی دیش	ای نه سوکک خسته جان اول دعا رسود غم	ای نه سوکک خسته جان اول دعا رسود غم
بر صورت نور در بر آفتابیم وار بنیم اولودم ارباب دولت ایچره قدریم وار بنیم ذره سن اظهار ایدرسم عالمی یا قویفر یدی مجری قطع به عیننه الم کوزلم کوز او جیلد باقدی دلدر بغیرم اوله غم کار	بر جلیل القدر برعالی بنام وار بنیم کم انشی ایتلرینه آتیم وار بنیم شول قدر شیمده آتدله قائم وار بنیم غرق ایدر دیارلی ایکی حبابیم وار بنیم بحکم ایلدی اصولی فتح بایم وار بنیم	بر جلیل القدر برعالی بنام وار بنیم کم انشی ایتلرینه آتیم وار بنیم شول قدر شیمده آتدله قائم وار بنیم غرق ایدر دیارلی ایکی حبابیم وار بنیم بحکم ایلدی اصولی فتح بایم وار بنیم
پیچ و شرمی بن کسیر در دینی دیا اولم دست اوراد انکله ای کلنک مهر خاریب سن حرم و صلیک عرض ایدر سن نامحرمه شریف و صلیک منک مهری حلا و توش و صل دور زده بکون بیلر نه ایدر دی مهر کس	غیر بر فغده بندک خالیکه یک اولم غنچه و ش قانلر یودم بلبل کی نالا اولم غم میا با نده بن محروم و کرکد اولم حسرتله بن ایر قلد بقوب جهر اولم ای اصولی بن کدوار ام مکر قران اولم	غیر بر فغده بندک خالیکه یک اولم غنچه و ش قانلر یودم بلبل کی نالا اولم غم میا با نده بن محروم و کرکد اولم حسرتله بن ایر قلد بقوب جهر اولم ای اصولی بن کدوار ام مکر قران اولم
کندم اما قالدی قیو کده دل و جانم بنیم عقل و صبر و جان قیو کده قالدی دوشم	جان و دلک قولک دوشلو سلطانم بنیم غم دکل در و غمکد چونکه یار انم بنیم	جان و دلک قولک دوشلو سلطانم بنیم غم دکل در و غمکد چونکه یار انم بنیم

دل

سندک انوردم دی حالی اعلام انکم چونکه سوکله دله ایماندر اولوردم	قنده ایک ایرشورسکاجو افتخاتم بنم اوم کم کفیه سیندن ایمانم بنم
داغ عشق اوروب جاحته راحت اندی حالی عاقبت بودر اصولی اولدی درانم بنم	
عشق اودنک شمع کبی دکر باشم بنم زهر قهر یل خلک طاس طولور ایچکم کنج غمده یاربام کوکلک اکلیم سی بن اولوب خاک اولیجی ارباب عشق بنم	آه کم اوکلدی بخرده کی باشم بنم بزم غمده کس اولدی ایقداشم بنم دردو محنت یولداشم غمدر قزداشم بنم کاسه اولمرسه عجبدر بوصف باشم بنم کنج محنت مکسم دردو بلا اشم بنم
بیغیر کوکلر کراه و ناله بنیاد ایلم بهر غمده اوندوردم کندوی غمکم کیدر انکر صبرم آندی بربردن زور حق شالی جسم لرزد ویران اولور باری آدوصانی ترک ایروب روحی عشق اوشم بوفتاک چو نکه آیر قنقد آفر عادی اطلس دهر وجودی کوکلی اولور طرا	دوشور عالم هرات بوله فریاد ایلم ای پری بیکر انکاشنی یاد ایلم باد آهمل بلا مجرزه بر باد ایلم دله کی کوه بلاد بربر اوداد ایلم بوجها ایچو کوکل بندلی بر باد ایلم باری اوان کندوی بجرانه معتاد ایلم ای اصولی یار شربطرز ایجاد ایلم

دولت

کل باغ جناسن همدم خار اوکم سلطانم یکیتن دکن نامرده طلبکار اوکم سلطانم اولور اولمز یلیده کل عوادار اوکم سلطانم قول ایندک جمله دندک طعکار اوکم سلطانم صقلا ناکا برنده کفرار اوکم سلطانم خجند غیری بر فرده وفادار اوکم سلطانم باز قدر لیل زاره دلازار اوکم سلطانم	یار شمرسکاکل غیار یله یار اوکم سلطانم باز لمر نقش مرده کم دوشنمر کوکل بو یک سروینه ابرو ال کال صوغون صلو بوسن زینا بر کشته هرغوغای سکای ماه تابنده یخ نور مر کشی بنده قتی غیث کرک ارده خوشلم دکن نامرده جمالک دوزنی کلزاره صقلا نوز ورمه
بکون نور آلهیس کوز لمر یازش ایلم اصولنیک بناییم جفاکار اوکم سلطانم	
جان و دلدن یارکم ای یار سندن دوشنم مدر عیله دار دنیا ده بنی منصو و طر آفتاک قبله کاهندن یوزم دوشنم شعیدی دیدم بللی آنق بلای شکر آنا عک طراغی یقین کویک بیک برده مؤمنم کراغی یقین کتاب حسنه بن اصولیم اگر یک کره سک باغی	تیغ محنته یوره کم یار سندن دوشنم بوغرمده اتلر بر داسندن دوشنم بیم بحق اشد مختار سندن دوشنم تا از لادن اشم قزار سندن دوشنم باشمی یار ارب غیار سندن دوشنم بعذارین لازم دکل تکرار سندن دوشنم ینه دله بودر کفرار سندن دوشنم

بجای خود بجا و در پیش
کرم زنده

چاک که روشن اولیده گویم رخ جانانه دن آدمد فرموده بود آفرده کوکل لطیف طبعی بود قدر را کی مفر فری ای صابانی صفین و شکرینی شالاک کیست و عشق او دینه بر منصف و جبریل فانی بود و بنام جوهرین سروده کنیزان دین دل و دیو یک روادرسیم بت پندیدیم داعنه دوله دنیا که کرم بوم شوهر	کوره م کون بر توین کور سو طوفیدر آنا آدمیک طشه آت کند و کی بوخ خانه دن جامل بد کومره یکد فرخا در دانه دن ساقلیک سیم بر دم کوشه کاشانه دن بز بوشمه یانچی پروانه نور پروانه دن بر عجبای کین پیدا اقلدی بو پروانه دن سور دیلرین کافوی شرک دیو بخانه دن نچیش مندر شکار افش کچو بولانه دن
استم زاهد دار و عشق جانانه بولون ناهریم کو یکی ایتمیه ناهرم طواف بلرم یارب یکمکی یوشک فدن کله عشقند خورده حالت دله زیر اشوقدر راک اوزه کوردم اغیم سلطانم بکا بیک نیاز یکم کل بن خاکدان یوزورن	تنگری ایچون صومیه مرانده فرقا بولون کدی آتوبدیده خونی بیابان بولون سیله ویردی دبدو یعقوب کتعا بولون کوتره پروانیه شمع شمعستان بولون بکلیک جای تو فرجه به سلمی بولون حضرت غلایه واررک قوام بولون

اوهو

ای اصولی عشقم مانع اولیر طعن قیب صبا ویردی نینه تازه خبر کو کلخا مردن دوشوب خاک منقلده بنور دل کینج خنده کوکلده تاج جانده تب دور ورم منتظر ایتم کوجم کیکه کند و ز غازیله نیاز ای احییم وارم ابرو جم یاسین دن توپا شهادتک نور افرجه نینه در لولیک شسته	بغلیتم خار و خض در بای عمان بولون نینه جان حیا ابودی نسیم نوهار مردن او ماه او جو رعنه نه پرواه و زار مردن اوش به کیم دیدیه یارب بنم بوانتظار مردن دوشوبک عشق در دینه او صندم کار و مار مردن اولورم بر دم ایو نسیم دل ایتد وار مردن اولورم بومر از لیه یقیر اولور مار مردن
کوکل در یاسی جو حیدر که کوزدن خوش ایدوب داشدی اصولی اسب حشر کم افر دایم بکار مردن	
بنم غم چونکه یار مدرتوبار اغیاره بار او انگاری سنجیده بکسلون قاتلک شکلی قیور لاکبکی قنوسیم چاک چاک اولوق یوره کم غنچه خوش خار و عکمل طیلوق اورر جور و جفا دشن بکا اوکل نکلک مردم عکملد کرجه خاک اولوق شکایت قلموز اکر سیه وشن قلم ایتده پایمال اولدم	بنی جو ریل یوغ ایت غیرم کند وار او افندی بودل شتاقه سند ما کار او سکا بوداغ ننه نام تو بار شکار او بکا ای کلن حجت نه باغ ونه بهار او کوک شیشه دله هزاران انگار او نه لازم کیم مبارکه خاطره بزود غبار او جهاد دور قیچه دوشن سرفدک باید ار او

ایک صیغه کتبه ایچون
فایده نکلک از حاج

آقو صوبه کبیر مردکی آبانک توزینه مایل	کوریکه تنگ سرون نیمه و قور اولسون
قور اولسون ای یکانی کل لطفانده شک کل کل	اصول کبی نابلیل اوکلشنده هزار اولسون
ای دل و جان ملکلی ظلیل و بران ایلدین	وی جفایین جلوب نحقیره قایلین
شاد و حرم سیرایوب غباریلدیر مکرکوشه	غم بویغنده بنی کریمان و نالان ایلدین
سرکوبی کوش اولدای هر ملیده نیمه قوش	سایه و عش افتاده بن خاکیلدیر کایلین
کنج غمه بیدل و بی یار ترک آیدک بی	ای اوزینه برنج نادان ایلان ایلدین
کومر نایب قلن سدر یکه اند	قطره قطره کوز نرم یاشنی عثمان ایلدین
بن ذلیکی سایه و عش خاکیلدیر کایلین	اوج غمده عشی سرخیل حویان ایلدین
خوانده ال صوغه زهر ماردای کندوشی	بوساقو خانه دهر اوجو هممان ایلدین
عید و صلیب جاویر جو قورن مولیدر ولی	جاننی بیک شوقیلدیر یونکده قور ایلدین
بو بوز کون جوشی اید طوفان عشق اولسون	کوز لومده موج اولد عثمان عشق اولسون
بشدن آینه کلام آتد و جسم کدی	صور نکرده آیت رحمان عشق اولسون
سوز کوزلرش بیز عشق صفا دور اولسون	حقم نکرده قور و لا دیوانه عشق اولسون
برسل میل بیتی آگاد که آتاین قورک	هر نفس جانیکدن لطفان عشق اولسون
کرچه ایق توزینوز او بوس مبارک القرن	آمار و کی معنی کم یارانه عشق اولسون

لغوی

عشق اولدین برو کندی لوند اولدی	بولد و غم کالک دیوانه عشق اولسون
عشق چو کاندده عشق شعلی بن مطوبه عشق	عالم ایچره بنده بویغنده عشق اولسون
یرلر و کولر کتور حدی امانت کینینی	منوش کتور دی بولدی و برانه عشق اولسون
روبه دنیا بی ایتمه اعتباره آلمدی ۴۴	ای اصول شول عشق اسلانه عشق اولسون
بیوشن بن ایشیکه کلوب کمر عید اولسون	بن اسکلی قوی او نچدک عرک مریز اولسون
بجوشن بوجا لیل کوزلرش ایمن شایم	یونکده جاویرلش تو اورا بن بیز اولسون
آیا شک طراغین کرکومر مقصود بلموش	بودر یار یار اولدنده وجودم ناید اولسون
قول اولدین غم عشقه ولایت شای اولسون	کرک بغداد شهر نده جنید و یانیز اولسون
ایچر کولنی بر طغلو دلیله یار اصولونک	کرک اندیشم باینده یچ یوز بیک کلیدر
حق چاک کلشن باد صرا ندن	خاکیا یک کومر نیاور نظر ندن
کریم بخلا دی کورک کوزیم او یوز اولسون	اول ایکی سحر ایکی سحر اولسون
حلت تندی در دلیله داغنا و جان دل	شول مبارک جسمی تابکده صقلون
خاکیا یک توتیا سنه دکه شاید کوزم	استرم اول کومری نوز بیز صقلون
اتمنم هرگز مبارک خاطر و غم خطور	حق تیغ جا پا کوی خطر ندن
کومر کاندن جسمیک جانلر در صدف	در بیض من سنی هر بیک کورن

غمره دن کافر کوزی یالک فجا آغش بینه	حق او بدستی اصولی شور و شوق
کورت کور من هرگز جالک بر صفا او	بخت یاک الله و نیکم هداک خدا او
ایک طراغ یا و زلف و صقل و	سکایه خواه اولدک باشنه بیک بلا او
دشمن کم بها بر سوزده جا ویر کور	قنی ترین بیورشن من سوز که جافا او
کوز مک پشی نیل اولد آفریم غم دکل هر	بها نیک بیکل مکنده لطف مصطفی او
دو نیمه تاجا الکی کورم دو تلو باشکون	آیا غلم طراغنی تو کوزیم توتیا او
بها صاع اول بود نیاده فقل کیم آرت	جفا و جور و خشنود اولورس بکا او
داغی بر کون خوب تکر سلامت و پروردگار	اصولیدن سکا هر دمه بیک بیک مر جفا او
جانم حق ایس اول غلت ایله نیک	ای کوکل نسانیک کی انکی نشناسدن
مهاک عالم قرشمه مر دیاک بسک	هرزه در جنبیت او حق کوشی ایجا
مروه حقین صفا بیورینی کور فرس	صوفیا آینه صاف ایلمر سک بسک
کس بولدی فلکده شش غلگ کن	واریوی اتمه مرادک نغنی بولک
ملک دنیا اصولی اله فلس احمد	معرفت کجمله تور تر جانکی افلاک
قالب و قالی	
الای نفس آتش جونه یا نوس جهانچو	چو آنک واری برود در نه بیکون

یوگ یارم اتمکد رطلب نفورینم دوش	یوزک صوبینی دوکش من ظالم نیم ایچون
دیمه ششم ایلیو خلقه فلا کیش فلان	جهنم او دنه یاغم فلان ابن فلان ایچون
بیور سرکش آفند دل و جا هدا فله	بلا الرتیر بیه تر شو بیور نام و ش ایچون
اصولی دینی دنیا به صدقین صدا که پیچ عاقل	
وررمی رایکا جاننی گنج شیا یکان ایچون	
عندک اوز که کوکلم برکس غمخوار اولسون	کوشه محنت بترکس بکایار اولسون
دوشدم اول بد کیشد آبرو سلیمان مرد	دو رخ همچو کافر کور قنار اولسون
قودی عقل و صبر و با حققت دیار دینی	کس بن بیدل کی غنبده ناچار اولسون
خار غده ناله فلک کی صدقین ارغند لیب	باد آه کند کل غنای آزار اولسون
قل اصولیه یکت عشق بازار نده کیم	هر کوا و ملک متاعنه خریدار اولسون
بنم سرو قبا بوشم قو خاک اولسون لکده	دلیدر دل بنم بر شمر بکایار اهن
نماش اتمک کوکلم هریم حسنکی مردم	بنم ایکی کوزم اچدر ایکی سوز ایکی کوز
کوکل سیر بهار یله اچیلور می که مانع ایچون	کوزمه خار و غنچه در جاکل کل و کون
بنجه شرح ایلمو دلکری کوز لکری کوز	الهی صقلین آغنی یا و کوز یا و زلد
بها حسنکی کور و جهان ناز و از کلشن	
دلور دیوانه اولشن من اصولی وار دکن	

بکایار و کوز و زلد

توبه بنی امی سو و روان قنده کیدرس	تورخی سخی بواآه و فغان قنده کیدرس
ای سو و روان کوبه که چشمه آب کیدرس	غلیو یکی شک روان قنده کیدرس
یا مال پانغم اولاد دله رحم ایت	صبر ایله لایث جه قنده کیدرس
دیگر کسنی بکلیه هم چاس اولوبه	اولدر مدین ارفول پلان قنده کیدرس
دخسته اصولی یته یستر غن	بناست قیوب اروح رواقنده کیدرس
دوشی چرخ فانوسی سوار نار آیمد	مردم شعی او یاغز مدد بخت سیاهد
قره جقم او یاغدی دریاغواوده بودم	اگرچه او یکر کیم کیم لراه و طاهد
اسیر مدین آتی اولدرم یارین کوی	بیز اولوبه بودیر لک افندم باد آیمد
مغبله غم دلبر صفادرم و حقیقون	باشم کت یوزم دوندرم بن قبله کیمد
طلوع ایتمز شامده اصولی کوبک طلوع	بریدر اولدره یاسه فلکلر دود آیمد
راز غنی حقلو دیدار فردا استین	کوی یاری بکلیش فردوس اعلایین
دو رخ باغرا سوزا ایچره یا برنج کون	ای اوزینه جنت آلی واده ما و استین
سیر معنی آرزو ایدر قوسون تن ملکنی	یعنی اوزک عالمه دوشون تماش استین
ظلمت ترک کدورتون صفا و قریبکم	آینک صا ایل ای نور تجمل استین
اهل دردا و اهل اهل دردا و اهل اهل دردا	ای اصولیست سوا آن ایدر دست استین

فراده

بوراه بلا سکنه یار اولیمز سن	در داهله سن یار وفادار اولیمز سن
سن اهل دیک اولمزیک کلک حقیری	چون صبر دکن در دیله بیدار اولیمز سن
فهر از درینک کانه دخی صوفیه	کنجیمه اسراره طلبکار اولیمز سن
جسمکی بلا طایله یغز ایک اگر	یا پانغمه کولک ملکنی معیار اولیمز سن
اولمزیک اصولی کبی کروالم و حیران	بونیگه ده سن واقف اسرار اولیمز سن
داغ اولور دله شکست کیمه لره مهابدن	او دیار بشمده سنم مر عالمقایدن
دوشی عشق کیمه یونیک کوراینه فلک	دونه دونه کندوزن تور یاریم کورایدن
تاشلرک طاقق اگر یار ایتسه مسجده امام	قبله حق ارضم یوز دوندور رجایدن
خار غمه باور ریلدله لاله لالم روح	یار اشلر اول کفن برک کل سپرایدن
صوفی صافی مشرب اولوب بله اغزی دادنی	منیع ایدر میدی اصولی شراب نابدن
غمکدر کولم اکلنم کیده لم باری شکرک	دم اولمز کیم یوکس یاغز کیده لم باری شکرک
بووونم دیدیلر حقد کوز لمرده و فانیو	غریبک قدری ایققد کیده لم باری شکرک
صفا ده غیر لکسن بلالو ایچره قالم بون	اولوم یکدر بودیو کیده لم باری شکرک
دل جانی با اولدر غمکله یاچال اولدی	چون اکلنک محال اولدر کیده لم باری شکرک

طبله نظیره بنا ایستاده ایستاده کون کون	سنی قومک کنا ایستاده کیده لم باری شهر کون
دل انور سحر ایستاده سحر جاده ماهر ایستاده	وفا کون کافرا ایستاده کیده لم باری شهر کون
اصولیدن کوکل آدرک دونوبن بر لره چالدرک	
چو بیزی فرقه صالدرک کیده لم باری شهر کون	
بره قیا قیا بقن قورمین سنی قورمین	چشتی یوره کم بقن قورمین سنی قورمین
بهری کونلرک جانی عاشقک دین آیتا	یونلک و بره جانی قورمین سنی قورمین
صوتلرکی آقینه آهیم اودن جقمین	محلکی بقینه قورمین سنی قورمین
ترک انیدم با و جها یقده کون انید	یونلک غریب کون دینی قورمین سنی قورمین
اولوم یلکری کیمز عمر کیندی کیمز	اجل لشکری جقمین قورمین سنی قورمین
چشمه یل یل کیم یلم عشق یولنده طراقی	مکر ایل کلام اولم قورمین سنی قورمین
اصولای آبریز سنده بیج تن آبریلور جاندن	
یعنی تمنا غیل بندن قورمین سنی قورمین	
اگر غم غم کون سنده اولور سنده اولور	اولورین
کل کیم قیم بوجانه یاز قدر کیم کل قانه	ارغده فرقت کون سنده اولور سنده اولور
یانه کل شغقت ایل قومه بی فرقت ایل	کیم قانر زمانه سنده اولور سنده اولور
قیمت کیم سلطاتم دو کیم قره بره قانم	قورقم بوش ایل سنده اولور سنده اولور
اصولای آیدر بود سوزم درد کون سوزم	دنادر بونه قانم سنده اولور سنده اولور
	قانا غل سوزم کون سنده اولور سنده اولور

باز

بیرمک یولی حق یولیدر	دوغرم یند دونین بیرمک
مؤنک ازلدن قولی یلیدر	دوغرم یند دونین بیرمک
سردن کچن ایستاده یولور	منکر لر ازلدن کیلور کور
یند بیک بانی چاقوب بنر حده	دوغرم بیرمک
ازنلرک زخمی جانم مرهمدر	شیمد کیر داولور ستم نمد
چونک بیرمک ایشکی یلیدر	دوغرم بیرمک
بیرمک غمی چو دوغری یولور	استیلا کشتی حقه الا در
حق انکلم هر نفده ملادر	دوغرم بیرمک
کوکله ده چرک اولایر دین	حقیق صفاتی بیرمکده بولور
بیری اولما نلور کون یولور	دوغرم بیرمک
بنم کوکلم بر دیوانه دلیدر	جاولد ازلرک قولیدر
بنم بیرم محمد و علی در	دوغرم بیرمک
حقیقت بیرمک آل عبا	حقیق ین جانلرده صفات
بنم بیرم شمشید کولور	دوغرم بیرمک
زین العابدینر کوکله	محمد باقره باقر بوجانم
جعفر صادق درینم ایانم	دوغرم بیرمک

کافه بزه بر نغمه خداداد	راضی در حق علی موسی الزهاد
محبته نقییه قالو ابلاد	دوغزون پیر مرد
نقی حقدن امام پیشوادر	عسکری دشمنه شیخ قضا در
محمد مهدی خود ستر خداداد	دوغزون پیر مرد
اصولیم حق قبوسنه کلام	جان و دلک از ترک قوی اولدم
پیر لر از شکنده چو حق بولدم	دوغزون پیر مرد

جام لعلکرم دادم جامه خوش ایلین	قانه قانه قانیه بدنگه نوش ایلین
ای ای جان یار اقلردن لب عیش	شوقیه جان اولوالایا به نوش ایلین
کاسه سربلرل پیمان خاک اولدر کل	هی نوزله مهر و پیکر فراموش ایلین
هر نه یوزدن کور لک دیدار دلموز	بنا کوزینه پرده بندار رو نوش ایلین

ای اصولی لطفی قهر ایچره قلش تعجیبه	نور صبی غلغله شام بهم آغوش ایلین
یوری از نامه بزدن شول نه خوبانه عشق	کریغی مصطفایه اول کورک طمانه عشق ایل
یا توب قیل صفورنده کورک کوشکلر	بوییم پروانه د اول شمع یانه یانه عشق ایل
دویمه ایرواق خارینه دیوزار بلقلقل	بلالو بلبلندک اول کل خنده عشق ایل
سوز شیطا ملحو قبوله ایوب شکینه	بنی مردود اید اول مظهر رحمان عشق ایل

مبارک

مبارک ائلاک او بول آیقلمینه یوز کس	اشیکلی ائلرینه یعنی کم یارانه عشق ایل
هریم یاره وارکن اگر وادی حیرت	بولورک واله و حیرانه عشق ایل
بوز اورب سینه چاک سینک چاکنی شرح ایل	هم احمد بالیه بالکدر ویشانه عشق ایل
اگر نغمه محسنه نه در حالی دیوب برکون	صورت بر بقولن سید احمد دیوانه عشق
کوز آتوب صورت رحمان صاف بر نظر قلون	سجود ایت بزدن اول صفورنده غیطان
آبردی پیر کنعا کون جان عزیز ندن	عجب مکار این بوخی دفن او غلانه عشق
عجب بی یار و بی بدم یاتو محنت بوجا	اصول دور دندک حالی صورانه عشق ایل

فرقت ایا منده باری یاری کورسم کاه کا	شول کورکل اکلیم سدی لاری کورسم کاه کا
مکن اولموز کم آتای تو زینه یوزم موم	باری خول سیر ایتدی بولگری کورسم کاه کا
بوقره ختم کبی او یحیه وارسم کوزرم	طلعت باری دوشمه یاری کورسم کاه کا
لشکر عین شکایت ایلر دم کسبه	ذولکله شول کوزل خوشکاری کورسم کاه کا
ایندرک کویکده یاران قدیمدر بنم	اکلنردی بولکول ائلری کورسم کاه کا
کوشه محسنه دلخی خسته یاتوش غیب	حالی صورسم دل بیماری کورسم کاه کا

غریه می بر تیری بیکه جانم صنادردی کورکله	ای اصولی باری اول بازاری کورسم کاه کا
بزه بوغشده اکلیم بر یار اولم	یار بیکه بیک بولور یار وفادار اولم

حیرتی

زیر پتربیک کتیشم وارده	حاصلی حق دلو کو حکم کنی بیکار اوله
یل کنی یلک فربوطه قرار ایلک	اوده بر سر و هوا بخشه هوا دار اوله
کونورونک یله بملیه آقیون غمی	کچلر صبحی دکن در دیله بیدار اوله
چونکه یار اولدی اصولی قولکم سلطانم	غم دکل جمل جمل طپطلو آغشار اوله
نجه یل یلدم هوا یه زلفی غیر سایل	عمری آفریل و ردم قور و سودا ایل
اولورنک یارک بکوشه بکوشه	آه ای بد مهر اولور دکن بزی خود ایل
آه وواه ایلورنک اولی مهر کنی کوردم	ای دریغایکدی عموک کونی ایوا ایل
آه آتشی بار در کوکلر یوزینه راه ایل	زاهد ایشی بکوشه وارم قور و هوئی قایل
دولت سرمد اصولی معرفت کجنده در	
کجه بود نیاید ده اوکاشدر در دنیا ایل	
ای لیلای فقر یل فوایلید عریان دده	تا به وقت عالم بشی المکین سلطان دده
وسعت کلی یو اوب انکار کنی هر ترک	قولغنه قومیب دریا اولی عیاش دده
اشغالی نیم وشت قلم ذات و صفات	در بحر معرفت دریای بی پایا دده
اولیش ایدک جهل ایل آب حیات نقطه دل	بر نغده فیض روح اندک بزه دده
عالمک ویرانه سن علمیه معور ایلک	آفریند اگنت کتک کوه مرینه کاه دده
فاقر آن معصوم قلبنده تحویر ایلین	حققله باطل اراکین فرق ایدک فرق دده

عالم

نکلت خطت اچره بتردی اصولی راهنی	نکلت اندرس دلیل اول آگاه بی برهان
بروکل جاکو زینی آج عالمی سیران ایل	خلقه رحمت یغورن صبا کج کلکی بران ایل
دیدم برور آجش رکله خبر کویله بارکن	شول برانیم سیرانک بزی ندر جبران ایل
سوز آج کون مکانک بزه بر خبر و جانک	یوسفی جعفر نراندن مهر الینه سلطان ایل
جهان دن کجک اترک حور یار فوجی اترک	کوکله دره اوچق اترک اول تنکی جان ایل
کلمک اترک عهدنه ایچ قانکی قانک قان	عشق اودینه یانه یانه جاکر کج بران ایل
عشق معشوقا آتور عشوق عشقیله ملنور	در داو له در مان بولنور هماره در مان
یارک جمالی کورک ایا غنه یوزک سورک	
اصولی بیلرله ابرک وار جانکی قران ایل	
اول بزدن سنی اورکن جمل انبی کورن	صد قیلد پیغمبر قولک مقصودنی ویرن
سنگ قولک حرم جاسکاشینج ایدر	کوزلر د او بون نه کولکله کیرن
هر کشی بو حال بیلور کنی طوطی کوی اولور	جهان خلقه کیدر کلور عیج کلیمور دورن
کیمنه دت ویروب کیمنه نعت ویروب	بر قولنه لعت ویروب در کانه سورن
کوکله جمل دن یکم هم افندم سن هم یکم	
اصولی ایدر تنکم سندن ایمان قران اند	
کلش کویدر اکلیم دل نالانم	
دایم اوچق خوش کلور و طبع لطیف الحانه	

جانی
بیار در عالم اچره کاشک
کجه بکیم کیمینه ایلک

یا مکندی جاودل رختی و رحمت قالدی	آتش آوردی عشق سلطه جو خانما نم
آلوی لطافتی دریای ملامت شویلم کیم	یاد فنده آشنادانی کلیمز یا نم
پایه پایه ایلری تنی جامه تنی تیغ عشق	خار غم شیمد نیکو دست او امر دامنه
دوق وصلی اندم لمی ولی تیغ غمک	بر غدی روهدر لذت بخش جانم
در دلبز نیکو آلد باشم خودم بنم	در دس و بر طبیب اقدام ایدر
شکر غم بقدری دل ملکن اصولی یا سر	
قدرتم بوق حالی عرض ایلیم سلطانه	
اکلنیمز بودلو کوکلم بریل خانه ده	کونوز زن کوکله اولور کیم بریرانه ده
کعبه کوکله در انخی صفای کوکلمک	کوکلم اکلنیمز مسجد نه خود معانه ده
دار فرقه قودی کندلی دل و جان منی	ای دریغایانکر قالدیم بو محنت خانه ده
ایروپ هر جا خود روشن قلدور منی	پادشاهم اوغرایه برکوتی یرم ویرانه ده
عشق اودنه یاندی سرتاپا کوکل بر وانه	حالی پروانه وار اولمعه یانه یانه ده
کویک سنک نجلان نجه دیون کوکل	شععیله دو شمع طاقتی وار پروانه ده
کل نوز که کور اصولی شو قدر مجنون اولور	
حالت آرت نوبهار اولم لمی دیعانه ده	
الله عاشقی ملک جهانم یا دشا ایل	که یعنی بن کدی خاک راه مصطفی ایل
سجود اب الویته دل تو سوزده	چو بولد که قبلی کجین خاک کعب ایل

بکون بوخت تختانی بیلک بو طافوتانی	بن اوز که درده اوغرا دم ککلو بوندی قو
اگر سنک حوالتن صواب اولم بنیانی	بوسه تنوری جوش ایتدی قیاس و دیده دن
اگر تعجیل ایدوب دست چیل در غم دکانی	صبا کو خاک اولور سنک ایزی نوزنده اول
مزار الله بوسه بنانک کیم اولور بونده	سرکونیه بن خاکی چکر جا بریکا کوکل
وارلر کونوزده بیکه کوره اورسک بره پیشی	بویاد الله ده چو یوقدر کوکل اکلنیمز
که چکر کنت نوحه کینر لر خوف طوفانی	دملکن نزم عشق فک
بوظلم طبیعته ابرسک آب حیوانی	اصولی شعون اوقی
فولوا زاتم کند که صقید غول بیابانی	آجلو عاشق کوکل بهار بوستا ابحره
که رسملر زو ایلر بوزالک غدر و درختانی	مقام شقه بوم قرار انمزد زامید
صد که قوه لاهول بازوی شیطان	نجه مجنون نجه واقع بشته برقه کلکیم
کماله قابل اولمزا نوبولمزه نفصانی	دکا ابحره کوروب بن ذاباکی در صرا
انوب بر لره عرض ایتدی خدایا یا جان	ننه کم بر سنک غمک کوزل بو قدر عالیه
دلعلی شوق و حال قدر	
بدرینه کندویه بو طانی	
قدری ایدر انوار ای نور مصور عالمی	غرق ایدر انوار ای نور مصور عالمی
حق محبت بلبلان یارانه ویرم کوکلکی	جای ویره انفاس عیسی کبی مرده لره
اصلی بوقدر کویک بالانه ویرم کوکلکی	سویله جاسرین ارا کامل ننه منکر

یافتندی جاود دل رقی و رحمت قالدی
آلود اطرافی دریای هلاکت غولیم
پاره ابله‌ی تن جامه تنی تنغ عشق
ذوق وصلی اندم بلیم ولی تنغ غم
در دل بر زخمی اندم خوشتر نیم

شکر غم بقدری دل املو اول غم
قدر تم بوق حالی ع الله او کاه کار

جبالده عیان اولی کمالی صنع بزدانی
حقیقت کافری مطلقه ریودیع و اما
کز نلر چوین ماچینی کوز ملک صفها
کلیم الله موسی که یک نشد در رحمان
آنی بی در داو لایم که بلز فر زغر آن
بودر که بود در او ملکه اوز که دخی

کل نور که کور اصولا و لاروضه سعادی
حالت آرتونهار اولف بوکستانی

تمشا ایلیم شیاوه جمال صنع بزدانی
زمینک باغی و باغی سماک مهر و یوانی

الله عاشقی ملک جهان پادشاه ایل
سجود است اولیمه دل قوتوز زهد و

شهنشاه دو عالم کونکون زینت اولمدر
نه زینت اقدار و لوقه وجود پیچ تصویر
کوز لاکلنی در بازار دهر کس و دود آبی
کوکل کم طور سینا در تجلی معدنیر بو
هریم طاش غنچه قدم قلزم یک باشک
نخاسته کرم مواج بلا دیریه تسلیم
ایرش بکامل نهان که یعنی حفر شد قل
ار سن کعبه مقصوده راهن جابله اوز
ار یک احتیاط ایلیم مجوز دهرک اندک
علی کوی حقیقت مالک اولدک ملک الله
نقر لسانک راهم حقیقتده ترقیدر
اولوبه دانم فیض کستانخ آدم درویش

بکون بوخت تختانی بیلد بوک فغانی
اگر ننگ حواشون حراب اولم بنیانی
اگر تعجیل ایدو دست مهمل در غم دکانی
مزار ارق بوسه سناکم ایلیم اولور بونده
وار لمر کونده بیک کوه اورر یک پره
که چکیز که نوحه کیز لمر خوف طوفانی
بوظل طایفه ابرسک آب حیوانی
خولا و زانم کند که صقین غول بیابانی
که شغل زبوا ایلیموز الک غور و ستانی
صدک قوه لاهولله بازو شیطانخی
کماله قابل اولمز ما نوب بوکوس نقصانی
انوب بر لره عرض آیدی خدا نه با ما جانی

اصولی عشق تحقیقک دلیل خوف و حال قدر
که مهر که کند و یوزیدرینه کند و یه بر تانی

قدری بلز دلوا و علان و برمه کوکلکی
حق صحبت بلیم یارانه و برمه کوکلکی
اصلی بو قدر که حکم بالانه و برمه کوکلکی

عاقبتک ای کوکل نادانه و برمه کوکلکی
بیوفار بولنه ترک ایلدک جانم و تنی
کر کوکوس بوز که صقین اینانم سوزینه

کلن فردوس کل ای بلبل فردوس نفس	هر نوز کلن کل خندان و پر مه کو کلکی
خله اولین کوزل صا صورت دیوار	ار اصولی هر تن بی جان و پر مه کو کلکی
باشمق سنک کاشک ای بیوفا یاری	و پیو چونک بوشد قیاس او لقا حد یاری
صلو دریا بجزان بزی یاد اند بر دم	نولدی اولیا بی سنک اشتنا باری
کوز اول جایی کو کل کی بند چشم	دو پیو بوزی کورم سنک ار لقا باری
نه غم بختا بیله وار رس تن بخاکی	محمد الله جل کفر باشد بو یو باری
چو شدک بویلم کرد آیه کت کوز یار	جهان طبلو اولو کو کل بو جاب باری
قتنه بر کون آه ایتدم کنا ایتدم خطا	صوم عفو الیوب قشقا مصطفای باری
کو کل ره قنده آینه قالی سلطانم	ایره که کوز او جیل ایا قدن جباب باری
ایا غمک بوز او را غه الی ابرو اصولنیک	
کوزل باشکون اولو ایشکله فدا باری	
دو ستم دوشمن بیله بار صفت سن بنی	ار در یغیا کن غیا صفت سن بنی
هر وفا نرین و نام ده میل ایلر دیو	طالب هر غیبه بازار صفت سن بنی
بزم غده آغلیو باشلد و کورم دون	شیم کیم سن کلر او نیا صفت سن بنی
عاشق دیراکم هر حقیقه دل و بر فرم	پاکباز عشق ایکن مرد صفت سن بنی
عاشق دیوانه یم پیچ بند و کم بلرم	من غم سن دانی بنیا صفت سن بنی

بن اصولی

بن اصولی یم که دور دم خدنه بل بغلیو	سن طریق عشقه بیکار صفت سن بنی
کوز بر مدن قد و بونی ابرو غ ایلدی	فتلو باشی یم اول سر و راغ ایلدی
طور دله سنک انواری بجلی کور سوب	بند یم درویش طاع او سنی باغ ایلدی
کلن دنیا به کور و چانه بقدر وحی	قوشیم جانم جانی کو که اجماع ایلدی
محمد لکم کل مقصوده ایردک عاقبت	کوی محضه بزی غم کر چه طراغ ایلدی
کوی دلبر ده اصولی اولوی و بولدی صبا	
محمد لک اولدی یم پیرینی او جماع ایلدی	
کورم اول نور پاک کعبه ده دیرانی	نار ایم اولره یا قدر و دیوارنی
عکس رکله ای کل چشم ازنی شک	جنتک کور سدی تجری تختها الانهارنی
سنک مرآتی مرآت انجوه برش کور سر	تا اولو انبار هر نوز کوره دیرانی
بیخود اولنره صولدی بو جلد قریح	دویدی خول حیر اولن بونیک سرانی
سودی مو دانی غوغا در آنک سر	کرم کورک خواجم الدنجه بازارنی
سیرامه بو عشق آوازه سکدن فرار	عار اول یم صانع سنک انکارنی
کل کورم سنک عالمه بار منتقا	چکل کل فر و ارضو سنک فر و ارنی
تصویر غیره فله محل قلب اقدس	
اصنام سن ایل بیت المقدسی	

پرواز ایدری عالم علویده مرغ روح	هر صغیه که میل اید به نفس گویی
جایدی باره خانه دل بانی قضا	یا پامیشدی داخی بو طاق مفرسی
آواره ایدم عشقه خیاط کون فلک	پر دشت قلمش دی داخی پیرخ اطلسی
روز از لدن عشقه جانده درج ایدر	اتش محیط قلم عثمانه بر خسی
آیات حق صغیه آفاقدہ اقور	نفس نغیک انفک اولور انغی
کسمینا نیک نظرینی اصولیدن	کیم یوق او بی ک داخی عالمه کسمی
کیم لم آرقیه بر کفنه شالی	یور و یلم تھ انده لاؤالی
قلندر مشرب اول ای دل به هاش	کتورمه پوره صاق قیل وقالی
پوزیکه بکلر و کم بکره درلر	کوزلر جنت ایچنده بلالی
اولیک ایشیکلره باشم اولم	محلک اینک باری سغالی
آیاغک طراغدن دنیا به ویرمز	اصولنیک اودر مالی منالی
کوکل کوردی بنه اول خوب ذاتی	که کور کشنیک کیدر حیاتی
مکروچ مصور در وجودی	که کور عدم بشوده بو صفاتی
بولیمز کون کبی مثلی تھ انده	اررک دژه ذره کائینا
یورنزه نسیم در نوروز یلم عید	صحنه ندر شب قدرک براتے

اصولی

اصولی و مجیدر اول نور جوانک	بور و هم راحتنی جانم حیاستے
دیدی کعبه کو یکده بکون قان اولدی	عاشقک وار ب بزی بنه قربان اولدی
برده قانزاریشور کوی مراده برکون	راه عشق ایچره شوکم خاکیلر یک اولدی
جان ویرن وصلت جانانه ایرشور درلر	محمدلر که بنه ایشمز آسان اولدی
یار او که که یوزنزه حکم باقه دیو	بنه کونیلور لک بکری زعفران اولدی
بواصولی آیاغک طراغنه قول اولش	ملک عشق ایچره باشنده بنه سلطان اولدی
کوکلم انوب خاکیلر یک ایدن سن بنی	کجی دل و بی جرو بی دریا ایدن سن بنی
جو ریله مردم بلاییلر کتوب باشم	خانه صبرم کبی ویران ایدن سن بنی
کعبه وصلک هر عینده دلی محروم ایدوب	غم بیابانده سرگردان ایدن سن بنی
بنیغ محنتله دلو کو کل صدا چاکه ایدوب	بزم عده کبی نالان ایدن سن بنی
کوشم عده اصولی بنده کی تنها حق	محنت و درد و غم یاران ایدن سن بنی
دو عالم همدم سکیان ایدر کوز عده که	قنی هر هم که اوکلر بنم بغر عده که
بلا جندی در ملک دلی غاشق فلا مردم	قره بغر عده کی باشلر درر ایکن بلا
فراق ایچره هلاک اولدم صالنه ناگایتم	دوینجه کورم کوزم نیمی اناوشی

فتی طالع که بنام بنم دولت قونه عرم دکلم بنام او بنم اول یک اشیک ط	عم جانی صقله دکه ره عشق ایچره جان کیه اصولی آفرین اولو کوز تک یولده یولدا
بر کوکل تیر بلا بیجانفی هر ما کبی پیچ کوز آید فر بنام طوفانه دوری قلو بنام سیل اولو آفری باکلر بنم خاک پاک کوهرین دنیار ویر بر دوم راکی آل آره می برده لیاغی نوز یوز قامتک طوبا لیک کوتر سوزک معین اکیکک یوزده جبه بری بد محبوس بنم بر یوز دانی کوتر دکه یوز شک	طوقلو قلو نوش ایدر غم بنم جلو کبی کوهلره دورم چکلور ایم اژر ما کبی چایور کون دندوی و جوش ایلر با کبی کور عدم صلب نظر بودیده بینا کبی واریب بر سر و قدک قامت بالا کبی کونک اچوری جنایم جنت آلا واکبی آه کم هر جای من مهر جبه آرا کبی ایلی یوز لو اولم هی ایلی کوزم دنیا کبی
ا بر و ش چشم اصولی نیمه کریان اولو کاغلا و غنیم کلر اول کل کل رعنا کبی جان و کوکل اعلی سیم جانی کور می دل مکنه حکم ایدر سطلانی کور می عرم اولوب اول سرور امانی کور می اولو لایمی یعنی که یارانی کور می	یارب بنم اولم دن اول جان کور می قلعه شکایت آکا بجز آن ستمدن بو ایلد و غم طول امل رکت خلا می چرکن یوز می ایتدی این بنم سوز می

کون ایلر

بر آن ایدی وصلت کونی و کبی اولی بر دخی اصولی عجب اول آتی کور می	جان اول اولر عشق کونک کدا جعی دو کون توقانی بره کم تیر غره سی ایزی تون کتوردی حببا اردن آرمغا اولر سوز خوش خرامه وار کوز لر می
کل ای کوز لک بکی و پادش جعی یوز بیک بنم کبی شیک خون با جعی ایلی کوزک کبی صقیل اول تویا جعی عرض ایت اینی نوز بنم بو ما جعی	چاق جانن المینه قوما دکه اصولنیک الکد که قلدی تیر ترک بیتقر جعی آه کیم اول بیوفا کندی بکایا اولمدا کل عذاب اینیم جیم بهمه صلی بنده در دیل نیج یارل کون یوز کیم سینه بر تیر بزدن ار کل رعنا که باغ دهره
در دو غم دن اوز که برک بکایا اولمدا پادشاه منی سودیه کن کار اولمدا پاره پاره اولمینی یاره یارار اولمدا عند لب زار دن کلزار نیزار اولمدا	بی خبر یانور تب غده اصولی در دند ای در یخا که حال دکن خبر دار اولمدا اول کید لک داخی برینه بوجانم کلدی ای در یخا داخی اول آرام جانم کلدی آه اولک سرفشته آفر زانم کلدی
خمدن اولدم هی مدد روح روان کلدی قلدی صبری دلک آرای کندی جانم کلدی باشم تو بدی قیامت کلدر بیک دور لولا	اول کید لک داخی برینه بوجانم کلدی ای در یخا داخی اول آرام جانم کلدی آه اولک سرفشته آفر زانم کلدی

اولدم اوغلام و قوجلدیم بویلم کورم	کلدی صیفا بیر تک اول نوجوانم کلدی
بوتنه جانانه تیر بلا دورمز کلور	ای اصولی کریمه اول نغشی کحانه کلدی
بربری قلدی بنه عاق و دیوانه بنی	بنه برکنج نهان ایلدی ویرانه بنی
طلعتی خوب قوشکل و شما یازمقو	لیک چران ایدر اول طور غریبانه بنی
شول ایکی مت و کیم کار کوزک فتنه	ایلدی معتکف کورنه معنیانه بنی
دوشدای باز اربابه نیه مت و دراب	ایتدی عالم لره بدنام بودیوانه بنی
حور لکم سورینو کلدیم اصولی قیویه	
بیم اولم ایر کوره دیدار سلیمان بنی	
صاف قلدک کول ایتنه آتیک	کورینور نوز ازل آتده مهتابیک
مرکز خاکه سن دایره قلنکده	فدک اطوارنی سیر ایلر سطرلابیک
قور تروب جانکی طلایه چولاندک	نوز در عالم خورشید جهاتیک
ایلر تک سیراب سیراب دنیا	کورینور شنبه کریمه که سر آتیک
خواب خوش نیمه کلور چشمک اوش اوش	بوشنوب آق ای ایشل کمری طلابیک
اولا بلده باغ و چو دک بویرنج	آقیدر کورینخی اوستکم دولابیک
خوشه جشمکی آرایش ایدر برنج کول	قائمی بره قار صکره می ناسیک
بودرنت کهن انجالی برک قودی	فتی دوشمه آنک اوتنه لبلابیک

الاصول

آل صور بنجیسی اچره شو معانی لیل	قشری طرح ایلر و ترکیب اولوالالبانیک
شیع مجرعارف قل اصولی قلبی	کم دنگ آجیات آقیده مینر اکی
چک بلاغت قلبی سوزده کم هر سنگ	آمین قلبنه تاثیر ایدر تیر اکی
صاف قیل سینه کی کم اوچه غنادن کورنه	
دلده انوار خدا آتده مهتاب کبی	
بی نهایت مجوه و دندی کنه ذاتم وحدتی	مجمع البونی غرق ایتدی صفاتم وحدتی
لاجهند نظم حکم کنه ذاتم وحدتی	هر کمالانی محیط اولدی صفاتم وحدتی
لا تعجدر اگریمه کنه ذاتم وحدتی	کثرتی عیانی کشف ایلر صفاتم وحدتی
کشف سبحا و جلال ایکس ذاتم وحدتی	کثرت هندای محو ایلر صفاتم وحدتی
کنت کثرک کورمیدر کنه ذاتم وحدتی	در بینایی عیال ایلر صفاتم وحدتی
چون محیط لاجهندر کنه ذاتم وحدتی	
بی نهایتر ظهیر نورنده صفاتم وحدتی	
تمام شد دیوان اصولی بعون الله الملک الباری از دست حقیر الفقیر	
المؤذن درویش عیسی ابن کمال الدین خواجہ عن مدینه ارکری کسری	
غفر الله ذنوبهما و حسن عواقبهما فی الدارین آمین بحرم محمد وآله الطیبین	

۲۸

کم دعا ایلم کثر شمشیر و فلک صافیدین
ایکی عالمده باریت ایلر دلشاده
خدا یار عیسی ابن کمال الدین
دعا یار عیسی ابن کمال الدین

کفنه نظیر القاضی در مدح ارکری
فخر ابر محل دگش در ارکری
صفا آور مقام جانقر در ارکری

بوسه خوب عطار اما لبی دل آرد
نذکو خانه وصفی است سواد ارکری

ادیب و کامل جوهر تعصب آنره هیچ بود
محصل یک کوزل جای صفا در ارکری

معارف اهلیدر آنر بیور لم معرفت قدرین
محبت صاحب و شیرین اودار ارکری

چرخ گشت ابروب کلدی نظیر اکوردی
دیدنی متفا که خوش تر حضرت در ارکری

الحکام

بیلیم ویریک بو شکر ایچره نظیر آنک ندرکاری
بوزر عدایله فی روحی او نرعدایله از ناری

نظیره روحی نظیر ادر مدح ارکری
عجب جای صفا و جانقر در ارکری
فوجیخت مکان دلبر ادر ارکری

دیار رومده مثلی بولنر بولیکه بر شکر
بوکا و نوقا که کیم خوش هوادر ارکری

بو شکر پاک اگر فاندن دایم امین او
عجب او نر مقام اولیاد ارکری

تله سیاحر بولیکه زیبا به کلدی
دور لر آنده چو بهجت در ارکری

سرایک کنانی تابع شرع محمد در
مقر عاشقان مفضل در ارکری

معارف اهلیدر خلقی محبت خاندان
وجوهیکه سزاوار ثنادر ارکری

وطندر روحی به صفین آنکون آنلی
دکل والدیهما مدحه سواد ارکری

کفنه عشقی اخندی در مدح ارکری
فوجیختی مرادانت هوای ارکری
جلای چشم زندانت فضای ارکری

اگر سیاح عالم آید از بهر تماشا
بیکر دسرها و اوصاف ارکری

برای اعتدال جسم و جانبد آنکه کردیم
نذیم هیچ جاب و هوای ارکری

بصد شربین زبانی میکنند درویش افغان
غریب دلنوازند آشنای ارکری

برای خاندانی ترک سرگردان روادارند
محبت صادق آل عبای ارکری

مکر سنج عفا آید آنجا بهر صیادی
شکار هر کسی نبود بهای ارکری

بدانند عشقیا آنجا همیشه قدر عرفانی
بکرم محمد انشای برای ارکری

دلبری ایادی کو کلیم فودن که فودن
ایلیخه دل بوی جودی که

ای کلیم بهر خاطر بیلیم
از نقاره که خنده زین

در حق نوروز
محبت خاندانه عید اکبر در بکون زیاده
بوکونده واقع اولمش در خلافتش اولیا

حافظ
روزگار چنانکه هرگاه غمزه است ای دل
صفتش موتهی دلا و شکر انعامی

بیت

رمضان آبی کرک آجیل جنت قیوسی
فتح مینا نه ایچون او قبه لم فاتحه لم

بیت

بنی سیمین تن و نازک عذاری
مر افتنا چه خوانی در عبادت

بیت

پیوسته تا بود سبب محبت بدن
ذات مبارکت ز بهر رخ و آفتی

لغز غنی

ند اول ایکی طوب الماس کون
بری دوینیم بری فالور آج
فتی باکیم بولور سه بولغری

رباعی نازی

لو قدم الجی جلون بالنسب
و آخر العالمون بالادب
قل هو الله وصفی خالقنا
تحت ثبت بد ای لهب

حکایت اولی که ایام از روزی

ترجمه در
کرمه بالا شستن از نسب است
ز بر مردم شستن از ادب است
تونه بینی که سوره اخلاص
زیر ثبت بد ای لهب است

عمر الدینی
و نغز غنی
و فی مکتب
و فی مکتب

عقیده در کس در کس بود و غرضی دارد
کسی حرام و حلال نه مال او قافست

حافظ

مصرع
هر که بد قولت نام و آن بود

محیطی دره

بوگون اقوار ایدین صلاب بیان
یقین بیل آردون کشی اولدر برده
میخ اندی زمینیه آسمان
عصا خاتم الله داتنه الارض
طلوع اشدی کش مغرب زمین
قیمت خوبدی اشراط اولی ظاهر
محیطی غارتندن چغدی مهدی
هدایت ایلدی خلق جهان

معا

ندر او یکیم بوز و آنگ پارمخی
سکر آیاق اوستونه در دورمخی
بش بنی هم آنگ دور تر جانی
عارف بالند کرک بیلور آنی

زینت بد ای لهب
قل هو الله وصفی خالقنا
تحت ثبت بد ای لهب است

نصیحه

عز و علمان ندن عبارت
هو بامن هونک اش تدر

بیت

باک انبکه ارباب خطا صفه قلدین
اظهار کرامت قلور اهل نظر اقا
ظالمه اظهار کرامت اند اینتر
قبله دل فرعون منور بد بیضا

کشتن خوش نشی و درین مومش خط کشی تو بنده نقاش
خط کشی مومش خط کشی باک از دل پاک بر آشی

عبد

کس نکو کرد و دروغ من ترشی است

کشتن انبکه در کس ایلمیه صافه

در مدح باره
سخاوت رأی و بنم آری و اندوه کاوش دی ده
طرب جوی و معاش رب و غم سوزن ط آور

در دقت باره
پیچ فدا و اتم خدایت اداء فقی
تشوین عقل و رخنه دین و زبان مال
دیگر در دقت باره
زوال عقل خلط نقطه خلط غم غنچه
می تلخ کنه زادن خدایم آنجا بندر

نیازی
منبع آفات فی الدنیا القضا
معون آلف و قیام الارشاد
نم یسوس شریع باکی اهل الحاد
اول اعتدالک عدلید شریعت
شریعت و حقیقت اولی الحاد
حقیقت نور ضیاء سید شریعت
حقیقت و لبر عنایا کبیر
آنک زربین لیا سید شریعت

همه را که در این عالم است
در این عالم است که همه را که در این عالم است
در این عالم است که همه را که در این عالم است

ببینی
معاویه که قورقادی خدادان
اوتنهای محمد مصطفیان
انجیل و ناکس و مردار بکار
اشقی و مدبر و مرد و دین عار
شهر سید ایتدی شام تضای
حقارت ایتدی آل مصطفای
بنی سفیان کیم ایغیر لعنت
ایکی عالمه مردود محنت
آنک میند و ارشاد لعنت
آبا اجدانک آدینه لعنت
دخی ز تیب و ارکانه لعنت
یقین دوستارک جاننه لعنت
اتنه قاننه ماله لعنت
لقاسنه و اعماله لعنت
مکدر شکلنه یوزینه لعنت
حقا اکثری بقان کوزینه لعنت
آنک اتباعنه آنه لعنت
دخی جاننه اعماله لعنت
محبته یقین دوستنه لعنت
اتنه یوستنه جاننه لعنت

همه را که در این عالم است
در این عالم است که همه را که در این عالم است
در این عالم است که همه را که در این عالم است

بیت
کو دکی عاقل به است از پیری جاہل ای سپر
شام مردان اینجنان فرمودای جان پند

بیت
لطفی و رحمتی و مروت جمله کاملدن کلور
بر معرفت کیم کلور عالمه جاہلدن کلور

قال اسم
خلق الارض یوم السبت و الجبال یوم الاحد
والبحر یوم الاثنين و المکره یوم الثلاثاء
والنور یوم الاربعه و الدواب یوم الخميس
و آدم یوم الجمعة

در مدح باده

سخاوت رومی و بنم آرای و اندوه گاه و دی ده
طرب جوی و معاش رب زوغم سوزن ط آوره

در ذم باده

بیخ فادوتم خباثت اداء فقی
توشن عقل و زخمه دین و زبان مال

دیگر در ذم باده

زوال عقل خلط نقطه شغل
می تلخ کنه زادن خدر اتم

نیازی

منبع الآفات فی الدنیا القضا
معدن الآفاد فیها الآثار

نبلسون شرع باکی اهل الحاد
اول اعتدالتک عدلید شرعت

شریعتن حقیقت اولی الحاد
حقیقت نور ضیا سید شرعت

حقیقت دلبر عینا کبیر
آنک زین لیا سید شرعت

بیمینی

معاویه که خور قندی خدادان
لمن ادا

در بیان روزهای نحس

بفت روزی نحس باشد در موی
ز خدر کن تانیالی در دو پنج

سه و پنج و سیزده باشد نرده
بیت و یک بابیت و چار و بیت و پنج

ذکر اول نمان کونلرده سفر اینک و یکی طون کیمک و یکی
خانه یا یقی و آن قوشمق و صووش اینک و در یک
صوبه و الحق و الحق و صامتق ابقیمه لرغانبله خدر کرکر

ایات

هر بر آید بیدی کون و ارای کنی
نحس کوندر باشد لیمه آنده ایشی

اوجی بشی اون اوجی اون التمی
هم بگری بری و دوزدی بشی

دخی جاننه اعماله لعنت

محبته یقین دوسته لعنت

الله یوسفنه جاننه لعنت

عالمیک

الاولون شاد محمد

دېځنېم قتر مالدوم پنه افه دانان

صفا
 دسه
 481

ادعوى فقه در پنه افه دانان

صفا
 دسه
 481

۰۰۱۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰

۰۰۰۰
 ۰۰۰۰
 ۰۰۰۰

۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰

